

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران  
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۳، بخش اول (فروردین تا شهریور) /  
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.  
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.  
۸۴۳ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
یادداشت: نمایه.  
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات  
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م۹ش/۲۵۱۲ KMH  
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵

## مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۳ بخش اول ( فروردین تا شهریور )

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

عمار امیری آرانی، حسین امینی پزوه، محمدحسن باقری، علی تقی نژاد، محمدبرزگر خسروی، عباس حسنخانی، سید احمد  
حسینی پور اردکانی، حمیدرضا صادقیان، حسین فاتحی زاده کلخوران، کاظم کوهی اصفهانی، محمد مهاجری، محمد میثم نداف پور  
پیاده سازی و تنظیم: محسن بیات، سید حامد چاوشی، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۲-۸

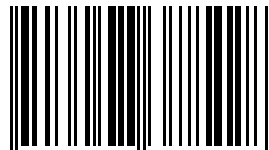
تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir



9 786008 378228

## مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۳/۱/۲۷

مشمول بر موضوعات زیر:

- (۱) نطق پیش از دستور
- (۲) طرح استفساریه تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی
- (۳) طرح اصلاح موادی از قانونی بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)
- (۴) لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان
- (۵) لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور

اقدام سراسری دارد؛ از مردم گرفته تا مسئولین، همه باید در این قضیه شرکت کنند. مسئله‌ی فرهنگی هم که اهم از آن [مسئله‌ی اقتصادی] است. ما خیلی عقب‌ماندگی فرهنگی داریم. نمی‌دانم می‌خواهیم چه کار بکنیم و مسئولش چه کسی است؟ در این قضیه از حوزه‌های علمیه گرفته تا دانشگاه‌ها، اساتید، دانشمندان، نویسندگان و گویندگان، همه در این قضیه نقش دارند. ما اگر جلوی این عقب‌ماندگی فرهنگی را نگیریم، روز به روز بدتر می‌شود و پیشرفت خواهد کرد. خداوند ان‌شاءالله توفیق بدهد که امسال سالی باشد که یک حرکت عمومی انجام بگیرد و تا آخر سال شاهد یک اثرگذاری جدی در مسائل فرهنگی باشیم. در آستانه‌ای میلاد حضرت زهرا سلام‌الله علیها و حضرت امام رضوان‌الله علیه هستیم ...

آقای عزیززاده - ان‌شاءالله مبارک باشد.

آقای جنتی - ... بعد هم که ماه رجب و ایام متبرک آن را در پیش رو داریم. امیدواریم که خداوند در آن ایام هم برکاتی را نازل کند.

آقای عزیززاده - ان‌شاءالله همین طور است.

آقای جنتی - حالا بفرمایید دستور را شروع کنید.

تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید

### نطق پیش از دستور

آقای جنتی - سلام علیکم و رحمت‌الله. جلسه‌ی قبلی که جلسه‌ی فقهی بود، آقایان حقوقدانان شورا تشریف نداشتند. حالا در این جلسه از حضور همه‌ی آقایان تشکر می‌کنم و سال نو را هم به همه‌ی عزیزان تبریک عرض می‌کنم. امیدواریم ان‌شاءالله که سال پر خیر و برکت و پر رحمت از آسمان و زمین باشد و ان‌شاءالله باران رحمت خدا ببارد. با این کم‌آبی‌هایی که ما داریم و در پنج، شش استان بزرگ کشور با مشکل کم‌آبی جدی مواجهیم، اگر این طور پیش برود، در آینده مشکلاتی پیدا خواهیم کرد. امیدواریم که باران رحمت خدا ببارد و همه‌ی صحراها و مزارع را سیراب کند و مردم را شاداب کند. امیدواریم که همه بتوانند در حد خودشان و سهم خودشان حق مطلب را در خصوص مسئله‌ی اقتصاد و فرهنگ که مقام معظم رهبری سال نو را با آن نام‌گذاری کردند،<sup>۱</sup> ادا کنند. این اهمیتی که ایشان در خصوص مسائل زیربنایی و سازندگی برای کشور مطرح فرمودند، می‌تواند در خیلی جاها اثر بگذارد. امیدواریم همه بتوانند به خوبی اقدام بکنند و بتوانند وظیفه‌ی خودشان را نسبت به آن انجام بدهند. این کار هم بسیار سنگین است. اقتصاد نیاز به یک حرکت عمومی و یک

### طرح استفساریه تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات

#### استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی

منشی جلسه - «طرح استفساریه تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی»<sup>۲</sup> موضوع استفساریه:

در اجرای تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱،<sup>۳</sup> چنانچه

۲. طرح یک‌فوریتی استفساریه تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۹۹/۳۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۳. ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹- میزان ساعات کار کلیه جانبازان با توجه به نوع و درصد جانبازی و کاهش توانایی آنان به موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد کمیته‌ای به سرپرستی نماینده بنیاد با موافقت ولی فقیه یا نماینده مأذون از طرف ایشان و عضویت

۱. مقام معظم رهبری در ابتدای سال ۱۳۹۳، نام این سال را «سال اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام‌گذاری فرمودند.

هم‌تراز جانباز جهت اشتغال جانبازانی که توانایی انجام کار تمام‌وقت را ندارند یا به خدمت اعاده یا به استخدام پذیرفته می‌شوند با تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور یا مراجع ذیصلاح مربوط اقدام نمایند.» آقای دکتر شما بفرمایید یک توضیحی بدهید.

**آقای ره‌پیک -** بسم الله الرحمن الرحيم. طبق قوانین مختلف، تسهیلاتی برای جانبازان ایجاد شده است و یکی از آن قوانین هم تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان است. در این تبصره، برای جانبازانی که نمی‌توانند کار تمام‌وقت انجام بدهند و برای برخی دیگر از جانبازان با شرایط خاص،<sup>۱</sup> یک تسهیلاتی ایجاد شده است؛ از جمله اینکه برای این افراد، در آن پستی که کار می‌کنند یک پست هم‌تراز در سازمان ایجاد می‌شود و یا حتی اگر جانباز نمی‌تواند کار بکند آن جانباز به صورت مثلاً «حالت اشتغال»<sup>۲</sup> درمی‌آید و در آن پست به صورت مجازی قرار می‌گیرد، بدون اینکه کار بکند. آن پست هم‌تراز موقعیت شغلی‌ای بوده است که جانباز قبل از این حالت در آن موقعیت قرار داشته است.<sup>۳</sup> به عنوان مثال فرض

۱. مواد (۴) و (۶) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴- دستگاه‌های مشمول این قانون مکلفند حسب درخواست جانبازانی که تا تصویب این قانون در خدمت دستگاه بوده‌اند فقط برای یک بار نسبت به اعاده به خدمت آنان اقدام نمایند.

تبصره- جانبازانی که به دلیل محکومیت یا رأی مراجع قضایی یا هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و یا سایر مراجع قانونی مشابه از کار برکنار شده‌اند مشمول این ماده نخواهند شد.

ماده ۶- دستگاه‌های مشمول این قانون مکلفند ضمن افزودن مدت خدمت در جبهه و مدت معالجه جانباز (بر اساس استعلام از مراجع ذیربط) به حداکثر شرایط سنی مجاز جهت ورود به دستگاه، مدت مزبور را بدون پرداخت کسور بازنشستگی از هر نظر جزو سنوات خدمت قابل قبول بازنشستگی محسوب نمایند.

تبصره- پرداخت کسور بازنشستگی سهم مستخدم و کارفرما برای طی دوره فوق در دستگاه‌های دولتی مشمول این قانون، به عهده دستگاه مربوط و در دستگاه‌های غیر دولتی از جمله واحدهای تحت پوشش قانون کار به عهده دولت می‌باشد که اعتبار مربوط طی ردیف جداگانه همه‌ساله در بودجه کل کشور پیش‌بینی تا به صندوق‌های ذیربط واریز شود.»

۲. ماده (۵) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- با جانبازانی که به دلیل آسیب‌ها و یا عوارض جانبازیشان طبق مقررات، از کارافتاده کلی شناخته شده و قادر به کار نباشند بر اساس قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز از کارافتاده و مفقودالاثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰ و اصلاحیه بعدی آن رفتار خواهد شد.»

۳. بند (د) ماده (۲) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب

جانباز در پست مدیریتی و یا سایر عناوین شغلی که بالاتر از شرایط احراز شغلی وی باشد، خدمت نموده، آیا ایجاد پست هم‌تراز باید هم‌سطح همان پست شغلی قبلی وی باشد؟ و اگر جانباز مدتی در پست سازمانی (اعم از مدیریت یا سایر عناوین شغلی) در محل مأموریت خدمت کرده باشد، آیا ایجاد پست هم‌تراز با دستگاه متبوع اصلی و هم‌تراز پست مأموریت می‌باشد؟ پاسخ:

بلی، باید پست سازمانی ستاره‌دار هم‌تراز همان شغلی که خدمت نموده ایجاد شود و ایجاد پست هم‌تراز برای مأموران، با دستگاه متبوع اصلی مستخدم است.»

**آقای جنتی -** این «پست ستاره‌دار» یعنی چه؟

**آقای ره‌پیک -** حاج‌آقا این مصوبه در مورد تفسیر تبصره (۳) ماده (۹) است که ضمیمه شده است.

**آقای علیزاده -** تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی منظور است. معنای ستاره‌داری که ما در دادگستری می‌دانیم، یعنی باید تخصص آن دستگاه را داشته باشد و بعضی مواقع که در دادگستری ستاره‌دار می‌گویند یعنی شخص باید قاضی باشد. در آنجا این‌طوری است؛ ولی من جاهای دیگر را نمی‌دانم. در دادگستری وقتی می‌گویند پستی ستاره‌دار است منظور این است که کسی باید آن پست را اشغال بکند که دارای رتبه‌ی قضایی است. در جاهای دیگر ممکن است منظور از پست ستاره‌دار این باشد که آن پست متناسب با تخصصشان باشد؛ من نمی‌دانم. آقای دکتر ره‌پیک که بررسی کرده‌اند، توضیح بدهند. من فقط تبصره (۳) را می‌خوانم: «تبصره ۳- دستگاه‌های مشمول این قانون موظفند نسبت به ایجاد پست (شغل) سازمانی

→

نمایندگان تام‌الاختیار سازمان امور اداری و استخدامی کشور، وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.  
تبصره ۱- بخش‌های غیر دولتی نیز مشمول مصوبات موضوع این ماده می‌باشند.

تبصره ۲- جانبازانی که به هر دلیل نتوانند از کسر ساعات کار استفاده نمایند، از اضافه کار ساعتی، مرخصی سالانه و کسر سنوات خدمت بازنشستگی به نحوی که در آیین‌نامه آن پیش‌بینی می‌گردد برخوردار خواهند شد.

تبصره ۳- دستگاه‌های مشمول این قانون موظفند نسبت به ایجاد پست (شغل) سازمانی هم‌تراز جانباز جهت اشتغال جانبازانی که توانایی انجام کار تمام‌وقت را ندارند یا به خدمت اعاده یا به استخدام پذیرفته می‌شوند با تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور یا مراجع ذیصلاح مربوط اقدام نمایند.»

←

پرورش کارشناس بوده است و مثلاً یک وزیری او را مشاور خودش کرده است و به همین خاطر به یک سازمان دیگری مأمور شده و مشاور وزیر شده است. پست او کارشناس بوده است، ولی مأمور به وزارتخانه‌ی دیگری شده و در آنجا مشاور وزیر شده است. حالا وقتی در پست مشاور وزیر قرار گرفته است، یکی از آن‌ها حالتی که باید برای آن، پست هم‌تراز درست بکنند، بروز کرده است؛ مثل اینکه او دیگر نمی‌تواند خدمت تمام‌وقت بکند و می‌خواهد حالت اشتغال پیدا بکند. خب در این مواقع، سازمان موظف است برای این‌ها جایز یک پست هم‌تراز درست بکند. حالا سؤال این استفساریه این است که الان پست هم‌تراز این‌ها چیست؟ پست هم‌تراز او همان پست واقعی است که شرایط احرازش را به عنوان کارشناس داشت یا پستی است که در آن مأمور شده و آن پست بالاتر از شرایط احراز او بوده و رفته در آن پست خدمت کرده است؟ پست هم‌تراز واقعی‌اش، کارشناسی است؛ اما الان دستگاه موظف است که پست مشاور وزیر را برایش درست بکند. در واقع سؤال این است: «چنانچه جایز در پست مدیریتی و یا سایر عناوین شغلی که بالاتر از شرایط احراز شغلی وی باشد خدمت نموده، آیا ایجاد پست هم‌تراز باید هم‌سطح همان پست شغل قبلی وی باشد؟ و اگر جایز مدتی در پست سازمانی (اعم از مدیریت یا سایر عناوین شغلی) در محل مأموریت خدمت کرده باشد، آیا ایجاد پست هم‌تراز با دستگاه متبوع اصلی و هم‌تراز پست مأموریت می‌باشد؟» حالا سؤال دوم این است که کدام دستگاه برای آن‌ها جایز پست درست بکند؟ آن دستگاهی که در آنجا مأمور بوده است یا دستگاه اصلی؟

**آقای یزدی -** این طرح، هزینه و بار مالی دارد.

**آقای علیزاده -** بله، هزینه دارد.

**آقای یزدی -** اگر میزان پرداخت را بالا برده باشد، هزینه دارد.

**آقای جنتی -** این، استفساریه است.

**آقای ره‌پیک -** حاج‌آقا این قانون قبلاً بوده است.

**آقای علیزاده -** بله، قبلاً بوده است.

**آقای ره‌پیک -** این قانون موجود بود. الان اشکال این بحث فقط ممکن است این باشد که این مصوبه، تفسیر است یا نه. این مصوبه‌ی مجلس دارد قانون را توسعه می‌دهد یا دارد آن را تفسیر می‌کند؟ اگر این مصوبه‌ی مجلس، واقعاً دارد قانون را تفسیر می‌کند، چون این قانون قبلاً موجود بوده، در نتیجه بار

بفرمایید که یک جایز مدیر اداره بوده است و یکی از این حالات قانونی برایش پیش می‌آید؛ مثلاً فرض کنید حالت اشتغال برایش پیش بیاد و نتواند به صورت تمام‌وقت کار بکند، در این صورت، قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جایز می‌گوید چون این افراد باید یک مقداری از دستگاه منفک بشوند، یا به صورت کامل یا به صورت نیمه‌وقت، دستگاه موظف است برای آنها یک پستی درست بکند. دستگاه باید همان پست اداری را به صورت مجازی ایجاد بکند؛ یعنی آن پست درون سازمان هست و گویا در واقع این‌ها هم در آن پست هست، ولو اینکه آنجا نیست و کار نمی‌کند؛ تا وقتی که جایز خدمتش تمام بشود، حقوق آن پست را می‌گیرد. وقتی این جایز بازنشسته می‌شود، آن پست هم با این جایز از بین می‌رود. یعنی این پست، پست دائمی این سازمان نیست و سازمان باید یک پست برای این شخص ایجاد بکند ولو اینکه درون تشکیلات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، همچنین پستی تصویب نشده باشد. یک پست جدید مدیریتی برای جایز درست می‌کند. قانون می‌گوید اگر جایز در یک پستی قرار گرفت، باید برایش یک پست هم‌تراز درست بکند. حالا نمایندگان مجلس آمده‌اند یک سؤالی طرح کرده‌اند و ابهامی که بوده است را در این سؤال مطرح کرده‌اند. این سؤال دو قسمت دارد. در واقع دو سؤال است. یک سؤال این است که چنانچه جایز در پست مدیریتی و یا سایر عناوین شغلی‌ای که بالاتر از شرایط احراز شغلی وی است، خدمت کند، آیا ایجاد پست هم‌تراز باید هم‌سطح همان پست شغلی قبلی وی باشد؟ یک موقع این شخص جایز کارشناس یا مدیر است و او شرایط آن پست را داشته است، و یک موقع این شخص جایز را در یک پستی گذاشته‌اند که شرایط آن پست را ندارد، ولی در آن پست خدمت کرده است ...

**آقای مدرس‌ی یزدی -** عملاً خدمت کرده است ...

**آقای ره‌پیک -** بله، عملاً خدمت کرده است ولی شرایط آن پست را نداشته است یا اینکه این آقای جایز را به یک اداره‌ای مأمور کرده‌اند؛ مثلاً این جایز در وزارت آموزش و

→

اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «د- پست هم‌تراز: پست سازمانی با نامی است که با علامت اختصاری (x) مشخص می‌شود و در مجموعه تشکیلاتی دستگاه‌های موضوع ماده (۳) این قانون ایجاد می‌گردد و تا رسیدن خدمت مستخدمین جایز به شرایط عمومی خروج از خدمت برای آنان در مجموعه مزبور حفظ می‌شود.»

پست بالاتری به او داده‌اند؟ اگر این کار غیر قانونی بوده ...  
**آقای ابراهیمیان -** بله، این کار قانونی بوده است؛ در قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی، این کار پیش‌بینی شده است.

**آقای مدرسی یزدی -** پس اصلاً این موضوع، استفسار نمی‌خواهد؛ تحت همین قانون این کار واقع می‌شود. اگر این کار قانونی نبوده باشد که آن امتیاز داده نمی‌شود.

**آقای علیزاده -** وقتی قبلاً قانون این امتیاز را داده است، پس این کار، قانونی است دیگر.

**آقای ابراهیمیان -** اگر این را بپذیریم که این مصوبه تفسیر است، یعنی این مصوبه همان پیام اولیه‌ی متن قانونی است که قبلاً تصویب شده است و بنابراین، مسئله‌ی هزینه‌های آن هم ارزیابی شده است. بنابراین قاعده‌ی جدیدی نیست که با مانع اصل (۷۵) قانون اساسی که مربوط به منع افزایش هزینه‌های عمومی است، مواجه شود و با آن اصل، مغایرت داشته باشد؛ مگر اینکه بگوییم نه، پاسخ مجلس به استفساریه، قاعده‌ی جدیدی است؛ آن وقت دیگر، این مصوبه اصلاً تفسیر نیست و باید با اقداماتی که تفسیر نیست، مخالفت بکنیم.

**آقای علیزاده -** پاسخ مجلس چیزی اضافه بر قانون موجود ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** اگر قبول داریم که این مصوبه، تفسیر است، یعنی از اول پیام قانون این بوده است و باید این وضع ایجاد می‌شد. بنابراین اگر این مصوبه تفسیر است، مسئله‌ی ایجاد هزینه‌ی جدید و مغایرت با اصل (۷۵) مطرح نمی‌شود.

**آقای سلیمی -** بسم الله الرحمن الرحیم. جانبازی به هر دلیلی به یک اداره‌ی دیگر مأمور شده است و در آنجا پست بالاتری به او واگذار کرده‌اند و در آنجا خدمت کرده است. البته امتیازهای مربوطه از جمله حقوق آنجا را هم دریافت می‌کرده است، مثل کسانی که در ادارات خودشان در پست‌های پایین هستند و فرض کنید که نماینده‌ی مجلس شده‌اند. در دوره‌ی نمایندگی مجلس در یک جایگاه بالاتری قرار گرفته و کار کرده‌اند ولی در دوره‌ی بعد دیگر نماینده نیستند و به اداره‌ی سابق خودشان برمی‌گردند. حرف این است که این فردی که در این جایگاه فعلی‌اش، در آن سازمان قبلی پست ندارد، آیا این سازمان باید پست این شکلی برای این فرد ایجاد کند؟ آیا باید او را در چنین پستی به کار بگیرد و بر این مبنای افزایش حقوق و مزایا در نظر بگیرد؟ بنابراین این مصوبه اصلاً بار مالی ندارد؛ چون این

مالی ندارد. اگر این مصوبه‌ی مجلس دارد یک حکم جدیدی ایجاد می‌کند، باید بحث کرد که آیا بار مالی دارد یا نه. بحث، این است.

**آقای جنتی -** مثل اینکه در مورد این استفساریه، [مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده‌ی شورای نگهبان)] هر دو برداشت را احتمال داده‌اند.<sup>۱</sup>

**آقای ره‌پیک -** آنجا در این خصوص، بحث شد و بالاخره دو تا نظر داده شد.

**آقای مدرسی یزدی -** این مصوبه که هزینه و بار مالی دارد؛ چون پست بالاتری به جانباز می‌دهند.

**آقای ره‌پیک -** این پست بالاتر را قبلاً هم طبق قانون می‌گرفته است.

**آقای علیزاده -** قبلاً این امتیاز در آن قانون موجود بود.

**آقای مدرسی یزدی -** نه.

**آقای علیزاده -** چرا؛ این امتیاز قبلاً در قانون بوده است.

**آقای مدرسی یزدی -** پست بالاتر که به جانباز بدهند، باید حقوق بالاتر هم بدهند.

**آقای علیزاده -** بله، ولی این در خود قانون بوده است.

**آقای مدرسی یزدی -** نبوده است.

**آقای علیزاده -** اگر ما این مصوبه را تفسیر بدانیم، بار مالی ندارد؛ چون جانباز در آن پست خدمت می‌کرده است، نه اینکه الآن بخواهند با این استفساریه این امتیازات را به او بدهند.

**آقای مدرسی یزدی -** ایشان [= آقای ره‌پیک] مثالی زدند؛ گفتند فرض بکنیم آن جانباز در اداره‌ی خودش کارشناس بوده است و در یک اداره‌ی دیگر مأمور به خدمت شده است؛ مثلاً در یک وزارتخانه‌ای پست مشاوره به او داده‌اند.

**آقای ره‌پیک -** خب در اداره‌ای که مأمور شده است، کار کرده و حقوق مشاور گرفته است.

**آقای مدرسی یزدی -** خب آن وقتی که پست مشاور به او داده‌اند، به او حقوق پست کارشناسی را داده‌اند یا حقوق پست مشاور را؟

**آقای علیزاده -** نه، حقوق مشاور را داده‌اند.

**آقای ره‌پیک -** بله، حقوق مشاور را به او می‌داده‌اند.

**آقای مدرسی یزدی -** به چه مجوزی این شخص را برده‌اند و

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۱۰۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶، صص ۵-۲، قابل مشاهده در نشانی زیر:

آن قانون بوده است. آیا این پست جدیدی که به او می‌دهند، هزینه‌ی اضافی ندارد؟ این پست جدیدی که واقعیت ندارد و دارید آن را به او می‌دهید، هزینه‌ی اضافی دارد یا ندارد؟

**آقای علیزاده -** ما این پست را به او نمی‌دهیم.

**آقای یزدی -** اگر پست جدیدی که به او می‌دهیم، واقعیت ندارد، و همان حقوق قبلی را به او می‌دهیم، پس چرا تحت عنوان یک پست جدید داریم به او حقوق می‌دهیم؟ یا اینکه نه، این پست جدید واقعیت دارد و هزینه‌ی جدید را هم باید به او بدهیم؟ بالاخره کلمه‌ی تفسیر که اصل مسئله را حل نمی‌کند. اگر داریم در این مصوبه قانون را تفسیر می‌کنیم، یعنی این مصوبه در دل آن قانون بوده است. یعنی می‌فرمایید در دل آن قانون بوده که اگر این‌طور شد این حقوق را اضافه به او بدهید؟

**آقای علیزاده -** حاج آقا اجازه بدهید ما اصل استفساریه را بخوانیم؛ این استفساریه می‌گوید: «در اجرای تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱، چنانچه جانباز در پست مدیریتی و یا سایر عناوین شغلی که بالاتر از شرایط احراز شغلی وی باشد، خدمت نموده آیا ایجاد پست هم‌تراز باید هم‌سطح همان پست شغلی قبلی وی باشد؟» یعنی شخص جانباز در اداره‌ای بوده و در آنجا کار کرده و آن حقوق و مزایا را گرفته است و از تمام مزیت‌ها هم برخوردار می‌شده است. حالا شک کرده‌اند که آیا ایجاد پست هم‌تراز باید هم‌سطح همان پست شغلی قبلی وی باشد یا هم‌سطح پست شغل فعلی او؟ سؤال دوم این است که «اگر جانباز مدتی در پست سازمانی (اعم از مدیریت یا سایر عناوین شغلی) در محل مأموریت، خدمت کرده باشد، آیا ایجاد پست هم‌تراز با دستگاه متبوع اصلی و هم‌تراز پست مأموریت می‌باشد؟» این دو سؤال مطرح است. یعنی این جانباز یا قبلاً در اداره‌ی خودش بوده یا در اداره‌ی دیگری در یک پست بالاتری خدمت کرده است، الآن که او خدمت نمی‌کند می‌خواهند برایش پست هم‌تراز ایجاد کنند، یعنی آن ارفاقی که آن قانون ...

**آقای یزدی -** آن پست جدیدی که ایجاد می‌کنیم، واقعی است یا غیر واقعی؟

**آقای علیزاده -** غیر واقعی است.

**آقای ره‌پیک -** حاج آقا بنده توضیح بدهم ...

**آقای علیزاده -** قانون‌گذار در همان زمان گفته است این پستی

فرد قبلاً همین حقوق را می‌گرفته و الآن هم همان حقوق را می‌خواهد بگیرد؛ بیشتر که نمی‌خواهد حقوق بگیرد. سؤال می‌کنند که به او کمتر حقوق بدهند؟ جواب می‌دهند که نه، حقوق را کمتر نکنید و همان حقوق را به او بدهید؛ برایش جایگاه و پست هم قرار بدهید. همان‌طور که دوستان فرمودند، اگر بپذیریم که این مصوبه‌ای که آمده است، تفسیر است، تبصره (۳) از نظر بار مالی هیچ مشکلی ندارد. این مصوبه باید تفسیر هم باشد. این مصوبه از نظر تفسیری هم قاعداً اشکالی ندارد. آقایان در مجمع مشورتی فقهی قم هم این مصوبه را بررسی کرده‌اند و اشکالی در این رابطه ندیده‌اند و گفته‌اند که این مصوبه مانعی ندارد.<sup>۱</sup>

**آقای علیزاده -** این‌طور نمی‌شود که ما بگوییم که اگر این مصوبه را تفسیر بدانیم، این‌طور است و اگر تفسیر ندانیم، آن‌طور است. این مصوبه، تفسیر است و ما هم باید بگوییم که این مصوبه، تفسیر است. این استفساریه دارای دو قسمت است و همه‌ی شما روی قسمت آخر متمرکز شده‌اید که شخص به یک سازمانی مأمور شده است. اصلاً در قسمت اول مصوبه صحبتی از مأموریت نیست و صحبت از کسی است که در همان اداره‌ی خودش پست بالاتری را گرفته است. توجه فرمودید؛ قسمت اول استفساریه این است. قسمت دوم استفساریه این است که اگر جانباز مأمور شده باشد و یا در جای دیگر خدمت کرده باشد، آیا آن را هم شامل می‌شود یا نه؟ از تبصره (۳) ماده (۹) قانون برمی‌آید که ما این مصوبه‌ی مجلس را تفسیر تبصره (۳) ماده (۹) بدانیم. بنابراین، به نظر بنده این مصوبه‌ی مجلس اشکالی ندارد. حضرات آقایانی که این مصوبه‌ی تفسیری را خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی می‌دانند و می‌خواهند بگویند که این مصوبه بار مالی دارد، باید بگویند که این استفساریه، هزینه‌ای اضافه بر قانون دارد ایجاد می‌کند.

**آقای یزدی -** بالاخره قانوناً باید ذهن ما قانع بشود. من شخصاً ذهنم قانع نشده است که این مصوبه، تفسیر آن قانون است. ببینید، این پست جدیدی که به آن فرد تحت عنوان این مصوبه می‌دهند، محل بحث است. درست است که اگر این مصوبه، تفسیر قانون باشد، معنایش این است که در دل همان قانون بوده است؛ ولی حالا با یک کلمه‌ی تفسیر که نمی‌شود حکمی را اضافه بر قانون بگوییم و مدعی شویم که این حکم در دل

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: [yon.ir/SruWe](http://yon.ir/SruWe)



حقوقش کم نشود. توجه می‌فرمایید. حالا نظر خود من این است که این مصوبه‌ی مجلس، تفسیر است.

**آقای یزدی** - اگر در پست دومی که به او داده‌اند، حقوق آن پست را مطابق قانون به او می‌داده‌اند، بله.

**آقای ره‌پیک** - بله.

**آقای یزدی** - الآن که بخواهند دوباره جایش را عوض کنند، به قول شما وقتی خود جانباز می‌رود، این پست بعدی او هم می‌رود؛ منتها منظور قانون‌گذار این است که همان حقوق به او داده شود.

**آقای ره‌پیک** - تا پنج سال دیگر که این شخص می‌خواهد بازنشسته بشود، پست مشاور را دارد و بعد که رفت، پست مشاورش هم از بین می‌رود.

**آقای علیزاده** - حضرات آقایانی که این استفساریه را خلاف اصل (۷۳) قانون اساسی می‌دانند و می‌گویند تفسیر نیست، رأی بدهند. کسی رأی نداد، پس تأیید است.

**آقای ره‌پیک** - البته قسمت دوم مصوبه هم هست که سؤال کرده است این پست هم‌تراز را سازمان مبدأ ایجاد می‌کند یا سازمان بعدی؟ در این مورد هم مجلس پاسخ داده است که دستگاه مبدأ باید این پست را ایجاد کند.

**آقای علیزاده** - قسمت دوم برای روشن شدن قانون است. اتفاقاً این قسمت دوم، بدون شک تفسیر است.

**آقای ره‌پیک** - نه، تفسیر هم نیست، بلکه صراحت دارد؛ این قانون در مواد دیگر صراحت دارد که دستگاه مبدأ باید پست هم‌تراز را درست کند.<sup>۱</sup>

## طرح اصلاح موادی از قانونی بخش تعاونی اقتصاد

### جمهوری اسلامی ایران

#### (اعاده‌شده از شورای نگهبان)

**منشی جلسه** - دستور دوم جلسه، «طرح اصلاح موادی از قانونی بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)<sup>۲</sup> است. ایراد اول شورا [در نظر شماره ۵۳۲۳۱/۳۰/۹۲]

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۹۹/۳۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷، طرح استفساریه تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی، مصوب جلسه مورخ بیست و ششم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

را که می‌خواهید به‌طور مجازی برایش ایجاد کنید، باید هم‌تراز آن پستی باشد که او در آن خدمت کرده است.

**آقای ره‌پیک** - من یک‌طور دیگر توضیح بدهم. در واقع اصل حکمی که این مصوبه آن را تفسیر می‌کند این است که اگر یک جانبازی پست و شغلی را داشت و یکی از آن شرایط برایش حادث شد، سازمان باید پست هم‌تراز برایش درست کند. خب، ظاهر این حکم این است که پست هم‌تراز او کدام است؛ همان پستی که او اصالتاً داشته در آن کار می‌کرده و شرایطش را هم داشته و در آن پست مأمور نبوده، و بالاتر هم نبوده است. بنابراین اصل درست کردن پست هم‌تراز در قانون بوده است. معنای مجازی بودن پست هم‌تراز این است که این پست مربوط به این شخص است و این یک پست واقعی در سازمان نیست؛ اگر این جانباز از این سازمان رفت، پستش هم می‌رود. این پست را برای این درست کرده‌اند که حقوق جانباز کم نشود و اگر او به جای دیگری رفت یا کار نکرد و حالت اشتغال داشت، این پست برای او حفظ بشود.

**آقای علیزاده** - برای این است که سطح حقوقش حفظ بشود.

**آقای ره‌پیک** - بله، تا سطح حقوقش حفظ بشود. این اصل حکم آن قانون است و ظاهرش این است که پست هم‌تراز یعنی هم‌تراز با آن شغلی که واقعاً در آن کار می‌کرده است. حالا سؤال این است که اگر شخصی باشد که به پست بالاتری مأمور شده است، پست هم‌تراز او چیست؟ یعنی اگر آن شخص یک کار دیگری داشت و در یک شغل بالاتری خدمت کرده است که شرایط آن را نداشته است - به عنوان مثال او در سازمان خودش کارشناس بوده ولی پنج سال پست مدیریتی داشته است و عملاً کار مدیریتی می‌کرده یا اینکه مشاور وزیر شده است - آیا آن حکم قانونی که می‌گفت برای این جانباز پست هم‌تراز درست بکنید، معنایش این است که باید برای این جانباز پست هم‌تراز مبدأش را که شرایط تصدی آن را داشته است، درست کنند و یا باید پست هم‌ترازی را که او در آن خدمت کرده و بالاتر است، برایش درست بکنند. متن استفساریه این است که آیا آن عبارت قانون تاب این تفسیر را دارد که شامل این موارد هم بشود یا نه. پاسخی که مجلس داده است این است که بله، فلسفه‌ی آن حکم قانون این است که می‌خواسته حقوق این جانباز کم نشود؛ می‌خواسته این شخص دوباره به عقب برنگردد. حالا که او به مدت پنج سال مشاور وزیر بوده است، پست هم‌ترازش مشاور وزیر باشد تا دیگر

مورخ [۱۳۹۲/۱۲/۴] به ماده (۵) این مصوبه، به این ترتیب بوده است: «۱- ماده (۵) موضوع اصلاح ماده (۳۸) اصلاحی این قانون مصوب ۱۳۷۷/۷/۵ که متضمن حذف بندهای (۲) و (۵) ماده

→

که با عنوان اولیه «طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۷ و الحاق موادی به آن» توسط تعدادی از نمایندگان به مجلس تقدیم شده بود، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۸ با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۱/۷۵۴۳۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۵ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین مجلس و شورای نگهبان، رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۲/۳۰/۵۳۲۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ و ۹۳/۱۰۲/۲۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۷۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۱. ماده (۵) طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲/۱۱/۱۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- ماده (۳۸) قانون\* به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳۸- اعضای هیئت مدیره، هیئت رئیسه، مدیرعامل و بازرسان علاوه بر شرایط مندرج در اساسنامه، با رعایت ماده (۱۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی باید حسب مورد واجد شرایط مندرج در مواد (۱۱۱)، (۱۲۶) و (۱۴۷) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ و اصلاحیه‌های بعدی آن باشند.

تبصره- برای عضویت در هیئت رئیسه اتاق‌های تعاون علاوه بر شرایط مذکور در این ماده، داشتن حداقل سه سال سابقه عضویت در هیئت مدیره، مدیریت عامل، دبیری یا دبیرکلی و بازرسی شرکت‌ها، اتحادیه‌ها و اتاق‌ها در بخش تعاون الزامی است.»

\* ماده (۳۸) قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) مجلس شورای اسلامی مقرر می‌داشت: «ماده ۳۸- اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرسان باید واجد شرایط زیر باشند:

۱- تابعیت جمهوری اسلامی ایران  
۲- ایمان و تعهد عملی به اسلام (در تعاونی‌های متشکل از اقلیت دینی شناخته‌شده در قانون اساسی تعهد عملی به دین خود)  
۳- دارا بودن اطلاعات یا تجربه لازم برای انجام وظایف متناسب با آن تعاونی

۴- عدم ممنوعیت قانونی و حجر  
۵- عدم عضویت در گروه‌های محارب و عدم ارتکاب جرائم بر ضد امنیت و جعل اسناد

۶- عدم سابقه محکومیت ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تدلیس، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و ورشکستگی به تقصیر.

←

اخیرالذکر می‌باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.» همچنین نسبت به این ماده، یک تذکر هم داده بودیم: «ظاهراً در ماده (۵) موضوع اصلاح ماده (۳۸) این قانون، مقصود مواد (۱۱۱)، (۱۲۶) و (۱۴۷) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ بوده است که اشتبهاً قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ ذکر گردیده است.»

الآن مجلس برای رفع ایراد شورا، این ماده را به این ترتیب اصلاح کرده است: «ماده (۳۸) قانون موضوع ماده (۵) مصوبه، به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳۸- اعضای هیئت مدیره، هیئت رئیسه، مدیرعامل و بازرسان باید واجد شرایط زیر باشند:

۱- ایمان و تعهد به اسلام (در تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی، تعهد به دین خود)

۲- نداشتن منع قانونی و محجور نبودن

۳- عدم عضویت در گروه‌های محارب و عدم ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور و عدم محکومیت به جعل اسناد

۴- عدم سابقه محکومیت به ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تدلیس، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و ورشکستگی به تقصیر.

تبصره- برای عضویت در هیئت رئیسه اتاق‌های تعاون علاوه بر شرایط مذکور در این ماده، داشتن حداقل سه سال سابقه عضویت در هیئت مدیره یا مدیریت عامل، دبیری یا دبیرکلی و بازرسی شرکت‌ها، اتحادیه‌ها و اتاق‌ها در بخش تعاون الزامی است.»

**آقای عزیززاده** - عین همان ماده (۳۸) قبلی شده است. این ایرادی که آقایان گرفته بودند، شرعی بوده است و حالا با اضافه کردن این بندها که آورده‌اند، به نظر می‌رسد ایراد آقایان فقها برطرف شده است.

**آقای مدرسی یزدی** - بند (۲) قانون اصلی چه بوده است؟

**آقای عزیززاده** - ایمان و تعهد به اسلام بود که مجلس در این مصوبه، آن را به عنوان بند (۱) آورده است. یکی هم عدم عضویت در گروه‌های محارب و عدم ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور و عدم محکومیت به جعل اسناد بود که آن را هم، الآن مجلس در بند (۳) آورده است. خودشان دوباره یک مواردی [مثل بند (۴) و (۲)] را هم اضافه کرده‌اند.

**آقای ره‌پیک** - بندهای (۲) و (۵) قانون قبلی، در این مصوبه به

→

تبصره- در مواردی که مدیرعامل از خارج انتخاب می‌شود، داشتن شرایط بندهای (۴) و (۵) ماده (۹) الزامی نیست.»

اشکال جدید است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - اصلاً به جای شرط «ایمان و تعهد»، باید «درستکاری، وثاقت و امانتداری» بیاید.

**آقای علیزاده** - بله.

**آقای هاشمی شاهرودی** - عبارت «تعهد به دین خود» را باید حذف کنند.

**آقای اسماعیلی** - این عبارت، قبلاً بوده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چون مثلاً فردی مؤمن و متعهد به اسلام است، ولی امین نیست. این فرد برای هیئت مدیره، هیئت رئیسه، مدیرعامل و بازرسی مناسب نیست.

**آقای مدرسی یزدی** - اگر امین نیست، خب تعهد ندارد دیگر.

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه، چون تعهد به این معنا نیست؛ عرف امانت را از تعهد نمی‌فهمد.

**آقای رهپیک** - [اگر مؤمنی امانتدار نباشد] التزام نظری به اسلام دارد، ولی التزام عملی ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، عملاً امین نیست.

**آقای جنتی** - بعضی دوستان در مرکز تحقیقات شورای نگهبان هم این سؤال را کرده‌اند که آیا مراد از تعهد، التزام عملی به اسلام را هم شامل می‌شود یا نه؟ اگر اسلام اولیه را شامل می‌شود، دوباره اشکال باقی است.<sup>۱</sup>

**آقای اسماعیلی** - تعهد مطلق است دیگر؛ هم عملی و هم نظری را شامل می‌شود.

**آقای علیزاده** - تعهد عملی را هم شامل می‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ما باید آن جنبه‌هایی که در تصدی این مسئولیت‌ها مؤثر است را شرط قرار دهیم و بقیه‌ی جنبه‌ها را لازم نیست مورد توجه قرار دهیم.

**آقای مؤمن** - این ایراد را ننگرفته‌اید؟

**آقای علیزاده** - بله، به این موضوع، ایراد وارد نفرمودید.

**آقای هاشمی شاهرودی** - حالا ایراد بگیرید.

**آقای مدرسی یزدی** - اگر تعهد را مطلق بگیریم، ایراد ندارد؛

بندهای (۱) و (۳) تغییر کرده است. فقط از جهت شکلی، تغییر کرده است، ضمن اینکه در این مصوبه به جای «تعهد عملی به اسلام»، «تعهد» به صورت مطلق آمده است.

**آقای علیزاده** - بند (۲) ماده (۳۸) این بود: «ایمان و تعهد عملی به اسلام (در تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی تعهد عملی به دین خود)»؛ الآن عین همین عبارت را در این مصوبه آورده‌اند.

**آقای رهپیک** - در این مصوبه، فقط کلمه‌ی «عملی» از عبارت «تعهد عملی به اسلام» حذف شده است؛ «تعهد به اسلام» به صورت کلی آمده است؛ یعنی هم عملی است و هم نظری.

**آقای علیزاده** - بله، عبارت «تعهد به اسلام» را آورده‌اند که هم شامل تعهد عملی است و هم تعهد نظری.

**آقای مدرسی یزدی** - ماده (۳۸) قانون قبلی، در مورد اقلیت‌های دینی چه گفته بود؟

**آقای رهپیک** - همین چیزی بود که الآن در این مصوبه گفته‌اند.

**آقای علیزاده** - در بند (۲) ماده (۳۸) قانون قبلی گفته بود: «(در تعاونی‌های متشکل از اقلیت دینی شناخته‌شده در قانون اساسی، تعهد عملی به دین خود)». یعنی حتی اگر فردی، یهودی، متعصب نبود، اشکال داشت [و حائز شرایط برای تصدی مناصب مذکور در صدر ماده (۳۸) نبود]. بند (۵) قانون قبلی هم این بود که: «عدم عضویت در گروه‌های محارب و عدم ارتکاب جرائم بر ضد امنیت و جعل اسناد» که شورا به حذف همین دو بند (۲) و (۵) ایراد گرفت. حالا مجلس در این ماده (۳۸) اصلاحی، علاوه بر برگرداندن این دو بند، موارد دیگری را هم اضافه کرده است.

**آقای جنتی** - حالا یک سؤالی هست و آن اینکه اگر فردی عضو گروه‌های محارب نباشد ولی به این گروه‌ها گرایش داشته باشد، تکلیف چیست؟ یعنی در این گروه‌ها عضو نیست ولی به این گروه‌های محارب گرایش دارد.

**آقای علیزاده** - شما قبلاً به حذف این دو بند اشکال گرفته بودید و فرموده بودید که این دو بند را بیاورید که مجلس هم همین کار را کرده است.

**آقای رهپیک** - آن دو بند محذوف، برگشته است؛ اما این اشکال، اشکال جدید است.

**آقای علیزاده** - شما فرموده بودید که چرا این دو بند را حذف کردید؛ حالا هم آنها این دو بند را آورده‌اند.

**آقای رهپیک** - اشکالات قبلی شورا رفع شده است. این اشکال،

۱. «... البته لازم به تذکر است همان‌گونه که در بند (۲) ماده (۳۸) قانون فعلی مشاهده می‌شود، در این بند به «ایمان و تعهد عملی به اسلام» تصریح شده است، در حالی که در مصوبه اصلاحی، «ایمان و تعهد به اسلام» ذکر شده است و قید «عملی» حذف گردیده است که این امر نیز به دلیل اینکه اطلاق «ایمان و تعهد به اسلام» اعم از ایمان و تعهد عملی و غیر آن (نظیر ایمان و تعهد زبانی) را در بر می‌گیرد، فاقد ایراد به نظر می‌رسد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۱۰۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶، ص ۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: YON.IR/LSWHZ

منتها «لزوم مالا یلزم»<sup>۱</sup> است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای ابراهیمیان -** گفته‌اند تعهد به اسلام ...

**آقای هاشمی شاهرودی -** [برای تصدیق این مسئولیت‌ها،

شخص] باید ثقة باشد؛ امین باشد. اما کلمه‌ی «تعهد» که عرفاً این معنا را نمی‌رساند.

**آقای یزدی -** در اینجا که گفته‌اند تعهد داشته باشد، معنای متعهد

بودن را مد نظر دارند؛ انسانی که متعهد و متدین است، یعنی

کسی که موثق و امین است؛ یعنی ایمان دارد، یعنی روایت

می‌خواند. این تعهدی که به عنوان شرط اضافه کرده‌اند، همه‌اش

همین است. مقصودشان از اینکه گفته‌اند مؤمن و متعهد باشد،

همین چیزهاست.

**آقای شب‌زنده‌دار -** این یک قید توضیحی است.

**آقای مدرسی یزدی -** حقیقتش این است که در اینجا چون دارد

می‌گوید «ایمان و تعهد به اسلام»، مقصودش از کلمه‌ی «ایمان»،

ایمان به حق است نه هر ایمانی. کلمه‌ی «تعهد» هم که به «ایمان»

عطف شده، مقصودش این است که شخص به جنبه‌ی عملی

اسلام هم ملتزم باشد. معنای این بند این است. منتها در ادامه

می‌گوید که اقلیت‌ها، متعهد به دین خود باشند. این اساساً خلاف

شرع است؛ چون در مورد اقلیت‌ها، تعهد به دین خود، یعنی

شخص زرتشتی، واقعاً زرتشتی باشد و واقعاً نکاح محارم را

جایز بداند؛ یا شخص یهودی واقعاً یهودی باشد؛ [یعنی مقید به

اعمالی باشد که از لحاظ دین اسلام، خلاف شرع است]. خب

چون در این بند، داریم این موضوع را برای اقلیت‌ها شرط

می‌کنیم، این بند خلاف شرع است.

**آقای یزدی -** نه، منظور این مصوبه، اقلیت‌های شناخته‌شده در

قانون اساسی است؛ یعنی مثلاً یهودیان که الآن در قانون اساسی

به رسمیت شناخته شده‌اند و در این مملکت می‌توانند زندگی

کنند. در مورد این اقلیت‌ها، عبارت این ماده که می‌گوید متدین

به دین خود باشد، یعنی اینکه مثلاً متقلب نباشد و ...

**آقای مدرسی یزدی -** این عبارت، معنایش این نیست. مقصود از

آوردن این عبارت در اینجا این بوده است که شخصی باشد که

به قول ایشان [= آیت‌الله هاشمی شاهرودی] ثقة باشد، نه اینکه

به دین خود متعهد باشد.

**آقای ابراهیمیان -** باید این طور می‌آمد که: «ایمان و تعهد به

اسلام جز در مورد اقلیت‌های دینی» تا اقلیت‌ها از این شرط [=

تعهد به دین اسلام] استثنا می‌شدند.

**آقای مدرسی یزدی -** بله، اگر این طور می‌آمد، تمام بود و

والسلام.

**آقای جنتی -** ما این موضوع را در مشابه این مصوبه هم قبول

کرده‌ایم.

**آقای مدرسی یزدی -** خب نباید قبول می‌کردیم. حالا باید

جلوی آن را بگیریم.

**آقای یزدی -** اتفاقاً منظور نمایندگان مجلس هم این است که

فردی باشد که هر چند یهودی هست و ما الآن نمی‌خواهیم

مسلمانش کنیم، اما در یهودیتش، آدم متقلبی نباشد.

**آقای مدرسی یزدی -** خب، ما که نسبت به این معنا، حرفی

نداریم؛ ولی این عبارت «تعهد به دین خود»، یعنی تعهد به

همه‌ی دستورات دینش. در اینجا بله، منظور این بوده است که

باید متقلب نباشد و ثقة باشد.

**آقای ره‌پیک -** این ماده می‌خواهد بگوید که این افراد، واقعاً

جزء آن ادیان شناخته‌شده در قانون اساسی باشند.

**آقای مدرسی یزدی -** می‌دانم این یک عبارت، بیشتر از این

نیست.

**آقای علیزاده -** با اینکه در برخی از این ادیان، ازدواج با محارم

اشکالی ندارد، اما این کار خلاف نظم عمومی ما است.

**آقای مدرسی یزدی -** تعهد به زرتشتی‌گری یعنی همین؛ خب

اگر یک زرتشتی با محارم خود ازدواج کند، چه خلافی مرتکب

شده است؟ این موضوع، واقعاً جزء دینشان است.

**آقای ره‌پیک -** حالا به هر حال این مصوبه به مجلس رفته و

برگشته است؛ اگر می‌خواهید به آن ایرادی بگیرید، باید یک

اشکال جدید بگیرید.

**آقای مدرسی یزدی -** الآن من به این مصوبه، رأی منفی می‌دهم.

حضرت آقای شب‌زنده‌دار هم می‌فرمایند من نسبت به این مسئله

اشکال دارم.

**آقای یزدی -** مجلس می‌تواند به جای عبارت «تعهد به دین

خود» در مورد اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی،

شرط وثاقت را در اینجا بیاورد.

**آقای علیزاده -** اجازه بدهید که یکی یکی رأی بگیریم. آقایانی

که بند (۱) اضافه‌شده به ماده (۳۸) را مغایر با موازین شرعی

می‌دانند، اعلام بفرمایند.

**آقای مدرسی یزدی -** همین که بگویند این افراد ثقة و مورد

۱. به معنی ضروری گرفتن آن چه ضروری نیست.

و ثوق باشند کفایت می‌کند.

**آقای یزدی** - این بند راجع به اقلیت‌های دینی در قانون قبلی نبوده است؟

**آقای ره‌پیک** - چرا؛ در قانون قبلی هم بوده است.

**آقای یزدی** - در قانون قبلی همین متن بوده است؟

**آقای ره‌پیک** - این بند در قانون قبلی بوده است که نمایندگان در مصوبه‌ی قبلی خود [مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۸] آن را حذف کرده بودند [و در این مصوبه‌ی اصلاحی، آن را دوباره برگردانده‌اند].

**آقای علیزاده** - ایراد شورا این بود که حذف بندهای (۲) و (۵) خلاف شرع است و باید آنها را بیاورید. حالا نمایندگان، بند (۲) قانون را در قالب بند (۱) آورده‌اند و بند (۵) را هم به صورت بند (۳) آورده‌اند. ما به مجلس گفتیم که این دو بند را بیاورید تا اشکال ما رفع شود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ما باید در نظرمان بگوییم قید «وثاقت و امانت‌داری» را در بند (۱) در پراپوزیشن بیاورید.

**آقای مدرسی یزدی** - بله، همین، والسلام.

**آقای علیزاده** - جلسه‌ی قبل که ما گفتیم که این قیود را اضافه کنید، آقایان فرمودند نه، [همان بندهای محذوف قانون] را بیاورند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - حالا این قیود را داخل پراپوزیشن که می‌توانیم بیاوریم. وقتی داخل پراپوزیشن بیاوریم، قرینه می‌شود از اینکه مقصود از عبارت بیرون پراپوزیشن هم همین است.

**آقای علیزاده** - ما که نمی‌توانیم چیزی به مصوبه اضافه کنیم؛ ما فقط می‌توانیم ایراد بگیریم.

**آقای مدرسی یزدی** - بله، ایراد می‌گیریم.

**آقای علیزاده** - خب، الآن شما نسبت به بند (۱) که در این مصوبه اضافه شده است، ایراد دارید؟

**آقای یزدی** - بله دیگر.

**آقای مدرسی یزدی** - اصل بند را نه، به ذیل بند ایراد داریم.

**آقای علیزاده** - این‌گونه در نظر شورا بیاوریم که شرط وثاقت را برای همه ذکر کنید.

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه دیگر، در مورد قسمت اول بند، که آن موضوع «تعهد عملی»، موضوع وثاقت را در بر می‌گیرد.

**آقای علیزاده** - اگر این‌طور بفرمایید بعداً مفهوم پیدا می‌کند. شما در بند (۴) که شرط عدم سابقه را دارد ذکر می‌کنید، بفرمایید این شرط کافی نیست و باید شرط «وثاقت» هم وجود داشته باشد.

این شرط را در بند (۴) اضافه کنید. شرط وثاقت هم که اضافه

شود، این چیز خیلی خوبی می‌شود.

**آقای ره‌پیک** - خب، این مشکل را حل نمی‌کند. آقایان فقها می‌فرمایند که عبارت داخل پراپوزیشن باید درست شود.

**آقای مدرسی یزدی** - نه، داخل پراپوزیشن باید اصلاح شود. همین که آقا [=آیت‌الله هاشمی شاهرودی] فرمودند، خوب بود.

**آقای علیزاده** - آن وقت معنایش این می‌شود که یعنی مسلمان وثاقت دارد؟

**آقای مدرسی یزدی** - نه، یعنی در اقلیت‌های دینی، شرط وثاقت، بالخصوص است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - وقتی می‌گوید: «ایمان و تعهد به اسلام»، یعنی در شخصی که مسلمان است وثاقت وجود دارد.

**آقای مدرسی یزدی** - اما ما نمی‌دانیم که یک زرتشتی نسبت به مسلمان و یا حتی نسبت به خودشان، وثاقت دارد یا نه.

**آقای ابراهیمیان** - می‌توانیم یک کار دیگر بکنیم. پیشنهاد داده شود که شرط وثاقت در قالب یک بند جداگانه‌ای اضافه شود.

آن وقت در قالب تذکری، بگوییم که داخل پراپوزیشن به این صورت تغییر بکند؛ بگوییم به جای آن پراپوزیشن بنویسید: «ایمان و تعهد به اسلام به جز در مورد اقلیت‌های دینی شناخته‌شده»؛ آن وقت با این تذکر، دیگر شرط ایمان و تعهد در مورد اقلیت‌ها برداشته می‌شود. شرط وثاقت هم که در قالب یک بند جداگانه برای همه اضافه شده است.

**آقای اسماعیلی** - این موضوع را در قالب یک تذکر به مجلس بدهیم.

**آقای ابراهیمیان** - تذکر در مورد تغییر عبارتی در بند (۱).

**آقای جنتی** - حالا بالاخره این بند را رأی بگیرید و بحثش را تمام کنید.

**آقای علیزاده** - راجع به این بند چه می‌فرمایید؟

**آقای یزدی** - پیشنهاد همین بود که شرط وثاقت آورده شود و یک تذکر هم بدهید که عبارت داخل پراپوزیشن را هم حذف کنند.

**آقای مؤمن** - ایراد سابق شورا رفع شده یا نشده است؟

**آقای علیزاده** - ایراد سابق رفع شده است. اگر اشکال جدید دارید، بفرمایید.

**آقای یزدی** - بله، درست است؛ ایراد سابق رفع شده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، حرف آقایان این است که حالا یک تذکر راجع به ایراد سابق بدهید و یک بند هم جداگانه اضافه شود.

**آقای مدرسی یزدی** - البته ما در نظر قبلی مان نگفتیم که بندهای

مغایر با اسلام هم باشد]، ولی قصد مجلس از این عبارت، این معنا نبوده است.

**آقای علیزاده** - بله، قصد قانون‌گذار اصلاً این معنا نیست. هیچ قانون‌گذاری این معنا را اراده نکرده است.

**آقای ره‌پیک** - در مقام اجرا هم این معنا مد نظر نیست؛ مثلاً اینکه در میان اقلیت‌ها جست‌وجو کنند و فردی را که به فلان آموزه‌ی دین خود تعصب دارد [و آن آموزه، مغایر با دین اسلام است] پیدا کنند و او را عضو هیئت مدیره و یا بازرس قرار دهند.

**آقای شب‌زنده‌دار** - اگر پیشنهاد بشود که اسلام در غیر اقلیت‌های دینی شرط شود و بعد شرط وثاقت و امانت هم در قالب بند جداگانه‌ای به عنوان شرط بعدی قرار بگیرد، [مشکل حل می‌شود]. در این صورت، اصلاً لازم نیست که عبارت «تعهد به دین» و... را بیاورند. اسلام و مسلمانی در غیر اقلیت‌ها شرط باشد و بعد از اسلام هم وثاقت و امانت که در تصدی این مسئولیت‌ها دخیل است، ذکر بشود.

**آقای علیزاده** - یعنی شرط وثاقت و امانت را برای همه [اعم از مسلمان و اقلیت‌های دینی] بیاورند.

**آقای شب‌زنده‌دار** - الآن با این قید «تعهد عملی به اسلام» مثلاً کسی که ریش نمی‌گذارد، نمی‌تواند [عضو هیئت مدیره، مدیرعامل و یا بازرس بشود]. حال آنکه آیا واقعاً اگر فردی ریشش را بتراشد و استخدام بشود، خلاف شرع است و حقوقش هم درست نیست؟!

**آقای علیزاده** - به نظر من همین مطلب را بگویید که شرط وثاقت به بند (۴) ماده (۳۸) اضافه شود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، این شرط را اضافه کنید.

**آقای علیزاده** - بفرمایید مواردی که در بند (۴) آمده است، برای تصدی این مسئولیت‌ها کافی نیست و علاوه بر این موارد، نیاز به وثاقت هم برای همه [اعم از مسلمانان و اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته‌شده] هست. حضرات آقایانی که با اضافه شدن این شرط به بند (۴) موافقت، بفرمایند.

**آقای جنتی** - نه.

**آقای ره‌پیک** - نه، آقایان فقها می‌گویند که پرائنز در بند (۱) باید حذف شود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - آن را تذکر می‌دهند.

**آقای جنتی** - ایشان [= آیت‌الله مدرسی] می‌گویند که عبارت «تعهد به دین خود» باید حذف شود.

(۲) و (۵) را بیاورند. ما فقط گفتیم که حذف آن بندها، خلاف شرع است.

**آقای ره‌پیک** - خب، حالا بندهای (۲) و (۵) را آورده‌اند دیگر. **آقای علیزاده** - در مرحله‌ی قبل، حضرت آیت‌الله شاهرودی فرمودند که شرط وثاقت را هم تذکر بدهیم تا اضافه کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - خب حالا اضافه کنند. پیشنهاد خوبی است.

**آقای یزدی** - این بحث را تمام کنید دیگر؛ بگویید شرط وثاقت را اضافه کنند.

**آقای علیزاده** - آقایان فقها می‌گویند که شرط وثاقت اضافه شود؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - یک شرط اضافه شود.

**آقای مؤمن** - چرا در دفعه‌ی قبلی این موضوع را نگفتید؟

**آقای علیزاده** - آقای مؤمن می‌فرمایند که چرا زودتر این موضوع را نگفته بودید؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - اشکال شرعی را می‌شود دیرتر هم گفت.

**آقای یزدی** - شما این اشکال شرعی را قبول دارید که معنای عبارت «تعهد به دین خودشان» برای اقلیت‌ها به معنای مخالفت با اسلام است؟ خب، این اشکال درستی نیست.

**آقای علیزاده** - بله، معنای این عبارت، این نیست.

**آقای یزدی** - «تعهد به دین خود»، یعنی حتماً با اسلام مخالف باشد؟! معنایش این است؟!

**آقای علیزاده** - نه، معنایش این نیست. ما از جهت حقوقی می‌گوییم که اساساً مخالفت با اسلام، جزء موارد خلاف نظم عمومی است.

**آقای ره‌پیک** - منظور این عبارت، این است که محرز بشود آن شخص جزء اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی است. این عبارت، این موضوع را می‌خواهد بگوید.

**آقای علیزاده** - بله، یعنی می‌خواهد بگوید آن شخص، جزء آن اقلیت‌ها باشد، نه اینکه معنایش این باشد که آن شخص، با اسلام در جنگ باشد. این که معلوم است. معنای این عبارت این نیست که با خواهرش ازدواج بکند و با اسلام در جنگ باشد، بلکه به این معنا است که آن چیزهای خوبی که در دینشان آمده است را به خوبی عمل کنند.

**آقای ره‌پیک** - البته حالا آن‌طور هم ممکن است برداشت شود [که عبارت «تعهد به دین خود»، به معنای تعهد به برخی امور

خودشان مباح و حلال است و اسلام هم از آنها حمایت می‌کند؛ به این معنا که اسلام مراقبت می‌کند که به حقوق، اموال، ناموس و دینشان تجاوز نشود.

**آقای مدرسی یزدی** - ولی یک سری شروط دیگری هم پیامبر (ص) و بقیه برای اقلیت‌ها می‌گذاشتند، مثل اینکه علناً شراب نخورند و یا علناً قمار نکنند. این به معنای تحدید اقلیت‌ها به این شروط است.

**آقای یزدی** - به این موارد در محاکم قضایی جمهوری اسلامی رسیدگی می‌شود.

**آقای مدرسی یزدی** - خوب، حالا که شما این را می‌گویید، یعنی آنها نباشد دیگر.

**آقای یزدی** - نه.

**آقای مدرسی یزدی** - این حرف شما معنایش این است.

**آقای علیزاده** - هیچ کسی این را نمی‌گوید. در قانون مجازات اسلامی ما آمده است که اگر غیر مسلمان‌ها هم در ملاً عام شراب بخورند، شلاقشان می‌زنیم.<sup>۱</sup>

**آقای یزدی** - حکومت جمهوری اسلامی ایران پذیرفته است که اقلیت‌ها به مذهب خودشان پایبند باشند.

**آقای علیزاده** - اگر اقلیت‌ها تجاوز کردند، شلاقشان می‌زنیم. الان اگر اقلیت‌ها بخواهند با دختر خودشان ازدواج کنند، در محاکم و مراجع رسمی ما آن را نمی‌پذیرند. کجا چنین چیزی نوشته شده است که این افراد اجازه‌ی چنین عملی را دارند؟!

**آقای رهپیک** - به دعاوی ناشی از این ازدواج هم رسیدگی نمی‌کنند.

**آقای جنتی** - آقای علیزاده، این پیشنهاد بنده شاید یک راه حل میانه باشد. ما به صورت ابهام بگوییم آیا این «تعهد به دین خود» که در بند (۱) آمده است، به معنای صداقت، امانت و وثاقت است یا نه؟

**آقای مدرسی یزدی** - این پیشنهاد خوبی است.

**آقای علیزاده** - عبارت را بفرمایید تا یادداشت کنیم.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ابهام بگیرد.

**آقای مدرسی یزدی** - بله، «تعهد به دین خود» برای اقلیت‌ها نباید باشد؛ چون این خودش، خلاف شرع است.

**آقای مؤمن** - بگویید اشکال دارد؛ عیبی ندارد.

**آقای مدرسی یزدی** - من عرض می‌کنم دیگر. البته بنده از ده سال پیش این موضوع را می‌گفتم.

**آقای علیزاده** - این موضوع، در تمام قوانین بعد از انقلاب در مورد اقلیت‌ها آمده است.

**آقای ابراهیمیان** - ما باید این مطلب را به مجلس بگوییم که ما چنین سخت‌گیری را نسبت به اقلیت‌های دینی لازم نمی‌دانیم که شما بگویید آنها حتماً باید به دین خود متعهد و ملتزم باشند. اقلیت‌های دینی می‌توانند به ملتشان تعلق داشته باشند که این اعم از این است که التزام عملی به دینشان داشته باشند یا نداشته باشند. بنابراین، ما طبق فرموده‌ی حاج آقا [= آیت‌الله شب‌زنده‌دار] در قالب تذکر به مجلس بگوییم که در بند (۱)، به جای عبارت داخل پرانتز، عبارت «غیر از اقلیت‌های دینی» یا «جز در مورد اقلیت‌های دینی» اضافه شود.

**آقای علیزاده** - آنها می‌گویند که یعنی شما می‌خواهید بگویید که اگر اشخاص لایبالی از اقلیت‌های دینی هم باشند، برای تصدی این مسئولیت‌ها اشکالی ندارد!

**آقای ابراهیمیان** - نه، منظور این است که از نظر شرعی برای اینکه یک نفر از اقلیت‌های دینی بخواهد فعالیت اقتصادی کند، ما الزام به سخت‌گیری در مورد تعهد به دینشان نداریم. این موضوع، اتفاقاً از موضع آزادی و حقوق بشر و مباحثی از این قبیل است. یعنی به اقلیت‌ها می‌گوییم شما می‌توانید ملتزم به دین خودتان نباشید، ولی فعالیت اقتصادی کنید و عضو اتاق تعاون خودتان باشید و این از نظر شرعی اشکالی ندارد.

**آقای مدرسی یزدی** - ما اشکال شرعی گرفتیم. ما برای مسلمانان سخت‌گیری می‌کنیم؛ [اما برای اقلیت‌های دینی، لزومی به سخت‌گیری نیست]. اگر آنها در خانه‌ی خودشان شراب هم بخورند، ما کاری به آنها نداریم.

**آقای رهپیک** - حالا در هر حال این ایراد، ایراد جدید است. باید بگویید ایراد جدید چیست تا آن را به مجلس بگویند. چون ما که نمی‌توانیم پیشنهاد بدهیم.

**آقای یزدی** - بالاخره حکومت جمهوری اسلامی ایران پذیرفته است که اقلیت‌ها به دین خودشان متدین باشند و تحت حاکمیت اسلام در ایران زندگی کنند. متدین به دین خودشان باشند، یعنی آنچه که در دین خودشان مباح و حلال است، برای

۱. مواد (۲۶۵) و (۲۶۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۶۵- حد مصرف مسکر، هشتاد ضربه شلاق است. ماده ۲۶۶- غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می‌شود.

تبصره- اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد لکن مرتکب در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می‌گردد.»

**آقای جنتی -** نه، بنویسیم که آیا این عبارت، به معنای «وثاقت و امانت» است یا نه؟ بعد در کمیسیون، عبارتش را اصلاح می‌کنند.<sup>۱</sup>

**آقای شب‌زنده‌دار -** یک ایراد دیگر هم در این اصلاحیه‌ی ماده (۳۸) مجلس بود و آن مربوط به بند (۳) این ماده است که به عدم عضویت در گروه‌های محارب اشاره دارد. شاید ظاهر اولی این عبارت همین باشد که اعضای هیئت مدیره، هیئت رئیسه، مدیرعامل و بازرسان تعاونی‌ها، بالفعل نباید در گروه‌های محارب عضویت داشته باشند، اما اگر قبلاً سابقه‌ی عضویت در این گروه‌ها را داشته باشند، شامل نمی‌شود.

**آقای علیزاده -** همان عبارت، شامل این موضوع هم می‌شود.

**آقای ره‌پیک -** بله، در این موارد، برای افراد سوء سابقه محسوب می‌شود و لذا این عبارت، شامل این موارد هم می‌شود. **آقای شب‌زنده‌دار -** در این عبارت، بحثی از «سوء پیشینه» نشده است؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** عبارت «عدم عضویت» مطلق است دیگر؛ مثل عدم ارتکاب جرایم.

**آقای شب‌زنده‌دار -** پس اشکالی ندارد.

**منشی جلسه -** ایراد دوم شورا [در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۳۲۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۴] به این مصوبه، مربوط به ماده (۷۵) الحاقی<sup>۲</sup>

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۳ مورخ ۹۳/۱/۲۷ شورای نگهبان: «در بند یک ماده (۳۸) اصلاحی موضوع ماده (۵) مصوبه، در خصوص عبارت «تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی، تعهد به دین خود» از این حیث که مشخص نیست آیا به معنای داشتن وثاقت و امانت است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

۲. مجلس شورای اسلامی در ماده (۱۵) طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲/۱۱/۸ خود، مقرر کرده بود که شش ماده به عنوان مواد (۷۱) الی (۷۶) به قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، افزوده شود که از جمله‌ی آنها ماده (۷۵) بود که به شرح فوق مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت. متن ماده (۷۵) بدین شرح بود: «ماده ۷۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است زمینه دسترسی به ابزارهای جدید تأمین مالی و خرید و فروش سهام تعاونی‌های قابل عرضه به عموم مردم را در بازار سرمایه فراهم نماید و شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی مکلف است ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، آیین‌نامه چگونگی واگذاری بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی به تعاونی‌ها را به خصوص از طریق روش‌های اجاره به شرط تملیک یا واگذاری مدیریت از طرق اجاره، پیمانکاری و پیمان مدیریت فراهم نماید و گزارش عملکرد خویش را به صورت شش‌ماهه به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات، اقتصادی، اجتماعی و سایر کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.»

**آقای مؤمن -** یعنی به همان عبارت داخل پراکنش ابهام بگیرید.

**آقای علیزاده -** آیا مقصود از عبارت داخل پراکنش، داشتن وثاقت و امانت است یا نه؟ آیا آن عبارت، شامل اینها می‌شود یا نه؟

**آقای مدرسی یزدی -** حتی در مورد اسلام هم می‌شود همین کار را کرد. آقای شب‌زنده‌دار هم نکته‌ای می‌فرماید. ایشان می‌فرمایند وقتی که در کمیسیون، این بند را اصلاح می‌فرمایید، بگویید که شرط اسلام برای مسلمان‌ها و وثاقت در مورد غیرمسلمان‌ها و اقلیت‌های دینی، شرط کافی است. والسلام. خیلی خوب می‌شود.

**آقای علیزاده -** شرط وثاقت و امانت.

**آقای شب‌زنده‌دار -** چون اگر عبارت «تعهد به اسلام» را برای مسلمانان بگذارید، اگر یک مسلمانی غیبت کرد یا یک دروغی گفت، استخدامش اشکال پیدا می‌کند و حقوقی که می‌گیرد هم حرام می‌شود؛ چون قانون به او چنین اجازه‌ای نداده است.

**آقای علیزاده -** بله.

**آقای ره‌پیک -** حالا آنها تعاونی خصوصی هستند [و دولتی نیستند].

**آقای جنتی -** این بحث را تمام کنید و رأی بگیرید.

**آقای علیزاده -** آقایان این ابهام را قبول دارند؟

**آقای مدرسی یزدی -** بله.

**آقای ره‌پیک -** خیلی خوب، رد شویم.

**آقای علیزاده -** عبارت را به چه صورت نوشتید؟

**منشی جلسه -** در خصوص عبارت «در تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی، تعهد به دین خود»، آیا مقصود داشتن وثاقت و امانت است یا نه؟

**آقای جنتی -** نه، آیا آن عبارت به معنای داشتن وثاقت و امانت است یا خیر؟

**آقای علیزاده -** آیا آن عبارت، شامل وثاقت و امانت هم می‌شود یا نه؟ مشخص نیست که آیا این عبارت به معنای داشتن صداقت و امانت است یا خیر؟

**آقای اسماعیلی -** واژه‌ی «صداقت» لازم نیست؛ همان امانت و وثاقت کافی است.

**آقای مدرسی یزدی -** «وثاقت و امانت».

**آقای علیزاده -** بله؟

**آقای ره‌پیک -** وثاقت و امانت.

**آقای علیزاده -** پس این‌طور می‌نویسیم که بند (۱) از این حیث که آیا شامل «وثاقت و امانت» هم می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر می‌شود.



بود: «۲- از آنجا که ترکیب شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، وظایف و اختیارات آن موضوع مواد (۴۱) و (۴۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی<sup>۱</sup> مصوب مجمع محترم تشخیص

۱. مواد (۴۱) و (۴۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام (با اصلاحات و الحاقات بعدی): «ماده ۴۱- شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی برای ایفای وظایف محوله در این قانون، مرکب از اعضای زیر تشکیل می‌شود:

۱- رئیس جمهور یا معاون اول وی به عنوان رئیس شورا

۲- وزیر امور اقتصادی و دارایی (دبیر شورا)

۳- وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۴- وزیر یا وزرای وزارتخانه‌های ذی‌ربط

۵- وزیر دادگستری

۶- وزیر اطلاعات

۷- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۸- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۹- دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام

۱۰- دادستان کل کشور

۱۱- رئیس سازمان بازرسی کل کشور

۱۲- رئیس دیوان محاسبات کشور

۱۳- سه نفر از نمایندگان مجلس به انتخاب مجلس شورای اسلامی

۱۴- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

۱۵- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

۱۶- رئیس اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۱۷- سه نفر خبره و صاحب‌نظر اقتصادی از بخش‌های خصوصی و تعاونی به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی با حکم رئیس جمهور

۱۸- رئیس سازمان خصوصی‌سازی

۱۹- رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار

تبصره ۱- این شورا طبق آیین‌نامه‌ای اداره خواهد شد که توسط اعضای مذکور در بندهای (۱) تا (۶) به تصویب می‌رسد و این آیین‌نامه مشمول تبصره ماده (۴۲) خواهد بود.

تبصره ۲- دبیرخانه شورا زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل می‌شود.

ماده ۴۲ - وظایف و اختیارات شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به شرح زیر است:

۱- تبیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی سالانه

۲- نظارت بر فرآیند اجرای قوانین و مقررات مرتبط با سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی

۳- سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغاتی برای اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی

۴- تصویب آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، نظام‌نامه‌ها و ضوابطی که در این قانون مرجع تصویب آن این شورا است

۵- تصویب شاخص‌های اجرایی برای تحقق اهداف سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به منظور اعمال نظارت دقیق بر اجرای آنها

مصلحت نظام می‌باشد، لذا ماده (۷۵) با توجه به نظر تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ این شورا،<sup>۲</sup> مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شد.»

**آقای علیزاده** - الان برای رفع این اشکال ما، چه کار کرده‌اند؟

**آقای رهپیک** - اشکال شورا این بود که ترکیب شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، چون مصوب مجمع تشخیص مصلحت است، مجلس حق تغییر و یا اصلاح آن را ندارد؛ لذا الان در این مصوبه‌ی اصلاحی، کلاً موضوعات مربوط به شورای عالی سیاست‌ها را از ماده (۷۵) حذف کرده‌اند. ظاهراً ایراد شورا رفع شده است.<sup>۳</sup>

**آقای علیزاده** - بله. آقایان اعضا اگر با این اصلاح به عمل آمده ایراد را باقی می‌دانند و یا ایراد جدید دارند، بفرمایند. پس ایرادی نیست و حل شد.

**آقای رهپیک** - [در نظر شماره ۵۳۲۳۱/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۴



۶- تدوین سازوکارهای جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی

۷- تبیین نقش سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت دولت

۸- ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی

۹ - تمهیدات لازم برای تشویق عموم به سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و بهبود فضای کسب و کار

تبصره- مصوبات این شورا را وزیر امور اقتصادی و دارایی ابلاغ می‌نماید.»

۲. نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع تشخیص مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدب که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

۳. ماده (۷۵) اصلاحی طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده (۷۵) موضوع ماده (۱۵) مصوبه به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۷۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است زمینه دسترسی به ابزارهای جدید تأمین مالی و خرید و فروش سهام تعاونی‌های قابل عرضه به عموم مردم را در بازار سرمایه فراهم کرده و در راستای اجرای ماده (۱۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی در خصوص نحوه واگذاری شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی، واگذاری به تعاونی‌ها را تسهیل نماید. وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اتاق تعاون مرکزی، آیین‌نامه اجرایی این ماده را تهیه و برای تصویب هیئت وزیران ارائه کند.»



**آقای عزیزاده -** کسانی که این موافقتنامه را مطالعه فرموده‌اند، بگویند کدام قسمت‌های آن ایراد دارد.

**آقای اسماعیلی -** به نظر من ایرادی نرسید.

**آقای ره‌پیک -** نسبت به این مصوبه یک سری اشکالاتی قابل طرح است که آنها را می‌گویم تا اگر آقایان [اعضای شورای نگهبان] نسبت به آنها نظری داشتند، مطرح شود. در این موافقتنامه [از جهت قضایی بودن محتوای لایحه] شبهه‌ای وجود دارد؛ چون جنبه‌های قضایی این موافقتنامه خیلی زیاد است. این موافقتنامه در مورد متهمان، نحوه‌ی جلوگیری از جرم و امثال اینها است. سؤال این است که آیا این موافقتنامه قابل قیاس با لوایح قضایی است یا نه؟ آیا این موافقتنامه، مثل لوایح مربوط به استرداد مجرمین است که در آن موارد قوه‌ی قضائیه [فقط در اجرا] دخالت می‌کند؟ در این موافقتنامه، در مواد متعدد و در بندهای مختلف، مسائلی هست که مربوط به امور قضایی است؛ یعنی مواد این موافقتنامه، فقط جنبه‌ی اجرایی ندارد، بلکه جنبه‌های قضایی دارد؛ مثل پیشگیری از جرم، بحث پیگیری متهمان، جلوگیری از جرم و موضوعات این‌طوری. این یک شبهه‌ای بود که [در مجمع مشورتی حقوقی] نسبت به اصل موافقتنامه مطرح شد.<sup>۴</sup> حالا آقایان اگر در این خصوص نظری دارند بفرمایند.

**آقای عزیزاده -** بالاخره این موافقتنامه، یک توافق دوجانبه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان است.

۴. «از آنجایی که زمینه‌های همکاری این موافقتنامه، شامل مواردی از جمله پیشگیری و مقابله یا مبارزه با برخی از جرائم سازمان‌یافته و تروریستی و به طور کلی «جلوگیری و شناسایی متهمان» بیان شده است، و عطف نظر به اینکه این موارد از جمله مصادیق بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی می‌باشند که کشف جرم و تعقیب مجرمین و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را در صلاحیت قوه قضائیه قرار داده است، لذا زمینه‌های همکاری مقرر در این موافقتنامه غالباً در زمره صلاحیت‌های قوه قضائیه بوده و با توجه به نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان، امکان تهیه لوایح قضایی از طرف هیئت دولت در این موارد وجود ندارد. در صورتی که منظور قانون‌گذار در صدر این موافقتنامه از واژه «متهمان» همان «مظنونان» باشد و مجلس اقدام به اصلاح این واژه کند، تعیین شناسایی مظنونان برای دولت از آنجایی که از طُرُق اطلاعاتی و امنیتی ممکن و مقدور است، مغایرتی با صلاحیت‌های قوه قضائیه نمی‌یابد. از جمله مواردی که مشمول موضوع این ایراد می‌باشند و به عبارتی ماهیت قضایی دارند، می‌توان به مواد (۱)، بندهای (۱)، (۲)، (۳)، (۷)، (۸) و (۱۰) ماده (۲) و همچنین ماده (۳) استناد کرد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۱۰۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶، صص ۱۰-۱۱، قابل مشاهده در نشانی زیر: [yon.ir/RkhD5](http://yon.ir/RkhD5)

[شورا] یک تذکر هم [در خصوص تاریخ تصویب قانون تجارت] داده بودیم که آن را هم اصلاح کرده‌اند.<sup>۱</sup>

## لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان

**منشی جلسه -** «لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان<sup>۲</sup> ماده واحده- موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود. تبصره- در اجرای ماده (۹) این موافقتنامه<sup>۳</sup> رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی الزامی است.»

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۱/۳۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۳۲۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۴، طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران که با اصلاحاتی در جلسه مورخ بیست و ششم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- در بند یک ماده (۳۸) اصلاحی موضوع ماده (۵) مصوبه، در خصوص عبارت «تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی، تعهد به دین خود» از این حیث که مشخص نیست آیا به معنای داشتن وثاقت و امانت است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۲. لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۱ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه شماره ۳۱۷/۱۱۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۹ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ به مجلس اعلام کرد.

۳. ماده (۹) لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹- حل و فصل اختلاف و اصلاح موافقتنامه طرف‌های متعاقد هرگونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با مذاکره و یا از طریق مجاری دیپلماتیک و یا کارگروه مشترک موضوع ماده (۷) این موافقتنامه حل و فصل خواهند نمود. طرف‌های متعاقد می‌توانند مفاد این موافقتنامه را با توافق متقابل و رعایت تشریفات قانونی خود اصلاح نمایند و اصلاحات مزبور با رعایت ماده (۱۱) لازم‌الاجراء خواهد شد.»

همیشه وزیر دادگستری امضا کرده است.<sup>۱</sup> در هیچ یک از این موافقتنامه‌ها رئیس قوه قضائیه آنها را امضا نکرده است. بنابراین اصل این موافقتنامه‌ها [باید توسط دولت به امضا برسد و به مجلس تقدیم شود]. ببینید؛ اگر موافقتنامه‌ها این طور [=] تقنین به معنای اخص] بودند، اصول مربوط به تقنین یعنی اصل (۷۱) قانون اساسی به بعد، شامل موافقتنامه‌ها می‌شد، اما اصل (۷۷) قانون اساسی می‌گوید: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد»؛ یعنی این قبیل موارد، تقنین به معنای اخص نیست. قانون اساسی [این موارد را تقنین به معنای اخص] ندانسته است؛ این موافقتنامه‌ها، مثل بودجه است، مثل استخدام کارشناس خارجی است، مثل فروش آثار ملی است، مثل برقراری حکومت نظامی است، مثل هرگونه تغییر در مرزها است، مثل دادن وام به خارجی‌ها یا گرفتن وام از خارجی‌ها است، مثل همه‌ی چیزهایی است که جداگانه در اصل‌های متعدد قانون اساسی آمده است [و تأیید انجام آنها را به تصویب مجلس موکول کرده است]. اینها یک چیزهایی است که قانون‌گذار در عمل [باید این موارد را تصویب کند]؛ اینها تقنین به معنای اخص نیست.

**آقای جنتی -** خب بالاخره منظورتان چیست؟

**آقای علیزاده -** منظور من این است که این قبیل موافقتنامه‌ها نیازی ندارد به اینکه بگویند قوه قضائیه باید در این زمینه لایحه بدهد. این ایراد، وارد نیست.

**آقای یزدی -** ایراد آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی] این نیست. ایراد آقایان این است که این تعبیری که در این موافقتنامه ذکر شده است، مثل کلمه‌ی «مهمان»، معمولاً مربوط به دستگاه قضایی است.

**آقای علیزاده -** خب من هم همین را گفتم دیگر.

**آقای یزدی -** عبارت صریح مجمع همین است؛ این مجمع

**آقای ابراهیمیان -** به هر حال موافقتنامه همکاری‌های حقوقی و قضایی می‌تواند ناظر به صلاحیت‌های قوه قضائیه باشد، ولی با توجه به اینکه بحث مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات بین‌المللی لزوماً توسط قوه مجریه و دولت انجام می‌شود، چاره‌ای نیست جز اینکه این قبیل موافقتنامه‌ها در چارچوب همین لوایح مطرح شوند.

**آقای علیزاده -** یعنی می‌فرمایید این موافقتنامه از جهت قضایی بودن آن ایراد دارد؟

**آقای ابراهیمیان -** بله، می‌فرمایند شبهه‌ای که مطرح شده است، این مسئله است. عرضم این است که به هر حال چاره‌ای نیست جز اینکه در همین موافقتنامه‌ها در چارچوب همین لوایح توسط دولت به مجلس بیایند و موضوع را مطرح کنند. به نظر من راه دیگری وجود ندارد.

**آقای علیزاده -** یعنی می‌خواهید بفرمایید لایحه‌ی قضایی است؟  
**آقای ابراهیمیان -** نه، می‌فرمایند این شبهه مطرح شده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** شبهه در این موضوع است؟

**آقای ره‌پیک -** بله دیگر، یعنی قوه قضائیه هم باید این موافقتنامه را ببیند [و نسبت به مفاد آن نظر بدهد].

**آقای علیزاده -** اصلاً به طور کلی موافقتنامه‌ها، «قانون» به معنای اخص تلقی نمی‌شوند. موافقتنامه یک قراردادی است بین یک دولت با دولت دیگر. اگر موافقتنامه‌ها این طور [=] قانون به معنای اخص] بودند، این کار تقنین بود و دیگر با ذکر امور مربوط به تقنین، نیازی به این اصل [(۷۷) قانون اساسی] نبود که بگوید موافقتنامه‌ها باید به تصویب مجلس برسد. حرف این است که این موافقتنامه‌ها، مثل مسائلی مانند استخدام کارشناس خارجی، فروش آثار ملی، دادن وام به کشور خارجی و چیزهای دیگر است که «قانون» به طور اخص به آنها اطلاق نمی‌شود. این موارد طبق قانون اساسی اصلاً تقنین نیست که عنوان لوایح قضایی یا لوایح دیگر شامل حال آنها بشود. موافقتنامه‌ها همیشه همین طور مطرح می‌شده‌اند و به تصویب مجلس می‌رسیده‌اند.

**آقای جنتی -** بالاخره موافقتنامه باید موافق قانون اساسی و شرع باشد یا نه؟

**آقای علیزاده -** بله، این موافقتنامه‌ها مطابق قانون اساسی است، چرا؟ چون ما همیشه در طول تاریخ این قبیل موافقتنامه‌ها را در شورای نگهبان قبول کردیم. حالا این موافقتنامه که یک موافقتنامه‌ی امنیتی است ولی حتی موافقتنامه‌های قضایی را هم

۱. به عنوان نمونه، می‌توان به لایحه موافقتنامه همکاری حقوقی و قضایی در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق مصوب ۱۳۹۰/۲/۱۱ هیئت وزیران اشاره کرد. این موافقتنامه که طی نامه‌ی شماره ۴۶۶۱۶/۷۲۰۸۵ مورخ ۱۳۹۰/۴/۶ از سوی هیئت وزیران برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد، در هنگام انعقاد موافقتنامه به امضای وزیر دادگستری جمهوری اسلامی ایران و وزیر دادگستری دولت جمهوری عراق رسیده است. برای ملاحظه این موافقتنامه و آگاهی کامل از محتوا و سیر مراحل لایحه‌ی مربوط به این موافقتنامه، بنگرید به پرونده‌ی این موافقتنامه در سامانه‌ی جامع نظرات شورای نگهبان، قابل دسترسی در نشانی زیر: [yon.ir/bNhfZ](http://yon.ir/bNhfZ)

ملاحظه بفرمایید. در این مقدمه به یک سری معاهدات، عهدنامه‌ها و پروتکل‌ها اشاره شده است؛ گفته است این موافقتنامه بر مبنای احترام متقابل به حق حاکمیت، از جمله عهدنامه‌ی فلان توافق می‌شود.<sup>۲</sup> وضعیت این عهدنامه‌ها و

→

معاهده واحد مواد مخدر سال ۱۹۶۱ میلادی برابر با ۱۳۴۰ هجری شمسی را به تصویب رساند که در برگیرنده اصلاحاتی بر معاهده مذکور می‌باشد. بنابراین با توجه به تصویب پروتکل اصلاحی توسط مجلس و تأیید شورای نگهبان، اصل این معاهده پیش‌تر به رسمیت شناخته شده است.

۲- با توجه به اینکه «کنوانسیون مواد روان‌گردان مورخ ۱۳۴۹ هجری شمسی» در تاریخ ۱۳۷۷/۳/۲۶ و «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان» در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، و در هر دو مورد به موجب نظر شورای نگهبان مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشدند، تأکید بر توسعه همکاری‌ها بر طبق مفاد این کنوانسیون‌ها نیازمند نظارت مجدد شورای نگهبان نمی‌باشد.

۳- به موجب ذیل مقدمه این موافقتنامه اسناد حقوقی که در زمینه همکاری‌های امنیتی بین طرف‌های متعاقد منعقد گردیده، مورد احترام و رسمیت قرار گرفته است و به عنوان نمونه به برخی از این اسناد اشاره نموده است. در این میان «عهدنامه استرداد مجرمین مورخ ۱۳۳۸/۱/۳۰» و نیز «قرارداد انتظامات مرزی مورخ ۱۳۳۹/۵/۳۰»، قبل از انقلاب اسلامی به تصویب مجلس شورا رسیده‌اند و ممکن است حاوی مفادی مغایر با موازین شرع و قانون اساسی باشند. لذا با توجه به اینکه بر اساس موافقتنامه حاضر این موارد نیز به رسمیت شناخته می‌شود لازم است که این معاهدات نیز جهت اعلام نظر شورای نگهبان به این نهاد ارسال شوند.

تذکر: با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، عناوینی تحت عنوان «پروتکل در خصوص کمیسیون مشترک مرزی مورخ ۱۳۶۶/۹/۳۱» و «یادداشت تفاهم مورخ ۱۳۶۸/۸/۳۰» یافت نگردید. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۱۰۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶، صص ۱۱-۱۲، قابل مشاهده در نشانی زیر: [yon.ir/RkhD5](http://yon.ir/RkhD5)

۲. مقدمه لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «... با اذعان بر لزوم توسعه همکاری‌ها در جهت مبارزه با جرائم تروریستی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مواد روان‌گردان و قاچاق انسان، به‌ویژه با توجه به مفاد «معاهده واحد مربوط به مواد مخدر مورخ ۱۳۴۰ هجری شمسی برابر با ۱۹۶۱ میلادی، کنوانسیون مواد روان‌گردان مورخ ۱۳۴۹ هجری شمسی برابر با ۱۹۷۱ میلادی و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مورخ ۱۳۶۷ هجری شمسی برابر با ۱۹۸۸ میلادی»، و بر مبنای احترام متقابل به حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، قوانین و مقررات ملی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و نیز حمایت از حقوق اتباع دو کشور و همچنین اسناد حقوقی که در زمینه همکاری‌های امنیتی بین «طرف‌های متعاقد» منعقد گردیده است از جمله «عهدنامه استرداد مجرمین مورخ ۱۳۳۸/۱/۳۰ هجری شمسی برابر با ۱۹۵۹/۴/۲۰ میلادی و نیز قرارداد

←

گفته است که اگر منظور از کلمه‌ی «متهمان» در این مصوبه، مظنونان باشد، [از این جهت ایرادی وارد نیست]. خب اگر منظور، همین معنا است که قطعاً باید این کلمه را اصلاح کنند.

**آقای علیزاده -** نه، منظور این نیست.

**آقای رهپیک -** به هر حال، شکل این موافقتنامه هم به صورت «لایحه» است. ممکن است که این موافقتنامه احیاناً برای قوه‌ی قضائیه تکالیفی ایجاد کند. بالاخره قوه‌ی قضائیه یک وظایفی در این رابطه دارد؛ یعنی پیگیری کار متهمان با وزارت کشور نیست. [طبق بندهای (۵) و (۶) اصل (۱۵۶)] پیگیری کار متهمان یا پیگیری از جرم جزء وظایف قوه‌ی قضائیه است.

**آقای علیزاده -** این موافقتنامه، یک قرارداد بین‌المللی است. این موافقتنامه، مصداق لایحه‌ی قضایی که در اصل (۱۵۸) قانون اساسی آمده است، نیست. ما این مطلب را می‌خواهیم بگوییم.

**آقای جنتی -** حالا مواد این موافقتنامه را به ترتیب بخوانید. متن این موافقتنامه را بخوانید.

**آقای علیزاده -** آقایانی که می‌فرمایند این موافقتنامه، لایحه‌ی قضایی است و باید از طریق رئیس قوه‌ی قضائیه و قوه‌ی قضائیه تهیه می‌شده و به مجلس تقدیم می‌شده است و از این جهت نسبت به این موافقتنامه، ایراد دارند بفرمایند.

**آقای جنتی -** نه، ایراد که این نیست.

**آقای یزدی -** نه، ایراد، این نیست. این موافقتنامه که لایحه‌ی قضایی نیست که بخواید از طریق قوه‌ی قضائیه ارسال شود.

**آقای علیزاده -** اشکال بعدی را بخوانید. اگر ایرادات دیگری هست، بفرمایید.

**منشی جلسه -** برخی از آقایان اعضا می‌گویند فقط آن موادی از این موافقتنامه که اشکال دارد، مطرح بشود.

**آقای رهپیک -** ما [= مجمع مشورتی حقوقی] به این موافقتنامه چند تا اشکال داریم. این اشکالات را می‌گوییم تا آقایان اعضا راجع به آنها نظر بدهند. یکی از این اشکالات در خصوص مقدمه‌ی این موافقتنامه است.<sup>۱</sup> مقدمه‌ی این موافقتنامه را

۱. نظر مجمع مشورتی حقوقی در این خصوص به شرح زیر است: «در مقدمه موافقتنامه حاضر برخی از معاهدات و کنوانسیون‌ها مورد اشاره واقع شده است. در خصوص این موارد نکات ذیل قابل تأمل می‌باشد:

۱- در مقدمه این موافقتنامه اشاره به توسعه همکاری‌ها در موضوعات مورد اشاره و با تأکید بر مفاد «معاهده واحد مربوط به مواد مخدر مورخ ۱۳۴۰ هجری شمسی» شده است. هر چند زمان انعقاد این معاهده مربوط به قبل از انقلاب اسلامی می‌باشد، اما مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱۴ قانون «الحاق جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اصلاحی

←

**آقای سوادکوهی -** شما این پروتکل کمیسیون مشترک مرزی مورخ سال ۱۳۶۶ را در اسناد و مدارک موجود ندارید؟  
**آقای ره‌پیک -** نه، ولی اشکالی ندارد؛ چون قطعاً شورای نگهبان آن پروتکل را دیده است و مفاد آن را بررسی کرده است.

**آقای یزدی -** ذیل این موافقتنامه، چنین مفادی [= مفاد عهدنامه‌های اشاره‌شده در مقدمه] را دارد یا ندارد؟

**آقای مؤمن -** هیچ کدام از مطالب این موافقتنامه‌ها و عهدنامه‌هایی که در مقدمه نام برده شده، در متن این موافقتنامه نیامده است.

**آقای یزدی -** ولی به این موافقتنامه بر اساس این عهدنامه‌ها دارد عمل می‌شود؛ مثلاً می‌گویند چون فلان موافقتنامه این ذیل را دارد، ما این موارد را تصویب می‌کنیم.

**آقای علیزاده -** مقدمه دارد می‌گوید ما آمده‌ایم و بر اساس احترام به آن عهدنامه‌ها در این موارد زیر با هم توافق کرده‌ایم؛ نمی‌گوید توافق کردن درباره‌ی موارد زیر است. این مقدمه، به معنای تصویب این موارد توسط آقایان مسئول در دولت نیست. به نظر من، این مقدمه اشکالی ندارد. مقدمه گفته است که بر اساس احترام به اسناد حقوقی که در زمینه‌ی همکاری‌های امنیتی آنها را تصویب کرده‌ایم، توافق صورت می‌پذیرد.

**آقای مدرسی یزدی -** بله، این موافقتنامه‌ها، دخالتی در توافق ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** تا زمانی که ما آن موارد را لغو یا خلاف شرع اعلام نکرده‌ایم، این موارد قرارداد تلقی می‌شود. مقدمه گفته است که ما آن قراردادها را محترم می‌شماریم.

**آقای مؤمن -** این موضوع هم اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده -** بله، این موضوع اشکالی ندارد؛ یعنی در مقدمه نیامده است که بگوید ما چون به همدیگر احترام می‌گذاریم، به آن قراردادها هم احترام می‌کنیم، بلکه می‌گوید ما آمده‌ایم و صرفاً این موافقتنامه را تصویب کرده‌ایم. الآن این مواردی که بین طرف‌ها مقرر و تصویب شده است، ماده (۱) به بعد است.

ما به این موضوع ایرادی نداریم.

**آقای مؤمن -** بله، ما این را ایراد نمی‌دانیم.

**آقای شب‌زنده‌دار -** خود این مضمون مقدمه و احترام به چیزی که [شاید] خلاف شرع است، اشکالی ندارد؟

**آقای مدرسی یزدی -** احترام به این عهدنامه‌ها، یعنی اینکه هنوز دارند عهدنامه‌های قبلی را به رسمیت می‌شناسند و ما هم داریم این موافقتنامه را در همین راستا تصویب می‌کنیم. مشکلی که وجود دارد این است که آن چیزهایی که قبلاً [=

مقررات از جهت اینکه قبل از انقلاب تصویب شده است یا بعد از انقلاب تصویب شده است و اینکه آیا مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است یا نه، فرق می‌کند. حداقل دو تا از اینها، مثل عهدنامه استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۸ و قرارداد انتظامات مرزی مصوب ۱۳۳۹، مصوب قبل از انقلاب است. این عهدنامه‌ها بعداً هم اصلاح نشده است تا مفادش به نحوی در شورای نگهبان مطرح شود و شورا این عهدنامه‌ها را در اصلاحیه‌های مربوطه‌اش بررسی کند.

**آقای شب‌زنده‌دار -** در اشکال مجمع مشورتی فقهی قم هم آمده است که اگر احترام به آن مصوبات، به معنای این است که ما آن مصوبات را معتبر می‌شمیریم، لزوم احترام به آنها اشکال دارد؛ چون الآن نمی‌دانیم چه مسائلی در آن مصوبات هست و شاید خلاف شرعی در آن مصوبات باشد.<sup>۱</sup>

**آقای ره‌پیک -** غرض اینکه هر دو تای این عهدنامه و مقررات در شورا بررسی نشده است. البته بعداً برخی دیگر از این عهدنامه‌های اشاره‌شده در مقدمه به شورای نگهبان آمده است و در شورا بررسی شده است و در این موافقتنامه به اصلاحات و اصل این عهدنامه‌ها هم توجه شده است، ولی شورای نگهبان اصل دو تای از اینها را تا کنون ندیده است؛ چون این دو تا، مصوب قبل از انقلاب بوده است. لذا اگر لازم است که این دو مورد بررسی شود، باید آنها را بررسی کنیم؛ به اضافه اینکه ما خیلی جستجو کردیم تا یادداشت تفاهم پروتکل کمیسیون مشترک مرزی را پیدا کنیم، ولی آن را پیدا نکردیم. اگر می‌خواهیم متن تفاهم‌نامه را بررسی کنیم، باید برویم و از منابع دیگر این متن را پیدا کنیم و ببینیم که مفادش چیست. حالا اگر این مسئله اشکال دارد، بفرمایید که باید مفاد این پروتکل بررسی بشود.

→

انتظامات مرزی مورخ ۱۳۳۹/۵/۳۰ هجری شمسی برابر با ۲۱ آگوست ۱۹۶۰ میلادی و پروتکل در خصوص کمیسیون مشترک مرزی مورخ ۱۳۶۶/۹/۳۱ هجری شمسی برابر با ۱۹۸۷/۱۲/۱۲ میلادی و یادداشت تفاهم مورخ ۱۳۶۸/۸/۳۰ هجری شمسی برابر با ۲۱ نوامبر ۱۹۸۹ در زمینه‌های زیر توافق نمودند: «...»

۱. «مناسب است مصوبات مربوط به قبل از انقلاب از جمله عهدنامه استرداد مجرمین ملاحظه گردد تا موارد خلاف شرع در آن نباشد؛ زیرا لزوم توجه به این‌گونه قوانین و احترام به آنها دارای اشکال می‌باشد. در مقابل نظر یکی از اعضاء این بود که منظور از احترام و توجه به این قوانین، عدم دخالت در قوانین مذکور می‌باشد.» نظر مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان شماره ۹۳/ف/۱۰۶ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶، قابل مشاهده

در نشانی زیر: yon.ir/2x0Qb

پیش از انقلاب] تصویب شده است و در ادامه، مجلس شورای اسلامی دارد به آن چیزها رسمیت می‌دهد، ما هم اینجا به عنوان شورای نگهبان نشستیم و می‌گوییم ما هم آن رسمیتی را که مجلس دارد به آن عهدنامه‌ها می‌دهد، قبول داریم؛ ولی با این حال ظاهراً معنای احترام به این عهدنامه‌ها این نیست که ما داریم بالخصوص این عهدنامه‌ها را تأیید می‌کنیم.

**آقای یزدی -** نه، بالاخره این مسئله [در صورتی که آن عهدنامه‌ها متضمن خلاف شرعی باشد] اشکال دارد.

**آقای مدرس یزدی -** این عهدنامه‌ها، مُجرا است؛ چون ما به هر حال قوانینی را که قبل از انقلاب تصویب شده است تا لغو نکرده‌ایم مُجرا است.

**آقای مؤمن -** در مقدمه‌ی موافقتنامه گفته است که ما در زمینه‌های زیر توافق کرده‌ایم.

**آقای علیزاده -** بله، گفته است در زمینه‌های زیر توافق کرده‌ایم.

**آقای یزدی -** آقای علیزاده، در مقدمه نوشته است: «... و همچنین اسناد حقوقی که در زمینه همکاری‌های امنیتی بین «طرف‌های متعاقد» منعقد گردیده است از جمله «عهدنامه استرداد مجرمین مورخ ۱۳۳۸/۱/۳۰ هجری شمسی برابر با ۱۹۵۹/۴/۲۰ میلادی و نیز قرارداد انتظامات مرزی مورخ ۱۳۳۹/۵/۳۰ هجری شمسی برابر با ۲۱ آگوست ۱۹۶۰ میلادی و ...» یعنی در مقدمه، این عهدنامه‌ها را مورد توجه قرار داده است. خب این مواردی که قبلاً در شورای نگهبان به آنها رسیدگی شده، قبول است و ایرادی به آنها نیست، ولی خب اشکال آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی و مجمع مشورتی حقوقی] این است که اگر این عهدنامه‌ها متضمن خلاف شرع باشد، معنای احترام به این عهدنامه‌ها این است که طرفین این خلاف شرع‌ها را قبول کرده‌اند. جواب این اشکال چیست؟

**آقای علیزاده -** عبارت مقدمه، چنین چیزی را نمی‌گوید.

**آقای مؤمن -** بله، چنین چیزی نمی‌گوید.

**آقای علیزاده -** این مقدمه می‌گوید با احترام به این موارد، با هم توافق کرده‌ایم.

**آقای یزدی -** به هر حال مفاد مقدمه، این مطلب است. شما می‌گویید اصلاً این مقدمه اعتبار ندارد.

**آقای علیزاده -** بله، اعتبار ندارد.

**آقای یزدی -** یعنی این عباراتی [= این عهدنامه‌ها و مقررات و پروتکل‌ها] که تا الآن وجود داشته است، اعتباری ندارد!؟

**آقای اسماعیلی -** اعتبار دارد، منتها مورد مصوّب این موافقتنامه، این موارد نیستند.

**آقای علیزاده -** بله، مورد مصوّب، این عهدنامه‌ها نیستند.

**آقای اسماعیلی -** مقدمه گفته است ما بر اساس این مبانی که با همدیگر توافق کرده‌ایم، از این به بعد مفاد ماده (۱) به بعد را انجام می‌دهیم.

**آقای شب‌زنده‌دار -** نه، این اشکال درست است؛ این توافق درباره‌ی امور ذیل که بر آن توافق شده است، [بر اساس آن عهدنامه‌ها] صورت گرفته است.

**آقای ره‌پیک -** بله.

**آقای شب‌زنده‌دار -** تفاوتی نمی‌کند؛ مضمون اشکال این است که ما به این عهدنامه‌ها احترام می‌گذاریم. حال موضوع این است که اگر مفاد این عهدنامه‌ها خلاف شرع است، باز می‌توانیم به آنها احترام بگذاریم!؟

**آقای علیزاده -** این احترام، یعنی اینکه آمده‌ایم و بر اساس این موارد، این توافقنامه را با هم منعقد کرده‌ایم.

**آقای شب‌زنده‌دار -** خود این حرف درست است که ما به آنچه که بر خلاف شرع است پایبند باشیم؟! اشکال در بنا است، نه در مبنا.

**آقای علیزاده -** این عبارت «احترام به این عهدنامه‌ها»، جمله‌ی معترضه است؛ به هیچ دردی نمی‌خورد.

**آقای اسماعیلی -** اصلاً مگر می‌شود بگوییم به موافقتنامه‌ای که دولت آن را امضا کرده است، احترام نمی‌گذاریم!؟

**آقای مدرس یزدی -** دولت قبل از انقلاب، آن عهدنامه‌ها را امضا کرده است.

**آقای اسماعیلی -** هر دولتی که باشد فرقی نمی‌کند. ما بر اساس اصل استمرار دولت‌ها، باید به معاهده‌ای که با کشورهای دیگر بسته‌ایم، پایبند باشیم و به آن احترام بگذاریم تا زمانی که آن را لغو کنیم.

**آقای شب‌زنده‌دار -** بله، این موضوع، در مورد معاهده‌ها درست است.

**آقای ره‌پیک -** نه، اشکال شرعی دارد.

**آقای اسماعیلی -** چه اشکال شرعی دارد؟

**آقای ره‌پیک -** الآن این احترام به عهدنامه‌های سابق، مثل شرط بنایی می‌ماند؛ می‌گوید بر مبنای چه توافق کرده‌ایم؛ بر مبنای این عهدنامه‌هایی که قبلاً راجع به آنها توافق شده است.

**آقای علیزاده -** مقدمه نمی‌گوید بر مبنای توافقی قبلی توافق می‌کنیم.

**آقای ره‌پیک -** چرا؛ می‌گوید بر مبنای توافقی قبلی توافق می‌کنیم؛ مثل شرط بنایی می‌ماند.

**آقای اسماعیلی -** بعد، این موافقتنامه در ادامه می‌گوید هر جایی دیدید که با قوانین داخلی تان مغایر است، می‌توانید آن را اجرا نکنید. در بند (الف) ماده (۴) این مطلب آمده است که هر موقع دولت ما دید که آن مصوبات با قوانین داخلی مان مغایر است، موافقتنامه را اجرا نمی‌کند.

**آقای علیزاده -** چرا اجرا نکنیم؟

**آقای اسماعیلی -** چطور می‌شود در مورد مقدمه می‌گویید که ما مقدمه را هم تصویب کرده‌ایم، ولی به این بند که می‌رسیم، می‌گویید نه، حکم این بند فقط شامل خود این موافقتنامه می‌شود؟!

**آقای رهپیک -** آن بند دارد یک چیز دیگری را بیان می‌کند. آن بند در ادامه می‌گوید اگر اجرای این موافقتنامه با قوانین حاکمیتی شما تعارض پیدا کرد می‌توانید جلوی اجرای آن را را بگیرید.

**آقای اسماعیلی -** این موافقتنامه، یک موافقتنامه‌ی اجرایی است.

**آقای مدرسی یزدی -** آن بندی که این مطلب را گفته، کدام بند است؟

**آقای اسماعیلی -** بند (الف) ماده (۴).

**آقای مدرسی یزدی -** این موضوع، مربوط به این معاهده است؟

**آقای اسماعیلی -** بله، بند (الف) ماده (۴) را نگاه کنید.

**آقای مدرسی یزدی -** بعداً زحمت بکشید و همه‌ی این عهدنامه‌هایی را که به آنها اشاره کرده‌اند، بیاورید تا نگاه بکنیم؛ اگر اشکالی داشته باشند، اشکال آن را اعلام می‌کنیم و اگر اشکال نداشته باشند که هیچ ایرادی نیست.

**آقای رهپیک -** حالا این موضوع را بگذارید تا بعداً ببینیم متن موافقتنامه چه می‌گوید. یک اشکال دیگری هم هست؛ در بند (پ) ماده (۷) درباره‌ی وظایف کارگروه مشترک گفته است:

«پ- بررسی و به روز کردن این موافقتنامه»<sup>۲</sup>

۲. ماده (۷) لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷- کارگروه مشترک

طرف‌های متعاقد موافقت نمودند کارگروه مشترکی به ریاست معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور از طرف جمهوری اسلامی ایران و قائم‌مقام وزیر کشور از طرف جمهوری اسلامی پاکستان تشکیل شود و هر دو سال یک بار یا عنداللزوم بر اساس توافق متقابل دو طرف به‌طور متناوب در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان تشکیل جلسه دهد.

وظایف کارگروه به قرار زیر خواهد بود:

الف- نظارت بر اجرای این موافقتنامه

ب- ارائه راه حل برای مسائلی که ممکن است در جریان این موافقتنامه حادث شود.

**آقای علیزاده -** مقدمه می‌گوید قبل از امضای این موافقتنامه، ما با توجه به این موارد با هم توافق کرده‌ایم و تمام شد.

**آقای اسماعیلی -** در بندهای بعدی این موافقتنامه هم آمده است که دولت می‌تواند هر موقع احساس کرد [که این موافقتنامه به مصلحت او نیست، از همکاری امتناع کند].<sup>۱</sup>

**آقای یزدی -** پس معنایش این است که احتمالاً عهدنامه‌ها و قراردادهای قبلی را هم قبول کرده‌اید که حالا دارید [بر مبنای آنها این موافقتنامه را منعقد می‌کنید].

**آقای علیزاده -** نه، معنایش این نیست که آن‌ها را قبول نکرده‌ایم.

**آقای یزدی -** حالا شاید این موارد را قبول نکرده‌اید، ولی خود شما دارید می‌گویید بر مبنای آن مواردی که در مقدمه ذکر شده است، این موافقتنامه را منعقد کرده‌ایم.

**آقای علیزاده -** احترام به این عهدنامه‌ها، یعنی اینکه آمده‌ایم و بر اساس آن موارد این توافق را انجام داده‌ایم.

**آقای مدرسی یزدی -** فعلاً فرصت داریم که این عهدنامه‌ها و پروتکل‌ها را پیدا بکنیم و عبارت آنها را ببینیم.

**آقای رهپیک -** بله، این عهدنامه‌ها پیدا می‌شود منتها ...

**آقای مدرسی یزدی -** خب این عهدنامه‌ها را یک مروری می‌کنیم؛ اگر اشکالی داشت به آنها ایراد می‌گیریم و اگر ایراد نداشت آنها را تأیید می‌کنیم.

**آقای علیزاده -** حالا اگر به بقیه‌ی مواد این موافقتنامه ایراد دارید، آن را مطرح کنید. این موضوع را آخر سر بررسی می‌کنیم.

۱. ماده (۴) لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴- موارد امتناع از همکاری هر طرف متعاقد حق امتناع از اجرای تمامی یا بخشی از درخواست طرف دیگر را در مورد زیر برای خود محفوظ می‌دارد:

الف- به مخاطره افتادن حاکمیت و امنیت ملی خود یا تعارض با قوانین و مقررات ملی و مسئولیت‌ها و تعهدات بین‌المللی برای همکاری مزبور  
ب- اخلال در جریان رسیدگی قضایی یا نادیده گرفتن اعتبار احکام قضایی در قلمرو طرف درخواست‌شونده. در این موارد طرف درخواست‌شونده، طرف درخواست‌کننده را بدون درنگ به صورت کتبی از دلایل امتناع از اجرای درخواست از طریق مجاری دیپلماتیک آگاه خواهد کرد.

پ- مداخله در رسیدگی و محاکمه در حال انجام توسط طرف دیگر یا تعارض با تصمیمات قضایی طرف مقابل.

طرف درخواست‌شونده باید دلایل امتناع خود را از اجرای درخواست‌های مزبور، از طریق مجاری دیپلماتیک یا مرجع تماس موضوع ماده (۸) این موافقتنامه به اطلاع طرف درخواست‌کننده برساند.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، این اشکال وارد نیست.

**آقای ره‌پیک -** خیلی خوب.

**آقای علیزاده -** قسمت اول موافقتنامه، دو تا موافقتنامه یا عهدنامه را ذکر کرده است که مصوب قبل از انقلاب است. اگر فعلاً حضرات آقایان فقهای معظم نسبت به این قسمت اول موافقتنامه اشکالی دارند بفرمایند.

**آقای مدرسی یزدی -** بحث، راجع به همین جمله است؛ مربوط به این دو تا عهدنامه نیست.

**آقای علیزاده -** به هر حال، حالا هر چه که باشد. یک جمله که بیاید، شامل همه‌ی مصادیق می‌شود. به هر حال اگر این جمله را به معنای تصویب آن عهدنامه‌ها می‌دانید، از جهت شرعی نظر بدهید. البته این جمله به معنای تصویب نیست؛ چون به نظر حقیر آنچه که تصویب شده است از ماده (۱) به بعد است. **آقای یزدی -** آقایان نمی‌گویند که این موافقتنامه، تفسیر آن عهدنامه‌ها است، بلکه می‌گویند این مقدمه تأیید آن عهدنامه‌ها و قراردادهای محسوب می‌شود.

**آقای علیزاده -** بله، حتی اگر این مقدمه را به معنای تأیید آن عهدنامه‌ها می‌دانید که در نتیجه می‌فرمایید ما باید آن عهدنامه‌ها را اجرا بکنیم، و بررسی آن عهدنامه‌ها را ضروری می‌دانید، فعلاً اظهار نظر راجع به این موافقتنامه بماند تا آن عهدنامه‌ها را ببینید. **آقای مدرسی یزدی -** نگاه کردن این عهدنامه‌ها که لازم است؛ بگذارید آنها را ببینیم تا بعد نظر بدهیم.

**منشی جلسه -** این نظر، دو تا رأی دارد.

**آقای علیزاده -** پس این موافقتنامه خلاف شرع و خلاف قانون اساسی شناخته نشد.

**آقای شب‌زنده‌دار -** مجمع مشورتی فقهی درباره‌ی بند (۱) ماده (۱) هم اظهار نظر کرده است؛<sup>۴</sup> چون الآن بخشی از اشیای

→

حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۱۰۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶، ص ۱۳، قابل مشاهده در نشانی زیر: [yon.ir/RkhD5](http://yon.ir/RkhD5)

۳. ماده (۱) لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹- حل و فصل اختلاف و اصلاح موافقتنامه

طرف‌های متعاقد هرگونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با مذاکره و یا از طریق مجاری دیپلماتیک و یا کارگروه مشترک موضوع ماده (۷) این موافقتنامه حل و فصل خواهند نمود. طرف‌های متعاقد می‌توانند مفاد این موافقتنامه را با توافق متقابل و رعایت تشریفات قانونی خود اصلاح نمایند و اصلاحات مزبور با رعایت ماده (۱۱) لازم‌الاجراء خواهد شد.»

۲. «ماده (۷): بند (پ) این ماده امکان بررسی و به روز کردن این موافقتنامه را برای کارگروه مشترک موضوع این ماده پیش‌بینی کرده است. هر چند شرایط اصلاح این موافقتنامه مشمول موضوع ماده (۹) می‌باشد و به موجب تبصره ماده واحده در اجرای اصلاحات موضوع ماده (۹) رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی الزامی است، اما در صورتی که «بررسی و به روز کردن این موافقتنامه» شامل مواردی شود که در واقع اصلاح موافقتنامه به شمار می‌آیند، عدم پیش‌بینی رعایت اصل (۷۷) در انجام این اصلاحات، مغایر با این اصل قانون اساسی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی

۲- ...»

۴. «اطلاق قاچاق بر اشیاء تاریخی و فرهنگی که در یکی از دو کشور

←

**آقای علیزاده -** یعنی شما می‌فرمایید که این بند، تصویب موافقتنامه‌ی به روزسانی شده را به عهده‌ی کارگروه گذاشته است؟ **آقای ره‌پیک -** نه، ماده (۹) گفته است که اصلاحات این موافقتنامه باید با توجه به تشریفات قانونی هر کشور باشد. آن ماده این را گفته است، منتها در عین حال، به روز کردن موافقتنامه که شامل تغییر این موافقتنامه هم می‌شود، به این کارگروه واگذار شده است. اگر تصریح می‌کردند که حکم این بند هم تابع ماده (۹) است خوب بود، ولی ممکن است استنباط بشود که [کارگروه مستقلاً این موافقتنامه را به روز کند].

**آقای هاشمی شاهرودی -** این بندهای ماده (۷)، در مورد وظایف این کارگروه است که آنها را ذکر کرده‌اند.

**آقای ابراهیمیان -** چون باید مجموعه‌ی این مواد را با هم تفسیر کرد، مراد از به روزسانی موافقتنامه، فراهم آوردن مقدمات آن است.

**آقای علیزاده -** این بند گفته است کارگروه این کار را انجام می‌دهد؛ نگفته است که به روزسانی با نظر کارگروه مصوب می‌شود. مورد مصوب را ماده (۹) تعیین کرده است؛ یعنی تصویب هرگونه تغییر، توسط مجلس و از طریق تقنین و قانون‌گذاری است.

**آقای ره‌پیک -** بله، ذکر این اشکال [در مجمع مشورتی حقوقی]، من باب احتیاط بوده است.<sup>۲</sup>

→

پ- بررسی و به روز کردن این موافقتنامه کارگروه مشترک می‌تواند جلسات گروه‌های فرعی کارشناسی در خصوص موضوعات مورد توافق را برگزار نماید.»

۱. ماده (۹) لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹- حل و فصل اختلاف و اصلاح موافقتنامه طرف‌های متعاقد هرگونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با مذاکره و یا از طریق مجاری دیپلماتیک و یا کارگروه مشترک موضوع ماده (۷) این موافقتنامه حل و فصل خواهند نمود. طرف‌های متعاقد می‌توانند مفاد این موافقتنامه را با توافق متقابل و رعایت تشریفات قانونی خود اصلاح نمایند و اصلاحات مزبور با رعایت ماده (۱۱) لازم‌الاجراء خواهد شد.»

۲. «ماده (۷): بند (پ) این ماده امکان بررسی و به روز کردن این موافقتنامه را برای کارگروه مشترک موضوع این ماده پیش‌بینی کرده است. هر چند شرایط اصلاح این موافقتنامه مشمول موضوع ماده (۹) می‌باشد و به موجب تبصره ماده واحده در اجرای اصلاحات موضوع ماده (۹) رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی الزامی است، اما در صورتی که «بررسی و به روز کردن این موافقتنامه» شامل مواردی شود که در واقع اصلاح موافقتنامه به شمار می‌آیند، عدم پیش‌بینی رعایت اصل (۷۷) در انجام این اصلاحات، مغایر با این اصل قانون اساسی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی

←



**آقای اسماعیلی -** اگر آن شیء فرهنگی، مال خود شخص باشد ایرادی ندارد، ولی اگر آن شخص برخلاف قوانین، اقدام به قاچاق آن شیء کند، ایراد دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** قاچاق، خلاف قانون است.

**آقای شبزنده‌دار -** ما به آن [= قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۲ مجلس شورای ملی] اشکال وارد کردیم.

**آقای علیزاده -** الآن بنده می‌دانم این ارز مال خودم است. حالا اگر من همین‌طوری این ارز را از کشور خارج کنم، ایرادی ندارد؟

**آقای شبزنده‌دار -** این کار، درست نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نمی‌شود به [ممنوعیت خرید و فروش جنس] قاچاق که اشکالی وارد کرد. از طرفی قاچاق، ملک شخص قاچاق‌کننده نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** این مسائل در اینجا محل بحث نیست. در اینجا بحث بر سر این است که قاچاق را قانون تعریف می‌کند، نه چیز دیگر.

**آقای اسماعیلی -** بله.

**آقای مدرسی یزدی -** مجمع مشورتی فقهی قم از لحاظ شرعی به قانونی که در مورد قاچاق داریم، فی‌الجمله اشکال وارد کرده است.

**آقای مؤمن -** کجا چنین اشکالی را وارد کرده است؟!

**آقای علیزاده -** نه، ما [= فقهای شورای نگهبان] به قانون مربوط به میراث فرهنگی ایراد گرفتیم، نه قاچاق.

**آقای مدرسی یزدی -** ایشان [= شبزنده‌دار] می‌فرمایند. فرمایش ایشان این است که مجمع مشورتی فقهی به این مصوبه اشکال وارد کرده است؛ بنابراین حمل این اشیا از لحاظ شرعی قاچاق حساب نمی‌شود. البته هنوز این قانون [= قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۲ مجلس شورای ملی] ابطال نشده است. اشکال شرعی هم به آن قانون گرفته‌اند، ولی لامحاله الآن ما باید اطلاق این موافقتنامه را طبق آن قانون تأیید بکنیم؛ چون اگر آن قانون خلاف شرع است، این موافقتنامه هم خلاف شرع می‌شود و [نیازی به ایراد به این موافقتنامه نیست].

**آقای جنتی -** قاچاق که اطلاق شرعی ندارد.

**آقای مدرسی یزدی -** چرا؛ قاچاق در قانون تعریف دارد. قاچاق در قانون تعریف دارد و نباید تعریف قانونی آن خلاف شرع باشد.

فرهنگی و تاریخی، مصداق همان موردی است که قبلاً به آن اشکال گرفته شد. اشکال ما به آن قانون [= قانون راجع به حفظ آثار ملی] از جهت ممنوعیت فروش این اشیا بود. ما قبلاً به آن قانون اشکال گرفتیم.<sup>۱</sup> تا اینجا در این موافقتنامه این‌گونه آمده است که اگر کسی با معامله‌ی شرعی صحیح، یک شیء فرهنگی را از پاکستان به ایران بیاورد، باید آن را به پاکستان برگرداند.

**آقای اسماعیلی -** اصلاً این موضوع، بحث قاچاق است. این، بحث قاچاق است؛ بحث خرید و فروش که نیست.

**آقای ابراهیمیان -** بله، فرض این است که آن شیء را به صورت قاچاق آورده‌اند.

**آقای شبزنده‌دار -** حرف سر این است که ما [= فقهای شورای نگهبان] این را خلاف شرع اعلام کردیم و گفتیم این اشیا فرهنگی [ملک اشخاص است و نمی‌توان آنها را از تصرف در ملک خود منع کرد]. آنها [= مسئولین امر] هم قبول کردند [که این قانون را اصلاح کنند].

**آقای اسماعیلی -** بله.

**آقای علیزاده -** شما در نظرتان به موضوع قاچاق که ایراد نگرفتید.

**آقای شبزنده‌دار -** این حرف درباره اشیا فرهنگی دولتی درست است، اما مثلاً اگر کسی یک کوزه‌ای دارد که می‌خواهد آن را بفروشد، [منع چنین فردی از فروش مالش درست نیست].

→

خریده شده و به کشور دیگر منتقل گردیده است خلاف شرع می‌باشد؛ زیرا در فرض انجام معامله شرعی و تملک آن، ملک شخصی شده و قاچاق محسوب نمی‌گردد. توضیح اینکه اگر قانون میراث فرهنگی مبنی بر ممنوعیت خرید و فروش اشیا عتیقه ابطال نگردیده باشد و در خلاف شرع بودن آن به قوت خود باقی باشد، این اشیا فرهنگی و تاریخی نیز به آن قاچاق اطلاق شده و قهراً چنین اطلاقی خلاف شرع می‌باشد، ولی اگر آن قانون ابطال گردد، دیگر این‌گونه موارد ایراد نخواهد داشت. و چون مجمع مشورتی خلاف شرع بودن آن را اعلام داشته است، فلذا دیگر محذور فوق پیش نمی‌آید. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۰۶ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: [yon.ir/2x0Qb](http://yon.ir/2x0Qb)

۱. نظر شماره ۶۰۷۶ مورخ ۱۳۶۱/۸/۳ شورای نگهبان در خصوص قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۲ مجلس شورای ملی: «شورای عالی محترم قضایی، پیرو نامه شماره ۵۷۳۶ مورخ ۱۳۶۱/۷/۱۷، قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ و اصلاحیه‌ها و الحاقات بعدی آن در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۷/۱۷ فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و شمول قانون نسبت به املاک شخصی به نظر اکثریت آقایان فقهاء شورا، مغایر موازین شرع تشخیص داده شد.»

**آقای یزدی -** حتی اگر من خانه‌ای داشته باشم که ارزش تاریخی دارد و بخواهم آن را تخریب کنم، باید مجوز داشته باشم. یعنی با اینکه مالکیت من مفروض است و این خانه مال من است، اما چون ارزش تاریخی دارد باید اجازه‌ی دولت را داشته باشم. این موضوع، ربطی به آن مسئله ندارد.

**آقای علیزاده -** پس شما می‌فرمایید دولت باید این جنس را از مالک آن بخرد.

**آقای یزدی -** بله، مگر اینکه دولت مالی را از مالک آن بخرد و در نتیجه، آن مسئله را درست کند.

**آقای رهپیک -** قبل از اینکه از این ماده‌ی موافقتنامه رد شویم، این ماده یک اشکال عبارتی نیز دارد. ترجمه‌ی اینها [از متون خارجی] اشکال دارد. از جمله در همین ماده (۱) گفته است: «طرف‌های متعاقد خود را برای همکاری در زمینه مبارزه با جرائم سازمان‌یافته به‌ویژه موارد زیر از طریق جلوگیری و شناسایی متهمان، متعهد می‌دانند: ...» در این ماده، عبارت «جلوگیری و شناسایی متهمان» را به کار برده است. «جلوگیری متهمان» یعنی چه؟!

**آقای یزدی -** منظور از «متهمان»، همان «مظنونان» است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** یعنی جلوگیری از همان جرائم.

**آقای علیزاده -** بله.

**آقای رهپیک -** نه، گفته است «جلوگیری و شناسایی متهمان».

**آقای هاشمی شاهرودی -** منظور این ماده این است که مبارزه با جرائم سازمان‌یافته، (۱) از طریق جلوگیری و (۲) از طریق شناسایی متهمان صورت می‌گیرد.

**آقای علیزاده -** آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی] می‌فرمایند که «جلوگیری» به «جرم» بر می‌گردد؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.<sup>۱</sup>

**آقای رهپیک -** بله، البته می‌شود این عبارت را به یک نحوی توضیح داد، ولی من می‌گویم که این عبارت اشکال دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بایستی این «واو»، به ویرگول تبدیل می‌شد.

**آقای علیزاده -** بله.

**آقای رهپیک -** نه، «جلوگیری» به تنهایی که معنی نمی‌دهد.

**آقای جنتی -** خب از نظر قانونی، اینکه جنسی را از خارج یا داخل بدون مجوز حمل بکنند جرم است.

**آقای مدرس یزدی -** حالا آن قانون شامل چه مجوزهایی است؟ می‌گویند قانون آن کامل نیست؛ می‌گویند بعضی از جاهای آن خلاف شرع است.

**آقای رهپیک -** نه، اشکال شما درباره‌ی کبرای قضیه است یا درباره‌ی مصداق آن؟ آنچه که مفروض است، قاچاق است که بند (۱) دارد آن را بیان می‌کند. این بند می‌گوید بر فرض اینکه جنسی قاچاق باشد، [پیشگیری و مبارزه با آن بشود].

**آقای مدرس یزدی -** این موضوع، عیبی ندارد. آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] که به این بند اشکال وارد کرده‌اند، می‌گویند تعیین اینکه چه جنسی قاچاق است، قانون می‌خواهد. این مطلب، درست است یا نه؟

**آقای رهپیک -** این موضوع، قانون دارد.

**آقای مدرس یزدی -** خب، می‌گویند بعضی جاهای آن قانون خلاف شرع است؛ ولی در عین حال می‌شود یک طوری به این اشکال جواب داد که حکم این بند، به نحو قضیه‌ی حقیقیه است؛ یعنی به صورت قضیه‌ی کلیه است.

**آقای رهپیک -** بله، این قضیه، قضیه‌ی حقیقیه است.

**آقای مدرس یزدی -** آن قانون تا زمانی که ابطال نشده است، قانونیت دارد. بنابراین ولو اینکه قرار است که آن قانون بعداً بررسی بشود و نظر شورای نگهبان این باشد که بعضی از قسمت‌های آن ابطال بشود، [ولی آن قانون فعلاً قانونیت دارد].

**آقای علیزاده -** بعد از باطل شدن [آن قانون، این بند هم باطل می‌شود].

**آقای ابراهیمیان -** منظور بند (۱) این است که هر چه که [خرید و فروش آن بر خلاف قوانین] حقوقی ماست، بعداً قاچاق محسوب بشود.

**آقای یزدی -** حالا صرف نظر از قانون بودن این موافقتنامه و ارتباط آن با قانون قبلی، این موضوع، همان بحث مبنایی است که قبلاً در شورای نگهبان مکرر بحث شده است. بحث این است که جنسی که مال شخصی من است و اعتبار و ارزش تاریخی دارد، مالکیت من نسبت به آن محفوظ است، ولی در عین حال من نباید آن را از کشور خارج بکنم. اگر خواستم آن را از کشور خارج بکنم باید مجوز داشته باشم.

**آقای علیزاده -** بله دولت می‌تواند خارج کردن این جنس را ممنوع بکند.

۱. «تذکر: واژه «جلوگیری» در عبارت صدر این ماده واجد ابهام است؛ چرا که ترکیب این واژه با واژه «متهمان» در عبارت «از طریق جلوگیری و شناسایی متهمان» فاقد مفهوم مشخصی می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۱۰۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶، ص ۱۳، قابل مشاهده در نشانی زیر: [yon.ir/RkhD5](http://yon.ir/RkhD5)

بار به شکل‌های مختلف در مجلس مطرح شده است، ولی به نتیجه نرسیده است. حالا ما در این باره در گزارش مجمع مشورتی حقوقی، مختصری توضیح داده‌ایم.<sup>۳</sup> در اینجا یک نکته و اشکالی قابل توجه است که اگر این اشکال وارد باشد علی‌القاعده دیگر نباید وارد بحث مواد این مصوبه بشویم، و اگر این اشکال وارد نباشد آن وقت وارد بحث بشویم. اشکال این است که در مورد پدافند غیرعامل مقررات مختلفی داریم؛ مثلاً تشکیل سازمان پدافند غیرعامل و کمیته دائمی پدافند غیرعامل، هم در قانون برنامه چهارم توسعه آمده است<sup>۴</sup> و هم در خصوص موضوع پدافند غیرعامل، سیاست‌های کلی از طرف مقام معظم رهبری ابلاغ شده است.<sup>۵</sup> این مصوبه درباره‌ی رده‌بندی حفاظتی اماکن و تأسیسات و تعیین حریم برای آنها است. هر دو موضوع در پدافند غیرعامل آمده است. در

**آقای هاشمی شاهرودی -** منظورشان جلوگیری از جرائم سازمان‌یافته است.

**آقای رهپیک -** خب باید این نکته را قید می‌کردند. این عبارت، اشکال دارد.

**آقای جنتی -** این اشکال، وارد نیست. خب اشکالات شما تمام شد؟

**آقای رهپیک -** بله، ما اشکال دیگری به این موافقتنامه نداریم.

**آقای علیزاده -** خیلی خب، پس این موافقتنامه خلاف شرع و خلاف قانون اساسی شناخته نشد.<sup>۱</sup>

### لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور

**منشی جلسه -** «لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور»<sup>۲</sup>

**آقای رهپیک -** اجازه بدهید قبل از اینکه وارد بحث بشوید، من توضیحاتی راجع به این دستور بدهم. این لایحه سابقه‌ی طولانی دارد و مسائل مختلفی درباره‌ی آن مطرح است. چند

۳. در این خصوص، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۱۰۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶، صص ۱۴-۱۹، قابل دسترسی در نشانی زیر: [yon.ir/i9mhl](http://yon.ir/i9mhl)

۴. بند (۱۱) ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲۱- دولت موظف است به منظور تقویت بنیه دفاعی کشور و ارتقاء توان بازدارندگی نیروهای مسلح و حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت کشور و آمادگی در برابر تهدیدات و حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی ایران و منابع حیاتی کشور و هوشمندسازی سیستم‌های دفاعی، اقدام‌های ذیل را در صورت تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح به عمل آورد:

۱- ...

۱۱- رعایت اصول پدافند غیرعامل در طراحی و اجرای طرح‌های حساس و مهم و یا در دست مطالعه و نیز تأسیسات زیربنایی و ساختمان‌های حساس و شریان‌های اصلی و حیاتی کشور و آموزش عمومی مردم توسط دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۱۶۰) این قانون، به منظور پیشگیری و کاهش مخاطرات ناشی از سوانح غیرطبیعی.

آیین‌نامه‌های اجرایی این ماده ظرف مدت دو ماه از تصویب این قانون، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید و در صورت تأیید فرماندهی کل نیروهای مسلح به مرحله اجراء گذاشته خواهد شد.»

۵. سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل در (۱۳) بند در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۶ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است. در بند (۱) این سیاست‌ها، پدافند غیرعامل چنین تعریف شده است: «۱- تأکید بر پدافند غیرعامل که عبارت است از مجموعه اقدامات غیر مسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد.»

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۱۷/۱۱۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۹، لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان، مصوب جلسه مورخ هفدهم فروردین‌ماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، پس از گذشت چند دوره از ادوار مجلس و به سرانجام نرسیدن بررسی آن، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ به تصویب نمایندگان مجلس رسید. پس از آن این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۶۰/۱۸۲۹ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۳ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی و نیز وجود ابهام در برخی دیگر از مواد را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ و ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

**آقای یزدی -** متن این مصوبه را فقط آن دستگاه مطالعه کرده است. این مصوبه در مجمع مشورتی فقهی قم هم بررسی نشده است.

**آقای جنتی -** می‌دانم؛ شما مطالعه کرده‌اید دیگر.

**آقای یزدی -** الان شما فقط دارید اشکالاتی را که آقایان در مجمع مشورتی حقوقی بررسی کرده‌اند بررسی می‌کنید.

**آقای مدرسی یزدی -** نه.

**آقای ابراهیمیان -** نه، سؤال این است که آیا در این موضوع، تقنین محدود می‌شود؟ سؤال این است که آیا قدرت قانون‌گذاری با وجود چنین اسنادی محدود می‌شود یا نه؟ اگر محدود بشود و مجلس اصلاً نتواند دخالت بکند، آن وقت ورود به جزئیات مصوبه لازم نیست دیگر. به نظر می‌رسد، عموم مقرراتی که به مجلس اجازه‌ی قانون‌گذاری می‌دهد، تقنین در این موارد را تخصیص نکرده است و محدود نکرده است. حتی می‌شود این مصوبه در کنار آن مقررات باشد و می‌شود هر دو را با هم حفظ کرد.

**آقای علیزاده -** اشکال، این نیست.

**آقای رهپیک -** این مصوبه، وظیفه‌ی تعریف و تعیین رده‌بندی حفاظتی اماکن، تأسیسات و تعیین حریم آنها و تعیین ضوابط آن را به شورای عالی امنیت ملی واگذار کرده است.<sup>۱</sup> آقایان می‌گویند که باید این وظیفه بر عهده‌ی سازمان پدافند غیرعامل باشد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** آقایان چه کسانی هستند؟

**آقای رهپیک -** منظور، سازمان پدافند غیرعامل کشور است. در سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری هم یک کمیته‌ای در این سازمان، مسئول این کار شده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این سازمان، تابع کجا است؟

**آقای رهپیک -** کمیته دائمی پدافند غیرعامل در ستاد کل نیروهای مسلح تشکیل شده است. طبق بند (۱۳) سیاست‌های پدافند غیرعامل، مرکزی که باید به وجود می‌آمده تا تعیین حریم بکند، سازمان پدافند غیرعامل است. مسئولین سازمان

سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل هم آمده است که باید به این موضوع توجه کنند. یکی دو بند در سیاست‌های کلی وجود دارد که می‌تواند با این موضوع ارتباط داشته باشد و باید تکلیف آن روشن بشود. البته پدافند غیرعامل موارد زیادی را شامل می‌شود که یکی از موارد، همین بحث تأسیسات و حریم آنها است. بند (۹) این سیاست‌ها را که با این موضوع ارتباط دارد ببینید؛ می‌گوید: «۹- ممانعت از ایجاد تأسیسات پرخطر در مراکز جمعیتی و بیرون بردن این‌گونه تأسیسات از شهرها و پیش‌بینی تمهیدات ایمنی برای آن دسته از تأسیساتی که وجود آنها الزامی است و ممانعت از ایجاد مراکز جمعیتی در اطراف تأسیسات پرخطر با تعیین حریم لازم.» در بند (۱۳) سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل هم راجع به تأسیسات و ساختمان‌ها می‌گوید: «۱۳- ایجاد مرکزی برای تدوین، طراحی، برنامه‌ریزی و تصویب اصول و ضوابط، استانداردها، معیارها، مقررات و آیین‌نامه‌های فنی پدافند غیرعامل و پیگیری و نظارت بر اعمال آنها.» سازمان پدافند غیرعامل متصدی این امر است. ما در مذاکراتی که با مسئولین این سازمان داشتیم، دیروز فهمیدیم که اینها از این مصوبه مطلع نبوده‌اند. بعد که مطلع شدند، گفتند الان ما داریم این کارها را طبق آن تدبیر انجام می‌دهیم و کمیته دائمی پدافند غیرعامل در ستاد کل نیروهای مسلح تشکیل شده است. اینها می‌گفتند که این مصوبه، موجب تداخل وظایف می‌شود و برای ما مشکلاتی را ایجاد می‌کند.

**آقای یزدی -** آقای علیزاده، از نظر آیین‌نامه‌ای، ما باید فقط اشکالاتی را که آن دستگاه عنوان کرده است بررسی کنیم یا باید متن مصوبه را بخوانیم؟ شاید در موارد دیگری که ما اشکال داشته باشیم، آقایان اشکالی وارد نکرده باشند.

**آقای رهپیک -** این بحث، قبل از ورود به متن است و یک اشکال کلی است.

**آقای یزدی -** اول متن را بخوانیم.

**آقای علیزاده -** بله، متن را می‌خوانیم.

**آقای رهپیک -** اگر این ایراد حل بشود، آن وقت متن را می‌خوانیم. الان می‌گویند که اشکال کلی به این مصوبه وارد است و دیگر خواندن متن لازم نیست.

**آقای یزدی -** خب من هم همین را دارم می‌گویم؛ می‌گویم چرا خواندن متن لازم نیست. شاید برخی از مواد از نظر آقایان بلااشکال باشد، ولی از نظر ما اشکال داشته باشد.

**آقای جنتی -** علی‌القاعده آقایان اعضای شورای نگهبان قبلاً این مصوبه را مطالعه کرده‌اند؛ اگر اشکالی دارند بفرمایند.

۱. ماده (۲) لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها بر عهده شورای عالی امنیت ملی است. شورای عالی امنیت ملی می‌تواند این مسئولیت را حسب تعلق اماکن و تأسیسات بخش لشکری به ستاد کل نیروهای مسلح یا کشوری به شورای امنیت کشور، محول نماید.»

**آقای اسماعیلی -** الان که این سیاست‌های کلی پیش روی ماست؛ نگاه کنید.

**آقای علیزاده -** حالا بگذارید که اول آقایان [مجمع مشورتی حقوقی] بررسی تطبیقی بکنند.

**آقای اسماعیلی -** خب وقتمان گرفته می‌شود؛ الان می‌توانیم مصوبه را بخوانیم.

**آقای سلیمی -** بسم الله الرحمن الرحيم. این لایحه دارد حریم حفاظتی و امنیتی اماکن و تأسیسات کشور را مشخص می‌کند.

این اماکن، به اماکنی که مربوط به نیروهای مسلح و جاهای امنیتی است، منحصر نیست، بلکه دارد برای همه‌ی مجموعه‌های کشوری تعیین تکلیف می‌کند. این مصوبه هم در ماده‌ی اول<sup>۱</sup> و هم در ماده‌ی دوم تصریح می‌کند که دارد برای همه‌ی این موارد برنامه‌ای را تدوین می‌کند. این برنامه، برای این است که اگر در حریم این اماکن و تأسیسات کارهایی انجام می‌شود، بر حسب یک سری ضوابط و مقررات صورت بگیرد. در ماده (۲) مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها را بر عهده شورای عالی امنیت ملی گذاشته است. در ذیل این ماده هم آورده است که شورای عالی امنیت ملی می‌تواند این مسئولیت را حسب تعلق اماکن و تأسیسات بخش لشکری به ستاد کل نیروهای مسلح واگذار کند.

**آقای علیزاده -** الان ما به این احکام ایراد داریم.

**آقای سلیمی -** پس ستاد کل نیروهای مسلح می‌تواند برای همان قسمت‌هایی که به مسائل امنیتی نیروهای خودش مربوط می‌شود، تعیین تکلیف کند، نه تأسیساتی که در رابطه با همه‌ی واحدها و ادارات کشور است. بنابراین به نظر می‌رسد که این مصوبه اعم از آن چیزی است که در سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل مطرح شده است. در آنجا فقط مسائل خاصی در مورد تأسیسات نظامی، به آن مرکز محول شده است که آقایان مسئول دارند در آنجا انجام وظیفه می‌کنند، ولی این مصوبه دارد برای کل واحدها و ادارات کشور تعیین تکلیف می‌کند.

**آقای ره‌پیک -** کجا؟

**آقای سلیمی -** ستاد کل نیروهای مسلح؛ آن کاری که در ستاد

پدافند غیرعامل می‌گویند مثلاً اگر می‌خواهند یک جایی در کنار یک تأسیساتی لوله بکشند، از ما استعلام می‌کنند و ما باید جواب آنها را بدهیم، ولی الان مجلس آمده و تصویب کرده است که شورای عالی امنیت ملی این وظیفه را انجام بدهد.

**آقای مدرسی یزدی -** البته شورای عالی امنیت ملی هم می‌تواند این وظیفه را به ستاد مشترک واگذار بکند.

**آقای اسماعیلی -** بله، می‌تواند به اینها واگذار کند.

**آقای ره‌پیک -** نه.

**آقای علیزاده -** نه، اگر سیاست‌های کلی، یک مرجع خاصی برای انجام این امور پیش‌بینی شده باشد و در آنجا گفته باشند که وظایفی را به آن مرجع بدهید، الان مجلس نمی‌تواند بیاید آن وظایف را به جای دیگری ارجاع بدهد. به نظر من، با توجه به حرف‌هایی که آقایان مسئول این سازمان گفته‌اند و از طرفی مهلت این قانون هم هنوز باقی است، مرکز تحقیقات [= پژوهشکده‌ی شورای نگهبان] یک جلسه‌ای بگذارد و صحبت مسئولان این سازمان را بشنود.

**آقای ره‌پیک -** ما دیروز با آنها جلسه گذاشتیم، منتها بحث تمام نشد.

**آقای علیزاده -** باید حرف‌های مسئولان این سازمان را بشنود و ببیند کجاها این مصوبه با سیاست‌های کلی معارض است و آنها را تعیین بکنند. مجلس حتماً می‌تواند در مورد سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل قانون وضع بکند؛ چون در آخر عبارت بند (۱۳) سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل آمده است این کارها از طریق تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها صورت می‌گیرد. مقررات و قانون را هم باید مجلس بنویسد. اما اینکه آقایان مسئولان سازمان پدافند غیرعامل می‌گویند که این مصوبه چیزی از وظایف مرکز پدافند کم کرده است و به شورای عالی امنیت ملی داده است، این، خلاف سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل است؛ چون هر چند مقررات و قانون را باید مجلس بنویسد، ولی نه اینکه بگویم مجلس می‌تواند بیاید مواردی را به این قانون [= سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل] اضافه بکند. آیا چنین وظیفه‌ای به عهده‌ی خود شورای عالی امنیت ملی قرار داده شده است یا نه؟ ما باید مواردی را که مربوط به قانون است، از جهت قانون اساسی بررسی بکنیم؛ اما اگر مقام معظم رهبری در راستای ابلاغ سیاست‌های کلی نظام فرموده باشند که مرکزی برای پدافند غیرعامل به وجود بیاید، اگر این مصوبه بیاید و این وظایف را از این مرکز بگیرد و به جای دیگری واگذار کند، از این جهت خلاف سیاست‌های کلی است.

۱. ماده (۱) لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- تأمین حفاظت و امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده کشور اعم از نظامی، انتظامی، امنیتی و کشوری و رعایت حریم آنها بر اساس مفاد این قانون لازم‌الاجراء است.»

**آقای اسماعیلی -** حالا اگر این مصوبه با سیاست‌های کلی هم مغایر باشد، ما که ایراد نمی‌گیریم. ما باید بند به بند مصوبه را بخوانیم و ببینیم آن بندها ایراد دارد یا ندارد؟

**آقای یزدی -** بله، بند به بند مصوبه را بخوانید.

**آقای اسماعیلی -** ما باید ماده به ماده‌ی مصوبه را بخوانیم و جلو برویم. این، یک ایراد کلی است که باید ببینیم اگر این مصوبه همین‌طور است، آخر سر این ایراد را مطرح کنیم.

**آقای رهپیک -** خب، اگر واقعاً این مصوبه این ایراد کلی را دارد، برای چه آن را بخوانیم؟

**آقای اسماعیلی -** اگر ایراد این چیزی باشد که شما می‌گویید، ما این ایراد را قبول نداریم. اما اگر حرف‌های دیگری مطرح است که [اعضای مجمع مشورتی حقوقی] نرسیده‌اند آنها را بررسی کنند، خب آنها را برای هفته‌ی بعد بررسی کنند و به ما بدهند. الآن شروع کنید ماده (۱) و (۲) را بخوانید تا ببینیم مفادش چیست.

**آقای رهپیک -** اولین ماده گفته است که شورای عالی امنیت ملی این کارها را بکند.

**آقای اسماعیلی -** خب.

**آقای علیزاده -** سؤال این است که آیا مجلس می‌تواند چنین چیزی را بگوید؟

**آقای رهپیک -** می‌تواند بگوید یا نه؟

**آقای اسماعیلی -** خب مسئله همین است.

**منشی جلسه -** «ماده ۱- تأمین حفاظت و امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده کشور اعم از نظامی، انتظامی، امنیتی و کشوری و رعایت حریم آنها بر اساس مفاد این قانون لازم‌الاجراء است.»

**آقای علیزاده -** الآن اطلاق همین ماده (۱) شامل وظایف شورای عالی امنیت ملی هم می‌شود که در قانون اساسی آمده است.

**آقای یزدی -** یعنی مصوبات شورای عالی امنیت ملی هم لازم‌الاجراء است.

**آقای اسماعیلی -** بله.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، مقصود ایشان این است که این مصوبه، برای شورای عالی امنیت ملی هم لازم‌الاجراء است.

**آقای علیزاده -** ماده (۱) می‌گوید تأمین حفاظت و امنیت اماکن بر اساس این قانون است، حال اینکه اصل (۱۷۶) قانون اساسی می‌گوید سیاست‌های کلی برای تأمین حفاظت از طریق شورای عالی امنیت ملی است که باید آن را تهیه بکند.

کل نیروهای مسلح دارد انجام می‌شود، [مربوط به مسائل نظامی است].

**آقای رهپیک -** نه، سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل عام است. ستاد کل نیروهای مسلح یک کمیته‌ای دارد که اول به هر دو تا [= مسائل نظامی و غیر نظامی] رسیدگی می‌کرد، بعداً تفکیک شد، ولی الآن دوباره می‌گویند ادغام شود.

**آقای سلیمی -** علی‌ای‌حال، این کمیته دارد در اتاق ستاد کل نیروهای مسلح کارش را انجام می‌دهد.

**آقای علیزاده -** نه.

**آقای رهپیک -** نه، کار این کمیته، انجام امور مربوط به پدافند غیرعامل کشور است.

**آقای سلیمی -** پدافند غیرعامل کجا؟ پدافند غیرعامل کل کشور را به ستاد کل نیروهای مسلح داده‌اند؟

**آقای اسماعیلی -** بله، کار این کمیته، فقط مربوط به مسائل نظامی نیست؛ اصلاً «غیرعامل»، یعنی «غیر نظامی».

**آقای سلیمی -** نه، معنای غیرعامل این است که تحفظ [بر اماکن و تأسیسات]، عامل نیست.

**آقای مدرس یزدی -** منظور از پدافند غیرعامل، تحفظ‌های غیرعامل است.

**آقای رهپیک -** بله.

**آقای سلیمی -** یعنی ما به صورت زیربنایی کاری می‌کنیم که حفاظت‌ها خودبه‌خود انجام می‌شود و نیاز به این نباشد که مثلاً جایی نگهبان بگذاریم تا بایستد و حفاظت بکند. حفاظت‌ها به این سبک انجام می‌شود. موضوع این مصوبه، غیر از موضوع سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل است. موضوع این مصوبه، غیر از موضوع آنجا [= پدافند غیرعامل] است. موضوع آن سیاست‌ها، موضوع خاص است، ولی موضوع این مصوبه، عام است. احکام این مصوبه دارد برای همه‌ی کشور در همه‌ی تأسیسات مربوط به واحدهای مختلف کشوری انجام می‌شود.

**آقای علیزاده -** این مصوبه، هم برای مجموعه‌های نظامی و هم برای غیرنظامی این احکام را گفته است.

**آقای مدرس یزدی -** سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل هم همین‌طور است.

**آقای علیزاده -** این مصوبه هم همین‌طور است.

**آقای اسماعیلی -** خب، حالا مصوبه را بخوانید.

**آقای علیزاده -** اول سیاست‌های کلی را بخوانید تا ببینیم چه گفته است.

**آقای یزدی -** همین ماده‌ی اول می‌گوید تأمین حفاظت و رعایت حریم بر اساس این قانون لازم است.

**آقای علیزاده -** بله، بر اساس مفاد این قانون است؛ یعنی مقررات دیگر لازم نیست، و حال اینکه اصل (۱۷۶) قانون اساسی می‌گوید: «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.

۱- تعیین سیاست‌های دفاعی- امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری

۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی- امنیتی

۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی...» این ماده (۱) شامل وظایف مربوط به شورای عالی امنیت ملی هم می‌شود. این ماده می‌گوید تأمین حفاظت و امنیت اماکن باید بر اساس این قانون باشد. این ماده اشکال دارد و اطلاق آن خلاف قانون اساسی است.

**آقای اسماعیلی -** اینکه باید برای اماکن و تأسیسات کشور یک حریمی مشخص بشود و از آن حفاظت بشود، امر مسلمی است. حالا این قانون آمده است و می‌گوید حریم‌ها به این شکل تعیین و حفاظت بشود و اینکه حریم چقدر باشد و باید چقدر از آن حفاظت بشود را هم شورای عالی امنیت ملی باید معین کند. یعنی این مصوبه از شورای عالی امنیت ملی اختیار را سلب نکرده است، بلکه اتفاقاً دارد تصریح می‌کند که این تعیین حریم حفاظت، جزء اختیارات آن شورا است.

**آقای یزدی -** بله، ظاهراً این ماده اشکالی ندارد.

**آقای اسماعیلی -** اگر خود این مصوبه می‌آمد و مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی را تعیین می‌کرد حرفی نبود [و اشکال شما درست بود]، ولی می‌گوید تعیین این حریم، جزو اختیارات شورای عالی امنیت ملی است و این شورا نباید آنها را معین کند. این مصوبه، وارد حوزه‌ی اختیارات شورا نشده است، بلکه خود این مصوبه کاملاً خودش را از این حوزه جدا کرده است.

**آقای علیزاده -** ماده (۱) می‌گوید: «ماده ۱- تأمین حفاظت و امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده کشور اعم از نظامی، انتظامی، امنیتی و کشوری و رعایت حریم آنها بر اساس مفاد این قانون لازم‌الاجراء است.» این ماده می‌گوید، این مسائل مطابق این قانون است.

**آقای اسماعیلی -** بله، طبق این قانون است و مطابق این قانون است، ولی بعد که این مصوبه را می‌خوانیم، می‌بینیم که می‌گوید شورای عالی امنیت ملی بیاید این رده‌ها را معین کند.

**آقای یزدی -** بله.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این ایراد که حل نشد؛ چون اصلاً ماده‌ی اول این مصوبه، خلاف قانون اساسی است.

**آقای اسماعیلی -** این ماده، خلاف قانون اساسی نیست؛ چون [بر اساس ماده (۲) این مصوبه]، خود شورای عالی امنیت مالی این رده‌ها را تعیین می‌کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نمی‌شود با خود این مصوبه، خلاف قانون اساسی بودن را رفع کرد. این معنایش این است که اگر این ماده (۲) نبود، آن وقت این مصوبه خلاف قانون اساسی نبود.

**آقای ره‌پیک -** نه، حتی اگر ماده (۲) هم باشد که می‌گوید شورای عالی امنیت ملی این کار را بکند، می‌گوییم خیلی خوب این مصوبه از باب تسامح، اشکالی ندارد؛ ولی در این مصوبه یک چیزهایی در مورد حفظ حریم و مقررات حریم گفته است که خود این مصوبه دارد آن مقررات را تصویب می‌کند.

**آقای ابراهیمیان -** ما به آن مواد اشکال بگیریم.

**آقای علیزاده -** ماده (۲) تماماً اشکال دارد.

**آقای ره‌پیک -** صرف نظر از ماده (۲)، این مصوبه آمده است حریم را تعریف کرده است و گفته است طبق یک آیین‌نامه‌ای اسکان و اشتغال در این حریم چگونه باشد.<sup>۱</sup> این مصوبه دارد این مقررات را وضع می‌کند. شورای عالی امنیت ملی کشور یا آن مرجعی که باید این مقررات را تصویب بکند، این مقررات را وضع نکرده است. اطلاق و عموم این ماده که می‌گوید همه‌ی مقررات این قانون لازم‌الاجراء است، مغایر [اصل (۱۷۶)] قانون اساسی است.

**آقای یزدی -** ماده (۲) می‌گوید تعیین حدود آن حریم‌ها بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی است.

۱. ماده (۵) لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «۵- دستگاه‌های اجرایی می‌توانند پس از تعیین و تصویب حریم، برای برقراری امنیت با توجه به وضعیت اماکن مجاور، به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص، حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اجرایی این قانون، اقدام نمایند. تبصره- اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی، ناقض امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده نباشد با رعایت الزامات آیین‌نامه اجرایی این قانون بلامانع است.»

فعالیت‌های سیاسی، بهره‌گیری از امکانات برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی. اصلاً تعیین محدوده‌ی حفاظتی جزء هیچ کدام از این وظایف نیست. اسم این مصوبه هم سیاست‌گذاری یا تعیین سیاست نیست؛ یعنی یک امر خیلی جزئی‌تری است.

**آقای رهپیک -** چرا؛ تعیین این چیزها، در واقع، گذاشتن ضابطه است.

**آقای ابراهیمیان -** این ضابطه نظیر قاعده است؛ اسم آن که سیاست‌گذاری نیست. شما قاعده را به صورت جزئی می‌فرمایید.

**آقای رهپیک -** البته تعیین تدابیر امنیتی کار شورای عالی امنیت ملی است.

**آقای علیزاده -** مجلس نمی‌تواند این را بگوید.

**آقای ابراهیمیان -** بله، نمی‌تواند.

**آقای رهپیک -** یک وقتی در شورای نگهبان حضرت آیت‌الله شاهرودی یک چیزی در مورد سیاست‌ها اشاره کردند که آن سیاست‌ها با این سیاست‌ها فرق می‌کند. یک بار ما در مورد سیاست‌های قضایی این را ایراد گرفتیم. این سیاست‌ها با آن سیاست‌ها فرق می‌کند. در سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل گفته است یک مرکزی این کار را بکند. اینها یک آیین‌نامه‌ای دارند که در آن آیین‌نامه، یک مرکزی برای انجام این کار تعیین شده است. آن قاعده‌ی کلی که ما می‌گوییم به سیاست‌های کلی ورود نکنیم، با این سیاست‌ها فرق می‌کند. الان با این وضع، دو تا مرکز برای انجام این کارها ایجاد می‌شود.

**آقای علیزاده -** ماده (۲) که مسلماً خلاف قانون اساسی است.

**آقای سوادکوهی -** ماده (۳)<sup>۱</sup> هم همین‌طور است. ماده (۳) هم یک وظیفه‌ی دیگری بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی می‌گذارد.

**آقای علیزاده -** ماده (۳) را که هنوز نخوانده‌ایم. ماده (۲) ایراد دارد و خلاف قانون اساسی است؛ چون برای شورای عالی امنیت ملی وظیفه تعیین می‌کند.

**آقای رهپیک -** حالا فرض کنیم این مصوبه بگوید فقط تعیین حدود بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی است، ولی شما مواد دیگر مثل ماده (۴)، ماده (۵) و ماده (۷) را بخوانید.

**آقای یزدی -** ما باید این مواد را یکی یکی بخوانیم و هر ماده‌ای که اشکال دارد، بگوییم اشکال دارد.

**آقای رهپیک -** خب الان ماده‌ی اول اشکال دارد.

**آقای یزدی -** ایراد ماده‌ی اول را رأی بگیرید.

**آقای علیزاده -** شما می‌گویید ماده‌ی اول اشکال دارد؟

**آقای یزدی -** ما می‌گوییم اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده -** این مصوبه بر طبق اصل (۱۷۶) قانون اساسی که گفته است حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون تعیین می‌کند، تصویب شده است، در حالی که شورای عالی امنیت ملی [بر اساس بند (۱) اصل (۱۷۶)] باید در محدوده‌ی سیاست‌های کلی که مقام معظم رهبری آنها را تعیین می‌کند، سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور را تعیین کند.

**آقای جنتی -** ما که مسئول [بررسی مغایرت مصوبات مجلس با] سیاست‌های کلی نیستیم.

**آقای علیزاده -** نه، ما نمی‌گوییم این مصوبه خلاف سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل است. عرض من این است که مجلس نمی‌تواند برای شورای عالی امنیت ملی وظیفه تعیین کند و نمی‌تواند بگوید این شورا این کارها را انجام می‌دهد. عرض ما این است که قانون اساسی گفته است شورای عالی امنیت ملی بر اساس سیاست‌های کلی که مقام معظم رهبری تعیین می‌کند، عمل می‌کند. قانون فقط می‌تواند وظایف شوراهای فرعی را تعیین کند، در حالی که این مصوبه برای خود شورای عالی امنیت ملی وظیفه تعیین کرده است. به قول شما مجلس طبق قانون اساسی چنین اختیاری ندارد. این مسئله را قبلاً هم اینجا گفته‌ایم. قسمت اخیر اصل (۱۷۶) مفهوم دارد. قسمت اول [= بند (۱) اصل (۱۷۶)] می‌گوید شورای عالی امنیت ملی بر اساس سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری عمل می‌کند و قسمت ذیل اصل (۱۷۶) گفته است قانون، حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را معین می‌کند؛ یعنی قانون نمی‌تواند برای خود شورای عالی امنیت ملی وظیفه تعیین کند. اصلاً واقعاً چیزی در آنجا [= مسئله‌ی تعیین حریم اماکن و تأسیسات] وجود دارد که باید با نظر شورای عالی امنیت ملی باشد؟

**آقای ابراهیمیان -** شورای عالی امنیت ملی در قانون اساسی سه تا وظیفه‌ی اصلی دارد: تعیین سیاست دفاعی، هماهنگ نمودن

۱. ماده (۳) قانون تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند در هنگام احداث اماکن و تأسیسات مشمول این قانون، حریم حفاظتی لازم را داخل اراضی طرح یا پیرامون آن پیش‌بینی نمایند. اجرای طرح‌های عمرانی نظیر شبکه‌های انتقال و توزیع آب، فاضلاب، برق، گاز، مخابرات و راه در اراضی واقع در حریم‌های حفاظتی و امنیتی، به شرطی مجاز است که به تشخیص شورای عالی امنیت ملی، ناقض امنیت این اماکن نباشد.»



**آقای مدرس‌ی یزدی -** بله.

**آقای علیزاده -** اتفاقاً شورای عالی امنیت ملی باید با نظر مقام معظم رهبری رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و حدود آنها را تعیین کند و مجلس باید آن سیاست‌ها را رعایت کند، نه اینکه مجلس به شورای عالی امنیت ملی بگوید من برای تو وظیفه تعیین می‌کنم.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** عیبی ندارد؛ ولی اگر مجلس بگوید ما حرف شورای عالی امنیت ملی را در تصویب قوانین رعایت می‌کنیم، این حرف که خلاف قانون اساسی نیست دیگر. این کار، عیبی ندارد. لذا اگر تعیین سیاست‌های حفاظتی با شورای امنیت ملی مقرر شده باشد، مانعی ندارد.

**آقای ره‌پیک -** بله، اینکه تشخیص این موارد با شورای عالی امنیت ملی باشد، مانعی ندارد؛ یعنی اگر این مصوبه می‌گفت تشخیص و تعیین ضابطه با شورای عالی امنیت ملی است، مشکلی نداشت. این مانعی ندارد.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** منتها مسئله فراتر از این است.

**آقای ره‌پیک -** بله، این مصوبه، فراتر از این رفته است؛ چون در این مصوبه، به قواعد تعیین حریم و اینکه این قواعد چگونه باشد، ورود شده است.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** اصلاً تعیین رده‌های حفاظتی هم با خود شورای عالی امنیت ملی است؛ مگر شورای عالی امنیت ملی کار دیگری هم دارد؟ تعیین رده که می‌تواند بکند؛ اصلاً این کار، تخصص خود این شورا است.

**آقای علیزاده -** یعنی وظیفه‌ی شورای عالی امنیت ملی فقط این کار است؟ اگر این وظیفه‌ی شورای عالی امنیت ملی است، مجلس نمی‌تواند در این مورد قانون وضع کند و اگر مجلس می‌خواهد وظیفه‌ی اضافی به شورای عالی امنیت ملی بدهد، باز هم طبق قانون اساسی نمی‌تواند چنین کاری بکنند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** آنچه که در اصل (۱۷۶) قانون اساسی آمده است، تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی از سوی شورای عالی امنیت ملی است، ولی در این ماده، تشخیص حدود و تعریف مصادیق مسائل را جزء وظایف این شورا آورده‌اند؛ تعیین سیاست در آن نیست.

**آقای علیزاده -** منظور من ماده (۲) است. این مسائل، وظیفه‌ی شورای عالی امنیت ملی نیست و مجلس نمی‌تواند چنین چیزی را [به عنوان وظیفه برای شورای عالی امنیت ملی] مقرر کند.

**آقای اسماعیلی -** بنابراین طبق این فرمایش شما، هر چیزی که در حوزه‌ی اختیارات شورای عالی امنیت ملی قرار می‌گیرد، نمی‌تواند قانونمند باشد.

**آقای علیزاده -** بله قبلاً این را گفته‌ایم؛<sup>۱</sup> الان هم همین را می‌گوییم.

**آقای اسماعیلی -** یعنی چنین چیزی نمی‌تواند قانونمند بشود؟! نمی‌تواند قانون داشته باشد؟! معنای حرف شما، این است؟! **آقای مدرس‌ی یزدی -** این فراتر از آن است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خود مجلس قانون مربوط به وظایف این شورای عالی امنیت ملی را معین می‌کند.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** نه، مانعی ندارد که وظایف این شورا قانونی بشود، ولی این مصوبه فراتر از آن است.

**آقای اسماعیلی -** حالا فراتر بودن این مصوبه را بررسی کنید. اصل اینکه مصوبه‌ی مجلس در حیطه‌ی وظایف شورای عالی امنیت وارد شده است، اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده -** نه، این اشکال دارد.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** این موضوع مثل این است که بگویند رئیس جمهور با انتخابات مشخص می‌شود.

**آقای ره‌پیک -** اصلاً ما قانون انتخابات رئیس جمهور را داریم.

۱. شورای نگهبان تا کنون در موارد متعدد، تعیین وظیفه برای شورای عالی امنیت ملی را مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی دانسته است؛ به عنوان نمونه، در بند (۹) نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۳/۲ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی آمده است: «۹- در بند (ب) ماده (۲۹)، تعیین ضابط با مصوبه شورای عالی امنیت ملی، مغایر اصول (۸۵) و (۱۷۶) قانون اساسی شناخته شد.» متن بند (ب) ماده (۲۹) لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۳/۲ بدین شرح بود: «ماده ۲۹- ضابطان دادگستری عبارتند از: الف- ...

ب- ضابطان خاص شامل مقامات و مأموران که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه شورای عالی امنیت ملی، تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.» برای آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتحی، محمد، کوهی اصفهانی، کاظم و صالحی، محمد، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد چهارم (اصول ۱۱۳ تا ۱۷۷ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶، ذیل اصل یکصد و هفتاد و ششم، صص ۸۰۴-۸۱۳.

قانون بلامانع است.» حالا غیر از اشکال این تبصره که بیان کرده است نحوه‌ی اسکان اتباع بیگانه بر اساس آیین‌نامه باشد، اشکال دیگری هم این ماده دارد و آن این است که دارد می‌گوید ضوابط و تدابیر اسکان و اشتغال که یک امر امنیتی است و باید شورای عالی امنیت ملی آن را تعیین کند، بر طبق این قانون تعیین می‌شود. این حکم، اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** ماده (۲) جزء وظایف شورای عالی امنیت ملی است؟ آنچه که در آن بندهای سه‌گانه اصل (۱۷۶) قانون اساسی گفته شده است، واقعاً شامل همه‌ی اینها می‌شود؟

**آقای رهپیک -** تدابیر دفاعی - امنیتی، عام است.

**آقای علیزاده -** طبق اصل (۱۷۶) قانون اساسی وظایف شورای عالی امنیت ملی مقید به قانون نیست. این اصل در مورد شوراهای فرعی گفته است که قانون آن را تعیین می‌کند. اگر این اصل می‌خواست شورای اصلی شورای عالی امنیت ملی هم به همین شکل باشد، در این مورد هم همین را می‌گفت. چند وقت پیش همین موضوع در شورای نگهبان مطرح شد و ما به آن ایراد گرفتیم.

**آقای رهپیک -** الان آن موضوع، مورد اشکال نیست.

**آقای علیزاده -** طبق ماده (۲) این مصوبه، این موارد را این قانون تعیین می‌کند؛ در حالی که این موارد را اصل (۱۷۶) قانون اساسی بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی گذاشته است. **آقای سوادکوهی -** نه.

**آقای علیزاده -** مفاد بندهای سه‌گانه‌ی اصل (۱۷۶) همین است که ماده (۲) می‌گوید.

**آقای رهپیک -** یعنی شما می‌گویید اگر بخواهند یک تدابیر و ضوابطی برای حفاظت در رده‌بندی اماکن حساس کل کشور، مثل سازمان انرژی اتمی و مراکز نظامی بگذارند، در صلاحیت شورای عالی امنیت ملی نیست؟

**آقای ابراهیمیان -** نه، قانون اساسی هم نگفته است که تدابیر را شورای عالی امنیت ملی بیندیشد؛ قانون اساسی گفته است شورا این تدابیر را هماهنگ کند.

**آقای رهپیک -** بند (۱) اصل (۱۷۶) چیست؟

**آقای ابراهیمیان -** بند (۱) درباره‌ی تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی است. تعیین سیاست‌ها با تدابیر جزئی و مصداقی فرق می‌کند. سیاست‌گذاری با ورود به جزئیات قانون‌گذاری فرق می‌کند. هر کدام یک رتبه‌ی خاصی دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این تدابیر مربوط به تطبیق و مصداق

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا؟ قانون می‌گوید تعیین مصداق را هم به همان مرجعی که سیاست‌ها را معین می‌کند می‌دهیم تا آن مصداق را هم بیان کند.

**آقای علیزاده -** ما می‌گوییم مجلس نمی‌تواند این کار را بکند؛ چون ذیل اصل (۱۷۶) قانون اساسی گفته است حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را «قانون» معین می‌کند، ولی «قانون» نمی‌تواند وظایف شورای اصلی را تعیین کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، الان این «قانون» تعیین مصداق را به عنوان وظیفه برای شورا نمی‌داند، بلکه می‌گوید تو این مصداق را معین کن؛ یعنی این اختیار را به شورای عالی امنیت ملی داده است، نه اینکه برای او وظیفه تعیین کند؛ یعنی مجلس دارد با این مصوبه، یک امتیازی به این شورا می‌دهد.

**آقای رهپیک -** در این حد که شما می‌فرمایید، اشکالی ندارد. ماده (۲) این مصوبه می‌گوید تشخیص تدابیر امنیتی که یک مصداق آن حفاظت اماکن است با شورای عالی امنیت ملی است. این مطلب که ایرادی ندارد؛ مثل قید احترازی می‌ماند [که بدین معنا است که چنین تشخیصی] با کس دیگری نباشد، بلکه با تو باشد.

**آقای علیزاده -** آیا این کار از وظایف شورای عالی امنیت ملی است یا نیست؟

**آقای رهپیک -** این کار، جزء مصداق تدابیر امنیتی - دفاعی است. در چارچوب سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف رهبری، جزء تدابیر محسوب می‌شود. اصل این کار که اشکالی ندارد، اما اشکال ماده (۱) این است که گفته است مفاد این قانون، لازم‌الاجراء است. اگر فقط می‌گفت که شورای عالی امنیت ملی این کارها را بکند و این‌گونه تشخیص بدهد ایرادی نداشت، ولی این مصوبه غیر از این را گفته است؛ گفته است اگر خواستید آنجا اسکان بدهید، این‌طوری عمل کنید. این حکم [الزامی]، اشکال دارد؛ چون به وظایف شورای عالی امنیت ملی ورود کرده است. این مصوبه در مورد اینکه اسکان اتباع بیگانه چگونه باشد، حکم دارد. ماده (۵) دارد تعیین تکلیف می‌کند: «ماده ۵- دستگاه‌های اجرایی می‌توانند پس از تعیین و تصویب حریم، برای برقراری امنیت با توجه به وضعیت املاک مجاور، به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص، حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اجرایی این قانون، اقدام نمایند.

تبصره- اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی، ناقض امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده نباشد با رعایت الزامات آیین‌نامه اجرایی این

به شورای عالی امنیت ملی بگویید این کار را بکنید.<sup>۱</sup> همین چند وقت پیش بود که شما وظیفه‌ی شورای فرعی را تعیین کردید.

**آقای ابراهیمیان -** ما به صورت کلی مداخله‌ی قانون‌گذار را نفی نمی‌کنیم. خود حضرت‌عالی هم فرمودید که قانون‌گذار می‌تواند در قالب تعیین حدود اختیارات و وظایف شوراها فرعی شورای عالی امنیت ملی مداخله کند. دو تا شورا هست؛ این شورا وظایفی دارد، آن شورا هم وظایفی دارد.

**آقای مدرس‌یزدی -** اگر مجلس وظایف را به شوراها فرعی ارجاع ندهد، ولی از این طرف به خود شورای عالی امنیت ملی هم ارجاع ندهد، اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده -** مجلس نمی‌تواند به خود شورای عالی امنیت ملی وظایفی را ارجاع بدهد، ولی به شورای فرعی آن می‌تواند ارجاع بدهد.

**آقای ره‌پیک -** معنای این حرف این است که کس دیگری این وظیفه را انجام ندهد.

**آقای علیزاده -** مجلس نمی‌تواند این را بگوید؛ چون اصلاً وظایف شورای عالی امنیت ملی به این کلیت نیست.

**آقای مدرس‌یزدی -** ماده (۲) تعیین کرده است که [شورای عالی امنیت ملی می‌تواند این وظایف را] به ستاد کل نیروهای مسلح یا شورای امنیت کشور ارجاع بدهد، نه اینکه اصلاً بخواهد شورای عالی امنیت ملی این وظایف را به اینها ارجاع ندهد.

**آقای علیزاده -** به صورت کلی شورای عالی امنیت ملی یک وظیفه‌ای دارد، ولی این ماده می‌گوید حدود پاسگاه فلان قسمت را هم باید آن شورا تعیین کند.

**آقای ره‌پیک -** نه، این مصوبه نمی‌گوید که این شورا حدود

است؛ خیلی با تعیین سیاست‌ها منافاتی ندارد.

**آقای علیزاده -** این تعیین مصادیق، اصلاً آن تعیین سیاست‌ها [مذکور در بند (۱) اصل (۱۷۶) قانون اساسی] نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اگر آن نیست، پس این مصوبه چه اشکالی دارد؟ چه اشکالی دارد که قانون، تعیین این مصادیق را به شورای عالی امنیت ملی بدهد.

**آقای علیزاده -** نمی‌تواند بدهد.

**آقای ابراهیمیان -** نکته این است که وقتی قانون اساسی صلاحیت دستگاهی مثل وزارت دادگستری را بیان می‌کند، آیا ما می‌توانیم مواردی را به آن اضافه کنیم یا نه؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** این مصوبه می‌گوید حالا که شورای عالی امنیت ملی سیاست‌هایش را تعیین کردید، مصادقش را هم خودتان معین کنید. این چه اشکالی دارد؟

**آقای علیزاده -** نمی‌تواند این را بگوید.

**آقای جنتی -** آقای علیزاده، شما از قانون اساسی استنباط می‌کنید که شرح وظایف و اختیارات شورای عالی امنیت ملی باید با خود آن شورا باشد؟

**آقای علیزاده -** بله.

**آقای سوادکوهی -** بله، همین‌طور است؛ غیر از این نیست.

**آقای جنتی -** کجا این را گفته است؟

**آقای علیزاده -** ذیل اصل (۱۷۶) را بخوانید؛ تعیین وظایف و اختیارات شورای عالی امنیت ملی را مقید به قانون نکرده است. ما قبلاً در مورد این موضوع همین‌جا نظر داده‌ایم.

**آقای جنتی -** نه، ذیل این اصل می‌گوید: [«... حدود اختیارات و وظایف شوراها فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد...»]

**آقای مدرس‌یزدی -** حالا من از شما یک سؤال می‌کنم. اگر در جایی شورای عالی امنیت ملی نخواست رده‌ی حفاظت را تعیین کند، آیا خلاف این قانون عمل کرده است یا نه؟

**آقای سوادکوهی -** بله، خلاف این قانون عمل کرده است.

**آقای علیزاده -** بله.

**آقای مدرس‌یزدی -** پس قانون نمی‌تواند برای این شورا محدودیت ایجاد کند.

**آقای سوادکوهی -** درست است.

**آقای علیزاده -** شما قبلاً هم این ایراد را گفته‌اید. قبلاً مسائلی در مصوبات مجلس در خصوص قانون برنامه و بعضی از مصوبات دیگر آمده بود که ما به مجلس گفتیم شما نمی‌توانید

۱. نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۹۶۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۶ شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «در فراز آخر ماده (۱۸۳)، تصویب آیین‌نامه توسط شورای عالی امنیت ملی، مغایر اصول (۱۳۸)، (۱۵۷) و (۱۷۶) قانون اساسی است.» متن ماده (۱۸۳) لایحه برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده ۱۸۳- وزارت اطلاعات موظف است با هدف دفاع از حاکمیت و منافع ملی و تقویت تعامل با جامعه اطلاعاتی و پیشگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم اطلاعاتی و امنیتی داخلی و خارجی به‌ویژه استخبار جهانی اقدامات زیر را انجام دهد: ... آیین‌نامه این ماده حداکثر تا پایان سال اول برنامه توسط وزارت اطلاعات و همکاری معاونت تهیه و به تصویب شورای عالی امنیت ملی می‌رسد.»

همه‌ی این مسائل باید به شورای عالی امنیت ملی برود؛ تعیین مصداق و تعیین سیاست، هر دو «سیاست» است.

**آقای علیزاده** - این مصوبه نمی‌خواهد این مطلب را بگوید. کجایش این را گفته است؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - آخر این ماده، در مورد همین مطلب است.

**آقای مدرسی یزدی** - این مطلب، یک مطلب اضافه‌ای است. حالا اگر شورای عالی امنیت ملی نخواست که در تعیین مصادیق دخالت کند، چه می‌شود؟ آقای علیزاده می‌گوید که این ماده دارد این شورا را محدود می‌کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - شورای عالی امنیت ملی می‌تواند هر کاری بکند؛ مثلاً این شورا می‌تواند یک کارگروه برای این کار درست بکند.

**آقای علیزاده** - مجلس دارد شورای عالی امنیت ملی را الزام به این وظایف می‌کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه، الزام نکرده است که خود این شورا برود و مستقیماً این وظایف را انجام بدهد.

**آقای علیزاده** - ما در مورد مداخله‌ی مجلس در وظایف شورای عالی امنیت ملی، قبلاً هم بحث کرده‌ایم. تا آنجایی که من یادم است، ما در وصول قانون این حرف را زدیم.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این ماده چیزی نگفته است؛ گفته است این وظیفه را به شورای عالی امنیت ملی کشور بده تا شوراهای زیرمجموعه‌ی آن، کارهایی را که می‌توانند، انجام دهند.

**آقای علیزاده** - این ماده نمی‌تواند این مطلب را بگوید.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چرا؟ امنیت مربوط به شوراهای فرعی است که مجلس وظایف و اختیارات آنها را معین می‌کند. ستاد کل نیروهای مسلح خیلی حساس است؛ به همین خاطر، موضوعش را هم به خود آنها داده است.

**آقای علیزاده** - همین چند وقت پیش، یک مصوبه‌ای به شورای نگهبان آمد که در آن می‌خواست یک شورایی را به عنوان شورای فرعی شورای عالی امنیت ملی تشکیل بدهد، ولی ما گفتیم مجلس حق ندارد این کار را بکند.<sup>۱</sup>

پاسگاه را تعیین کند؛ این مصوبه می‌گوید اینکه مثلاً رده‌های حفاظتی فلان نوع از اماکن و تأسیسات باید این مقدار باشد را این شورا تعیین کند. این شورا اماکن حساس، حیاتی و محرمانه را تعیین می‌کند و در آن موارد ضابطه ارائه می‌دهد. بعد از آن، باید بروند و درباره‌ی موارد مختلف ببینند که هر موردی جزء کدام یک از این رده‌ها است.

**آقای مدرسی یزدی** - بله، عیبی ندارد؛ این وظیفه، مربوط به تعیین رده‌ها است. این شورا باید برای این رده‌ها ضابطه تعیین کند؛ مثلاً این شورا می‌گوید تمام پاسگاه‌ها [در این رده‌ی حفاظتی قرار می‌گیرند].

**آقای سوادکوهی** - این مصوبه دارد برای شورای عالی امنیت ملی تکلیف تعیین می‌کند.

**آقای علیزاده** - اگر ما این وظایف را خیلی بالا در نظر بگیریم، آن وقت این وظایف جزء وظایف شوراهای فرعی این شورا می‌شود. اصلاً سیاستی که در قانون اساسی با عنوان تعیین سیاست‌ها آمده است، به این معنا نیست؛ «تعیین سیاست‌ها»، یعنی اینکه کلیات را تعیین شود تا بر اساس آن مقررات وضع بشود؛ معنای سیاست این است. [وظایف شورای عالی امنیت ملی طبق اصل (۱۷۶) قانون اساسی چنین است]: «۱- تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری

۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی.

۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.» خب کجای این اصل گفته است که وظایف این شورا این طوری باشد که این مصوبه گفته است؟

**آقای جنتی** - پس وظیفه‌ی این شورا تعیین سیاست‌ها است.

**آقای علیزاده** - بله، ولی این مصوبه دارد می‌گوید شورای عالی امنیت ملی بیاید و در حد یک مسئول آیین‌نامه‌نویس یا در حد یک رئیس اداره، رده‌های حفاظتی و غیره را تعیین کند؛ یعنی این مصوبه، این شورا را در حد خود مجلس هم نمی‌داند! حال آنکه شورای عالی امنیت ملی باید سیاست‌ها را تعیین بکند تا مجلس هم از این شورا اطاعت کند؛ معنای سیاست این است. اما در اینجا مجلس دارد می‌گوید شورای امنیت ملی بیاید و این وظایف را که وظیفه‌ی یک کارگروه معمولی است، انجام بدهد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه، این ماده (۲) می‌خواهد بگوید

۱. در بند (۲) نظر شماره ۸۹/۳۰/۳۸۶۲۷ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۹ شورای نگهبان در خصوص طرح تقویت مرزبانی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۲- تشکیل شورای مرز موضوع ماده (۳) با توجه به وظایف و اختیارات مذکور در این مصوبه، از شوراهای مقرر در اصل (۱۷۶) بوده و همچنین تصویب تشکیلات آن ←

**آقای علیزاده -** اگر این مصوبه بگوید اینها وظایف شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی است، من ایرادی ندارم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** همین را گفته است.

**آقای علیزاده -** مجلس نمی‌تواند به شورای عالی امنیت ملی بگوید که خود تو این وظایف را انجام بده، ولی می‌تواند بگوید این وظایف را به دیگری واگذار کن.

**آقای سوادکوهی -** درست است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ماده (۲) به شورای عالی امنیت ملی می‌گوید خود تو می‌توانی این وظایف را انجام بدهی؛ نمی‌گوید ملزم هستی که خودت این وظایف را انجام بدهی. شورای عالی امنیت ملی هم می‌تواند خودش این وظایف را انجام بدهد، هم می‌تواند امور کشوری و نه لشکری را به ستاد امنیت کشور ارجاع بدهد.

**آقای رهپیک -** ماده (۲) می‌گوید که تعیین ضوابط حریم و حفاظت اماکن با شورای عالی امنیت ملی است. بنابراین این ماده، خلاف قانون اساسی است.

**آقای علیزاده -** اصل (۱۷۶) قانون اساسی این را نمی‌گوید. اصل (۱۷۶) فقط می‌گوید تعیین سیاست‌ها را به شورای عالی امنیت ملی بدهند. کجای این اصل گفته است که قانونی برای آن تعیین بکنند؟!

**آقای رهپیک -** این غیر از ماده (۲) است.

**آقای علیزاده -** همین چند وقت پیش یک مصوبه به شورای نگهبان آمد که حتی فلان شعبه تشکیل بشود، ولی ما گفتیم این مصوبه اشکال دارد؛ چون شورای عالی امنیت ملی باید این مطلب را بگوید.<sup>۱</sup>

**آقای رهپیک -** آن مسئله چون با وظایف شورای عالی امنیت ملی تداخل داشت، ما به آن ایراد وارد کردیم.

**آقای علیزاده -** الآن هم این ماده با وظایفی که در صدر اصل (۱۷۶) قانون اساسی آمده است، مغایر است.

**آقای اسماعیلی -** در آن مصوبه، آن چیزی که ما به آن ایراد وارد کردیم و درست هم بود، این بود که مجلس اصلاً آمده بود و یک شورایی تحت عنوان شورای عالی مرز، خارج از شورای عالی امنیت ملی تشکیل داده بود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، آن مصوبه خلاف اصل (۱۷۶) قانون اساسی بود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، خود «امنیت ملی»، از شوراهای فرعی است.

**آقای علیزاده -** نه، شورای فرعی نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** شورای عالی امنیت ملی غیر از شورای امنیت ملی است. شورای امنیت کشور، شورای فرعی است.

**آقای علیزاده -** ولی ماده (۲) برای شورای عالی امنیت ملی، تکلیف تعیین می‌کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، ذیل ماده (۲) می‌گوید امور لشکری را به ستاد کل نیروهای مسلح بدهید و امور کشوری را به شورای امنیت کشور بدهید؛ ذیل ماده (۲) را بخوانید.

**آقای علیزاده -** ما که این موارد را نداریم؛ این ماده دارد می‌گوید این وظایف بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی است، ولی ما می‌گوییم این ماده اشکال دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خیلی خب، عرض من این است که بعداً در این مصوبه به شورای عالی امنیت ملی می‌گوید که تو می‌توانی وظایفت را قسمت کنی؛ ماده (۲) این شورا را ملزم نکرده است.

**آقای علیزاده -** بله، می‌تواند.

**آقای سوادکوهی -** بله، اصل (۱۷۶) قانون اساسی هم این مطلب را می‌گوید.

→

توسط مجلس شورای اسلامی با توجه به ذیل اصل مرقوم، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی شناخته شد.» در ماده (۳) طرح تقویت مرزبانی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۱۲ مجلس آمده بود: «ماده ۳- به منظور تدوین و تنظیم سیاست‌های راهبردی توسعه متوازن در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در امور مرزی و ایجاد روش‌های اجرایی مشترک و هماهنگی کلان بین دستگاه‌های اجرایی مرتبط با مرز و نظارت بر حسن اجراء امور مرزی و تقویت و کنترل مؤثر مرزها، شورای مرز با ترکیب افراد زیر تشکیل می‌گردد: ...». همچنین در بند (۴۶) نظر شماره ۷۸/۲۱/۵۸۷۴ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲ شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۴۶- نظر به اینکه اصل (۱۷۶) قانون اساسی تشکیل شوراهای فرعی را به عهده شورای امنیت ملی محول نموده و ماده (۱۸۴) از این جهت که شورای مرزهای کشور را ایجاد کرده است، خلاف اصل مذکور می‌باشد.» متن ماده (۱۸۴) لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده ۱۸۴- شورای مرزهای کشور به عنوان یکی از شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی با وظایف زیر تشکیل می‌گردد. ترکیب اعضاء و تشکیلات شورا با پیشنهاد وزارت کشور و وزارت اطلاعات به تصویب شورای عالی امنیت ملی خواهد رسید.»

۱. برای توضیحات بیشتر در این خصوص، بنگرید به پاورقی پیشین.

**آقای ره‌پیک -** این ماده، تعیین وظیفه برای شورای عالی امنیت ملی نیست.

**آقای علیزاده -** قانون اساسی که گفته است قانون حدود اختیارات و وظایف را مشخص کند، گفته است قانون حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را معین می‌کند.

**آقای ره‌پیک -** اگر در آن مصوبه‌ی قبلی که ما به آن ایراد وارد کردیم، گفته بود در مورد ضوابط مرزبانی، شورای عالی امنیت ملی تصمیم‌گیری کند، آیا باز هم ما به آن اشکال وارد می‌کردیم؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** از جهت قانون عادی، اشکالی نداشت، ولی اشکال قانون اساسی به آن وارد بود.

**آقای اسماعیلی -** اشکالمان در آنجا این بود که چرا این را نگفته‌اند.

**آقای ره‌پیک -** بله، همین‌طور است دیگر؛ اگر این‌طوری می‌گفت که تعیین ضوابط مرزبانی بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی است، مشکلی نداشت.

**آقای مدرسی یزدی -** ضوابط باید در حد سیاست‌ها باشد.

**آقای ره‌پیک -** خوب حالا این ماده تعیین مصداق را آورده است.

**آقای سوادکوهی -** تعیین مصداق را نمی‌شود به عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی گذاشت.

**آقای سلیمی -** ما می‌خواهیم ببینیم که این ماده (۱) مغایر با قانون اساسی است یا نه؟ آیا این مواد (۱) و (۲) و (۳) مغایر قانون اساسی است؟

**آقای علیزاده -** ما به ماده (۱) کاری نداریم؛ بحث ما در مورد ماده (۲) است.

**آقای سلیمی -** اگر منظورمان ماده (۲) هم باشد، باز مسئله فرقی نمی‌کند. حالا من اشکال ماده (۱) را هم به ماده (۲) اضافه می‌کنم. آیا تعیین حریم حفاظتی برای مؤسسات کشور، در این سه تا بندی که در اصل (۱۷۶) وظایف شورای عالی امنیت ملی را مشخص کرده است، آمده است یا نیامده است؟ تنظیم و تعیین کردن حریم حفاظتی، نه تعیین سیاست‌های دفاعی است و نه هماهنگی تدابیر کلی امنیتی تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد که این کار از همه‌ی این موارد خارج باشد. آنچه که در ماده (۱) آمده است، خارج از این موارد است. پس این ماده (۱) با قانون اساسی مغایرت ندارد. حالا نوبت به ماده (۲) می‌رسد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** وقتی چنین وظیفه‌ای در قانون اساسی نیامده است، می‌گوییم این ماده با قانون اساسی مغایرت

**آقای اسماعیلی -** در آن مصوبه گفته شده بود که مسئله‌ی مرز با شورای عالی مرز باشد. ما به آن موضوع ایراد وارد کردیم و گفتیم که این جزء وظایف شورای عالی امنیت ملی است؛ ولی الآن این مصوبه درست برعکس آن مصوبه است. در اینجا به شورای عالی امنیت ملی می‌گویند این کار جزء وظایف شما است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** یعنی این موضوع را هم جزء سیاست‌های اجرایی تلقی کرده‌اند.

**آقای علیزاده -** کجای این سیاست است؟

**آقای سوادکوهی -** مجلس دارد در اینجا برای شورای عالی امنیت ملی تکلیف تعیین می‌کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اینها جزء سیاست اجرایی است.

**آقای علیزاده -** اگر این را می‌گفت، ایرادی نداشت؛ چون تعیین سیاست‌های این امر همان‌طور که [در اصل (۱۷۶) آمده است، بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی است، ولی] این کار، تعیین سیاست نیست. مگر مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی «سیاست» است؟!

**آقای ره‌پیک -** در اینجا گفته است شورای عالی امنیت ملی مصداقش را بیان کند؛ این ماده به شورای عالی امنیت ملی می‌گوید در مورد حفاظت اماکن، ضابطه بگذار؛ می‌گوید ضابطه‌اش را مشخص کن.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، این چیز دیگری است؛ قانون اساسی چیز دیگری گفته است.

**آقای علیزاده -** تعیین رده‌ها تعیین سیاست‌ها است؟!

**آقای هاشمی شاهرودی -** در خود اصل (۱۷۶)، هم سیاست‌های کلی و هم سیاست‌های غیر کلی آمده است. سیاست‌های کلی از طرف مقام معظم رهبری ابلاغ می‌شود. سیاست‌های دفاعی و امنیتی چیز دیگری است که پایین‌تر از آن سیاست‌های کلی است. این سیاست‌ها، همین سیاست‌های اجرایی است که این وظایف در ضمن این سیاست‌ها است. بند اول اصل (۱۷۶) این است: «۱- تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری.» پس مقصود از سیاست‌های دفاعی همان سیاست‌های اجرایی است که همه‌ی این موارد را شامل می‌شود. این را قانون اساسی می‌گوید.

**آقای علیزاده -** ما می‌گوییم که قانون نمی‌تواند برای شورای عالی امنیت ملی وظیفه تعیین کند.

است، باید توجه داشت که ماده (۱) می‌گوید که مسائل مربوط به حفاظت اماکن و رعایت حریم آنها بر اساس مفاد این قانون لازم‌الاجراء است. خب در غیر از ماده (۲) که شورای عالی امنیت ملی را ذکر کرده است، در مواد دیگر این مصوبه هم برای این موضوع ضوابطی تعیین شده است. در مورد خود مسئله‌ی حفاظت و حریم در این قانون ضابطه تعیین شده است. بنابراین عبارت «بر اساس مفاد این قانون» در ماده (۱) اشکال دارد؛ چون دارد می‌گوید رعایت حریم این اماکن طبق مفاد این قانون [برای همه‌ی دستگاه‌ها از جمله شورای عالی امنیت ملی] لازم‌الاجراء است.

**آقای علیزاده** - هنوز به ایرادات سایر مواد این مصوبه نرسیده‌ایم؛ نمی‌دانیم که مفاد مواد بعدی چیست.

**آقای سلیمی** - خب ما به هر ماده‌ای که اشکال دارد، اشکال بگیریم.

**آقای مؤمن** - اگر به بقیه‌ی موارد هم ایراد داریم، می‌توانیم به آن موارد ایراد بگیریم.

**آقای علیزاده** - خب الان نمی‌دانیم این ماده (۱) ایراد دارد یا ندارد.

**آقای رهپیک** - شما باید بگویید که این ماده را اصلاح بکنند؛ بگویید با توجه به ایرادی که ماده (۶)<sup>۱</sup> دارد، ماده (۱) هم ایراد دارد.

**آقای مدرسی یزدی** - بسم الله الرحمن الرحیم. ابتدای ماده (۲) ظهور در جزئیت دارد؛ عبارت «مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن» و ادامه‌ی آن که گفته است «و

دارد؛ چون این ماده شورای عالی امنیت ملی را به وظایفی الزام کرده است.

**آقای سلیمی** - ماده (۱) با قانون اساسی مغایرت ندارد. ماده (۱) شورای عالی امنیت مالی را الزام نکرده است، بلکه ماده (۲) الزام کرده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چنین تکلیفی در ذیل این ماده آمده است.

**آقای سلیمی** - پس باید بگوییم ماده (۱) درست است و اشکالی ندارد. زمانی که به بررسی ماده (۲) رسیدیم، در جای خودش به آن اشکال می‌گیریم. به مجلس می‌گوییم شما آمده‌اید [و برای شورای عالی امنیت ملی تکلیف تعیین کرده‌اید].

**آقای علیزاده** - کسی از آقایان اعضای شورا نمی‌گوید که ماده (۱) اشکال دارد؛ می‌گویند ماده (۲) ایراد دارد.

**آقای سلیمی** - مجلس در ماده (۲) وظایفی را به عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی گذاشته است، در حالی که قانون اساسی این اجازه را به مجلس نمی‌دهد. اگر آنجا [در ماده (۱)] نپذیرفتیم که آنچه در قانون اساسی به شورای عالی امنیت ملی واگذار شده است، این موارد است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌شود چیز دیگری به عهده‌ی شورا گذاشت یا نه. اگر اصل (۱۷۶) می‌گوید که شورای عالی امنیت ملی فقط و فقط همین کارها را باید بکند، آن وقت مجلس نمی‌توان کار دیگری به این شورا ارجاع بدهد. پس چنانچه کارهایی در راستای وظایف شورا نباشد و مجلس شورای اسلامی مصلحت ببیند که این موارد در اختیار آن شورا قرار بگیرد و تعریف این موارد از ناحیه‌ی شورا صورت بگیرد، این تفویض اختیارات خلاف قانون اساسی است؛ یعنی اگر گفتیم دادن اختیارات زائد [بر وظایف معین شده در قانون اساسی به نهادی]، خلاف قانون اساسی است و این تفویض اختیارات را نپذیرفتیم، در مورد شورای عالی امنیت ملی هم چنین چیزی را نمی‌پذیریم. پس ماده‌ی اول اشکال ندارد. ما این ماده را تأیید کنیم و از آن رد شویم تا به ماده‌ی دوم برسیم و درباره‌ی آن بحث کنیم.

**آقای علیزاده** - البته آقای دکتر [رهپیک] با این همه مخالفت، دوباره می‌گویند ماده (۱) ایراد دارد. بفرمایید ایراد شما به این ماده چیست؟

**آقای رهپیک** - صرف نظر از اینکه در ماده (۲) بپذیریم که تعریف و تعیین ضابطه جزء وظایف شورای عالی امنیت ملی

۱. ماده (۶) لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «۶- شهرداری‌ها و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط موظفند در صورت مراجعه مالکان املاک (عرصه و اعیانی) واقع در حریم امنیتی اماکن و تأسیسات موضوع این قانون برای اخذ پروانه، آنان را با ذکر حقوق متعلقه بر اساس تراکم پایه شهر یا وفق طرح‌های شهرسازی مصوب، به دستگاه‌های اجرایی معرفی نمایند. دستگاه‌های اجرایی مربوط ملکفند حقوق متعلقه اعلامی را با رعایت لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی به قیمت روز حداکثر ظرف مدت هجده ماه پرداخت نمایند.

تبصره ۱- تملک و تصرف املاک مذکور پس از پرداخت نقدی حقوق مالکانه به قیمت روز امکان‌پذیر است.

تبصره ۲- ادارات ثبت اسناد و املاک کشور موظف به ثبت حقوق دستگاه‌های اجرایی در دفاتر اسناد و املاک مربوطه می‌باشند.»

**آقای ره‌پیک -** نه، این ماده چنین چیزی را نگفته است، بلکه گفته است رده‌ی حفاظتی اماکن و تأسیسات را تعیین کند.  
**آقای مدرسی یزدی -** گفته است رده‌ی حفاظتی اماکن را تعیین کند؛ خب این یعنی ولو اینکه یک مکان در اصفهان یا نطنز باشد.  
**آقای ره‌پیک -** ضابطه را که برای یک مکان تعریف نمی‌کنند.

**آقای مدرسی یزدی -** چرا؟

**آقای ره‌پیک -** مثلاً می‌گوید تعریف ساختمان حساس این است.

**آقای مدرسی یزدی -** خب بعد در ادامه‌ی این ماده می‌گوید رده‌های حفاظتی برای تأسیسات را نیز تعیین کند. مطلب دیگری که وجود دارد این است که در اصل (۱۷۶) قانون اساسی آمده است که شورای عالی امنیت ملی می‌تواند وظایف خود را به شوراهای فرعی واگذار بکند. تشکیل آن شورای فرعی هم دو تا شرط دارد: یک شرط این است که یا رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود رئیس آن شورا باشد و شرط دیگر این است که شورای فرعی طبق قانونی که تصویب می‌شود عمل بکند. حالا سؤال من این است که ستاد کل نیروهای مسلح، شورای فرعی محسوب می‌شود یا فرد محسوب می‌شود؟ اگر ستاد کل نیروهای مسلح فرد باشد، ماده (۲) خلاف قانون اساسی است، ولی اگر شورا باشد، اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده -** نه، شورا است.

**آقای مدرسی یزدی -** اگر این ستاد، شورا است، پس این ماده اشکالی ندارد.

**آقای ره‌پیک -** اینکه می‌فرمایید ستاد کل نیروهای مسلح، شورا باشد، یعنی چه؟

**آقای اسماعیلی -** ستاد کل نیروهای مسلح، ستاد است.

**آقای ره‌پیک -** بله، ستاد است؛ یک نهاد محسوب می‌شود.

**آقای مدرسی یزدی -** می‌خواهم ببینم مسئولیت این ستاد با فرد است؟

**آقای ره‌پیک -** ستاد کل نیروهای مسلح، رئیس دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** خب پس می‌گوییم رئیس ستاد کل، رئیس ستاد است؛ چون رئیس این شورا است،

**آقای ره‌پیک -** اصلاً ستاد کل، شورا ندارد.

**آقای مدرسی یزدی -** اگر ستاد کل، شورا نداشته باشد، ماده (۲) خلاف اصل (۱۷۶) قانون اساسی می‌شود؛ چون اصل (۱۷۶) قانون اساسی می‌گوید شورای عالی امنیت ملی می‌تواند

تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها<sup>۱</sup> استغراق<sup>۱</sup> دارد؛ همه‌ی این عبارات ظاهر در جزئیت است و با این حال، این وظایف بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی گذاشته شده است. ما می‌گوییم به جهت اینکه ماده (۲) ظهور در جزئیت دارد، این ماده خلاف قانون اساسی است.

**آقای مؤمن -** چرا ایراد دارد؟

**آقای مدرسی یزدی -** چون ظهور در جزئیت دارد.

**آقای مؤمن -** یعنی چه؟

**آقای مدرسی یزدی -** یعنی گفته است این شورا به طور موردی به این موضوعات ورود کند. تأسیسات کشور، یعنی اینکه مثلاً در رابطه با یک تأسیساتی که در نطنز است یا تأسیساتی که در فردو است ورود جزئی کند. این ماده ظهور در جزئیت دارد، در حالی که وظایف شورای عالی امنیت ملی کلی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چه کسی این وظایف کلی را به این شورا داده است؟

**آقای مدرسی یزدی -** شورای عالی امنیت ملی باید ضابطه و کلیات سیاست‌ها را تعیین کند، نه اینکه درباره‌ی یک تأسیساتی بگوید حریم آن در اینجا هشت متر و آنجا هشت کیلومتر باشد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** تعیین چنین حریمی هم سیاست است.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، این کار، تعیین سیاست نیست، مگر اینکه یک جای بسیار مهم و استراتژیکی باشد. این عبارت استغراق دارد؛ می‌گوید این شورا رده‌های حفاظتی همه‌ی تأسیسات و اماکن را معین کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** طبق این ماده، این شورا می‌گوید حریم یک مکان، کجا هشت متر و کجا ده متر باشد؛ این کار، تعیین سیاست است.

**آقای مدرسی یزدی -** نمی‌تواند به صورت موردی چنین چیزی را بگوید؛ باید به صورت کلی بگوید.

**آقای ره‌پیک -** تعریف و تعیین رده که کار جزئی نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** منظور ماده (۲)، تعیین رده‌ی حفاظتی موارد است؛ یعنی این شورا رده‌ی حفاظتی یک‌یک موارد را تعیین کند.

۱. استغراق در لغت به معنی «همه را فرا گرفتن» است. لغتنامه‌ی دهخدا، ذیل واژه‌ی «استغراق».



می دهد ...»

**آقای رهپیک -** شورای عالی امنیت ملی، شوراهای فرعی را تشکیل می دهد، نه اینکه اختیاراتش را به آن شوراهای فرعی واگذار کند.

**آقای علیزاده -** فقط شورای عالی امنیت ملی می تواند برخی وظایفش را به شورای فرعی ارجاع بدهد، ولی مجلس نمی تواند به شورای عالی امنیت ملی بگوید این کار را انجام بدهد.

**آقای رهپیک -** شورای عالی امنیت ملی، شورای فرعی را تشکیل می دهد، برای اینکه کار این شورا را انجام دهد.

**آقای علیزاده -** شورای عالی امنیت ملی می تواند شورای فرعی را تشکیل بدهد. ما همین حرف را درباره ی شورای مرز زدیم و به مجلس گفتیم شما نمی توانید به شورای عالی امنیت ملی بگویید شورای مرز داشته باشد.

**آقای مدرس یزدی -** چرا شورای عالی امنیت ملی، شورای فرعی را تشکیل بدهد؟

**آقای علیزاده -** بله، فقط شورای عالی امنیت ملی می تواند شورای فرعی تشکیل بدهد.

**آقای مدرس یزدی -** خب، مجلس هم نگفته است که شورای عالی امنیت ملی شورای فرعی را تشکیل بدهد؛ می گوید شاید این شورا قبلاً شورای فرعی تشکیل داده باشد.

**آقای رهپیک -** اینها که قبلاً تشکیل شده است؛ ستاد کل نیروهای مسلح تشکیل شده است و شورای امنیت که برقرار است.

**آقای مدرس یزدی -** خب اگر ستاد کل نیروهای مسلح، شورا باشد، شورای عالی امنیت ملی هم می تواند به آن شورا حکم بدهد. مگر این ستاد از سوی شورای عالی امنیت ملی حکم ندارد؟

**آقای ابراهیمیان -** نه، شورای عالی امنیت ملی نمی تواند به یک ستاد حکم بدهد، مگر اینکه جزو زیرمجموعه های خود شورای عالی امنیت ملی باشد.

**آقای علیزاده -** اگر ستاد کل نیروهای مسلح به زیرمجموعه ی شورای عالی امنیت ملی بیاید، باید از این شورا فرمان بر باشد، ولو اینکه فرماندهی ستاد کل، رهبر است.

**آقای ابراهیمیان -** یعنی تابع اصل شود.

**آقای مدرس یزدی -** به هر حال، این ماده اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** الان چه ایرادی دارید؟

وظایف خودش را به شوراهای فرعی واگذار کند.

**آقای علیزاده -** در حالی که ستاد کل نیروهای مسلح جزء شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی نیست.

**آقای مدرس یزدی -** شورا باید متشکل از چند نفر باشد؛ حداقل باید سه نفر باشند تا شورا تشکیل شود. این ماده می گوید شورای عالی امنیت ملی می تواند وظایفش را به ستاد کل نیروهای مسلح واگذار کند، ولی اگر ستاد کل نیروهای مسلح فرد باشد، دیگر شورا محسوب نمی شود.

**آقای ابراهیمیان -** حتی اگر ستاد کل، شورا باشد، شورای وابسته به شورای عالی امنیت ملی نیست.

**آقای مدرس یزدی -** متنها این مطلب هم درست است که ستاد کل نیروهای مسلح وابسته به آن شورا نیست که گفته شود آن شورا باید این ستاد را درست کرده باشد. ممکن است شورای عالی امنیت ملی بگوید ما این شورا را قبول می کنیم یا مثلاً گفته باشد که قبلاً این شورا درست شده است؛ مثل شورای امنیت کشور که احتمالاً شورای عالی امنیت ملی آن را درست کرده است.<sup>۱</sup> به هر حال اینجا مثال زده اند؛ می گویند شورای فرعی باید از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور باشد. ممکن است ستاد کل نیروهای مسلح از شورای عالی امنیت ملی یک حکمی به عنوان شورای دفاع داشته باشد؛ ولی اگر حکمی نداشته باشد، پس اصلاً این واگذاری اختیارات خلاف قانون اساسی است. این هم، اشکال دیگری است.

**آقای علیزاده -** در حالی که مجلس نمی تواند چنین چیزی را بگوید.

**آقای مدرس یزدی -** حالا مجلس گفته است که شورای عالی امنیت ملی می تواند چنین اختیاراتی را واگذار کند.

**آقای رهپیک -** تفویض اختیارات شورای عالی امنیت ملی به شورای فرعی اشکال دارد؟

**آقای مدرس یزدی -** بله، اشکال دارد. باید تفویض اختیارات به شوراهای فرعی را به خود شورای عالی امنیت ملی واگذار کنند.

**آقای رهپیک -** نه، در قانون اساسی نیامده است که شورای عالی امنیت ملی می تواند اختیاراتش را به شورای فرعی واگذار کند.

**آقای مدرس یزدی -** چرا؛ عبارت اصل (۱۷۶) این است: «... شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود، شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل

۱. در این خصوص، بنگرید به: قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ مجلس شورای اسلامی.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، مصادیق تعیین حریم هم زیاد است. مصادیق آن مهم‌تر از سیاست‌های آن است. اگر شورای عالی امنیت ملی بیاید سیاست‌ها را معین کند، بعد تعیین مصداق را به دست ارگانی بدهند که اصلاً نمی‌داند از نظر استراتژیکی کجا حساس است و کجا حساس نیست، این تعیین سیاست، اصلاً به درد نمی‌خورد!

**آقای اسماعیلی -** گاهی شورای عالی امنیت ملی چند جلسه بحث می‌کنند سر اینکه مثلاً یک لوله [باید از چه فاصله‌ای رد شود که در حریم امنیتی تأسیسات نظامی نباشد].

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، مثلاً وقتی می‌خواهند در یک جایی لوله بکشند، در شورای عالی امنیت ملی در خصوص آن، کلی بحث می‌کنند. شما چه می‌گویید؟! خود این مسائل در اختیار شورای عالی امنیت ملی است.

**آقای سلیمی -** همان‌طور که حاج‌آقای مدرسی فرمودند، در اصل (۱۷۶) قانون اساسی آمده است که: «... شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود، شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد...» این اصل، بعد از اینکه ریاست این شورا را تعیین می‌کند، می‌گوید: «... حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد...» ذیل این اصل هم دارد که: «... مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** الان شورای عالی امنیت ملی باید تشکیل شورای فرعی را تأیید کند؛ بعد از تصویب شورای عالی امنیت ملی، قانون وظایف شورای فرعی را معین می‌کند.

**آقای علیزاده -** ماده (۲) هیچ‌کدام از این قیود ذکر شده در اصل را ندارد.

**آقای سلیمی -** اینجا قانون‌گذار در ماده (۲) آمده است و مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی را به عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی گذاشته است و نهایتاً گفته است شورای عالی امنیت ملی می‌تواند دو تا شورای فرعی درست کند، همان‌طور که در ذیل این اصل آمده است. یعنی این ماده دارد در راستای قانون اساسی قانون تنظیم می‌کند. قانون‌گذار به قانون اساسی توجه داشته است که این مصوبه را این چنین تنظیم کرده است.

**آقای علیزاده -** ستاد کل نیروهای مسلح، همان شورای فرعی شورای عالی امنیت ملی است؟!

**آقای مدرسی یزدی -** اشکال ماده (۲) این است که گفته است شورای عالی امنیت ملی می‌تواند برخی وظایف را به ستاد کل نیروهای مسلح واگذار بکند. این حکم، خلاف اصل (۱۷۶) قانون اساسی است؛ چون شورای عالی امنیت ملی در ایفای وظایف خود می‌تواند شوراهایی را تشکیل بدهد که قانون وظایف آن را تعیین بکند؛ در حالی که در این مسئله، شورای فرعی توسط شورای عالی امنیت ملی تشکیل نشده است یا اصلاً شورایی در کار نیست.

**آقای ره‌پیک -** این موضوع که ایرادی ندارد.

**آقای علیزاده -** اصلاً آیا خود این وظایفی که مجلس در این ماده نام برده است، جزء وظایف شورای عالی امنیت ملی در قانون اساسی است؟

**آقای مدرسی یزدی -** اگر این وظایف جزء وظایف این شورا هم باشد، مجلس نمی‌تواند این وظایف را به ستاد کل نیروهای مسلح بدهد؛ چون که این جایی که مجلس به آن ارجاع داده است، شورا نیست.

**آقای علیزاده -** دوم اینکه آیا مجلس می‌تواند چنین وظایفی را برای شورای عالی امنیت ملی تعیین بکند یا نمی‌تواند؟ قبلاً گفته‌ایم نمی‌تواند. سوم اینکه همان‌گونه که در مورد شورای مرز گفتیم، مجلس نمی‌تواند به شورای عالی امنیت ملی بگوید این وظیفه را به آن شورایی که من تعیین می‌کنم، محول کن.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اگر این مصوبه نباشد، تعیین محدوده‌ی حفاظت در کشور دست کیست؟

**آقای ره‌پیک -** همین الان چه کسی دارد این کارها را انجام می‌دهد؟ چه کسی شبیه این وظایف را دارد انجام می‌دهد؟

**آقای اسماعیلی -** همین شورای عالی امنیت ملی.

**آقای هاشمی شاهرودی -** الان این وظایف، دست شورای عالی امنیت ملی است؟ یعنی دارند همین رویه را قانونی می‌کنند.

**آقای علیزاده -** این شورا باید طبق مقررات خودش وظایف را انجام بدهد.

**آقای ابراهیمیان -** در اینجا چیزی به اسم «تعیین حریم» که مبانی قانونی داشته باشد، زورکی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا؟ حریم، مسئله‌ی خیلی مهمی است. بارها در شورای عالی امنیت ملی درباره‌ی پدافند عامل و غیرعامل بحث شده است. من یادم هست که این مسائل ده‌ها بار در آنجا بحث شده است.

**آقای علیزاده -** شورای عالی امنیت ملی باید برود سیاست‌های حفظ حریم را تعیین کند.

**آقای ره‌پیک -** ستاد کل، شورا نیست.

**آقای سلیمی -** به ستاد کل، ایراد می‌گیریم و می‌گوییم ستاد کل را که در اینجا آورده‌اید ایراد دارد. در این صورت، فقط شورای امنیت کشور در این ماده می‌ماند. شورای امنیت کشور که در این ماده آمده است، درست است. ستاد کل نیروهای مسلح را که به جای شورای دفاع گذاشته شده است، اشکال دارد. قانون‌گذار توجه به قانون اساسی دارد و قانون تنظیم می‌کند. در خود قانون اساسی گفته است شورای عالی امنیت ملی می‌تواند این اختیارات را به دو تا کمیسیون فرعی و یا شورای فرعی بدهد. نهایت ایراد ما این است که قانون‌گذار در ذکر یک شورای فرعی اشتباه کرده است و ستاد کل نیروهای مسلح را ذکر کرده است که همان اشکال حاج‌آقای مدرسی است. ما می‌گوییم ذکر این ستاد کل نیروهای مسلح ایراد دارد و در این ماده، باید شورای دفاع را به جای آن بیان کنید. با این توضیحی که من عرض می‌کنم، می‌شود گفت که ماده (۲) هم مخالف قانون اساسی نیست، بلکه در راستای قانون اساسی و ذیل اصل (۱۷۶) تنظیم شده است. ماده (۲) می‌خواهد برای این دو کمیته‌ی فرعی، قانون تعیین کند و همان‌طور که قانون اساسی به قانون‌گذار اجازه داده است، بگوید این دو شورا زیر نظر شورای عالی امنیت ملی کارهایشان را انجام بدهند.

**آقای ره‌پیک -** اگر شما به صدر این ماده ایراد بگیرید، به اشکال دوم نمی‌رسید. شما ابتدا به صدر این ماده ایراد گرفتید و گفتید مجلس چنین حقی ندارد. حالا مجلس چگونه می‌تواند اختیاراتی را به شوراهای فرعی تفویض کند؟

**آقای ابراهیمیان -** اگر این مسائل در صلاحیت شورای عالی امنیت ملی باشد، شورای عالی امنیت ملی می‌تواند چنین اختیاراتی را به شوراهای فرعی تفویض کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این مسائل، مسائل حساس امنیتی است و یقیناً در صلاحیت شورای عالی امنیت ملی است. شما دارید چه می‌گویید؟!

**آقای ابراهیمیان -** بر فرض، اگر این مسائل، در صلاحیت شورای عالی امنیت ملی باشد و ما رأی بدهیم که این‌طور است، [مجلس نمی‌تواند چنین وظایفی را از جانب شورای عالی امنیت ملی به شوراهای فرعی تفویض کند].

**آقای علیزاده -** نباید مجلس این را بگوید.

**آقای مدرسی یزدی -** فرمایش شما درست است، اما نه با این محدودیتی که مجلس می‌گوید. صلاحیت شورای عالی امنیت

ملی، اعم از این وظایف است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** مجلس برای شورای عالی امنیت ملی محدودیت ایجاد نکرده است؛ اختیار داده است که این کارها را انجام بدهد.

**آقای ره‌پیک -** مجلس می‌خواهد به شورای عالی امنیت ملی بگوید تعیین حفاظت از مرز با شما است و با کس دیگری نیست.

**آقای علیزاده -** مجلس نمی‌تواند دو تا مرجع برای این موضوع تعیین کند؛ نمی‌شود دو تا مرجع تعیین کرد. این موضوع مثل این است که قانون بگوید دادگستری قضاوت کند، فلان آدم یا وزارت کشور هم قضاوت کند.

**آقای ابراهیمیان -** اگر ما از ایراد اول فارغ شدیم و به ماده (۲) ایراد نگرفتیم، آن‌وقت باید بگوییم ذیل ماده (۲) از حیث واگذاری این موارد به ستاد کل نیروهای مسلح اشکال دارد. اما اولاً صلاحیت‌هایی را که قانون اساسی برای نهادها و دستگاه‌ها تعیین می‌کند، نمی‌توان توسعه داد یا مضیق کرد؛ ثانیاً این موارد جز با تصریح قانون اساسی قابل تفویض نیست. حالا اصل (۱۷۶) قانون اساسی به شورای عالی امنیت ملی گفته است که شما می‌توانید شوراهای فرعی داشته باشید. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح هم عضو این شورای عالی امنیت ملی است. خب شورای عالی امنیت ملی می‌تواند یک شورای فرعی درست کند و رئیس این ستاد را رئیس آن شورا هم بگذارد، اما دیگر ستاد کل نیروهای مسلح نمی‌تواند جزء شوراهای فرعی باشد. یعنی بقیه‌ی موارد را نمی‌توان به ستاد کل تفویض کرد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** یعنی خود شورای عالی امنیت ملی این کار را بکند.

**آقای علیزاده -** الآن اجازه بدهید که ایرادها را یکی‌یکی رأی بگیریم. آقایانی که می‌گویند قانون هم می‌تواند برای شورای عالی امنیت ملی وظیفه تعیین کند، بفرمایند.

**آقای ره‌پیک -** نه، ما این را نمی‌گوییم.

**آقای شب‌زنده‌دار -** ما می‌گوییم مجلس نمی‌تواند برای شورای عالی امنیت ملی وظیفه تعیین کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، وظیفه تعیین نکرده است؛ حکم این ماده، ذکر حکم قانون اساسی در قانون عادی است.

**آقای علیزاده -** آیا مفاد این مصوبه، همان حکمی است که در اصل (۱۷۶) قانون اساسی آمده است؟ ما می‌گوییم مفاد این مصوبه، آن حکم نیست.

**آقای سوادکوهی -** بله، نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، نیست.

**آقای علیزاده -** ما می‌گوییم حکم این ماده، آن حکم نیست. ما می‌گوییم این ماده همان چیزی که در اصل (۱۷۶) قانون اساسی جزء وظایف شورای عالی امنیت ملی آمده است نیست. حضرات آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، بفرمایند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ما که رأی نمی‌دهیم. این ایراد، سه تا رأی دارد.

**آقای یزدی -** شما نوشتید که این موضوع، خلاف قانون اساسی است؟

**آقای علیزاده -** اشکال دوم: آیا آقایان اعضا می‌فرمایند اینکه ماده (۲) آمده و گفته است شورای عالی امنیت ملی می‌تواند [این موارد را به ستاد کل نیروهای مسلح و شورای امنیت کشور، محول نماید، مغایر اصل (۱۷۶) است؟]

**آقای مدرسی یزدی -** ستاد کل نیروهای مسلح از هر شورایی مهم‌تر است.

**آقای علیزاده -** حالا اگر کسانی آمدند و گفتند این وظایف را به ستاد کل بده، شما این را خلاف قانون اساسی می‌دانید؟

**آقای مدرسی یزدی -** بله، این کار خلاف قانون اساسی است.

**آقای ابراهیمیان -** بله، این خلاف قانون اساسی است.

**آقای یزدی -** بله، این خلاف قانون اساسی است.

**آقای شبزنده‌دار -** بله.

**آقای رهپیک -** چرا؟!

**آقای علیزاده -** خیلی خوب، این ایراد رأی آورد. هشت تا رأی آورد.

**آقای مدرسی یزدی -** حاج آقای یزدی هم رأی دادند.

**آقای علیزاده -** پس نه تا رأی خلاف آورد.

**آقای علیزاده -** [از این جهت که در ذیل ماده (۲)، وظایف شورای عالی امنیت ملی را بر عهده ستاد کل نیروهای مسلح قرار داده است، خلاف ذیل اصل (۱۷۶) قانون اساسی شناخته شد.]<sup>۱</sup>

**آقای مدرسی یزدی -** بله، خلاف ذیل اصل (۱۷۶) است.

**آقای رهپیک -** نه، خلاف ذیل اصل (۱۷۶) نیست، مگر اینکه شما بگویید که شورای عالی امنیت ملی این حق را ندارد که

وظایفش را به کس دیگری بدهد. ذیل آن اصل فقط گفته است که شورای عالی امنیت ملی شوراهای فرعی را تشکیل بدهد.

تشکیل شوراهای فرعی برای چیست؟

**آقای علیزاده -** بله، ذیل این اصل گفته است شورای عالی امنیت ملی می‌تواند شوراهای فرعی تشکیل بدهد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** آن برداشت، مفهوم «حصر»<sup>۲</sup> است؛ آن عبارت، مفهوم ندارد.

**آقای مؤمن -** ایراد این موضوع، چه شد؟

**آقای علیزاده -** ایرادش این است که ما در اینجا گفتیم چه کسی این شوراهای فرعی را تشکیل می‌دهد؟ خود ستاد کل تشکیل می‌دهد؟

**آقای مدرسی یزدی -** اصلاً ایجاد تشکیلات شوراهای فرعی، بر عهده شورای عالی امنیت ملی است.

**آقای علیزاده -** بله، شورای عالی امنیت ملی تشکیلات شوراهای فرعی را تعیین می‌کند و بعد به ستاد کل می‌فرستد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خوب، مفهوم این حرف آن است که شورای عالی امنیت ملی نباید برخی وظایفش را به غیر اینها [= شوراهای فرعی] بدهد؟! عجب حرفی است!

**آقای علیزاده -** نه، اگر خود شورای عالی امنیت ملی بخواهد، می‌تواند وظایفش را به نهاد دیگری بدهد.

**آقای رهپیک -** ماده (۲) می‌گوید شورای عالی امنیت ملی می‌تواند برخی وظایفش را محول کند؛ یعنی تفویض اختیارات این شورا، در اختیار خودش است. اگر خواست، وظایفش را به دیگری بدهد، می‌دهد. در این صورت، خودش خواسته است که چنین کاری را بکند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** مثلاً بخشی از وظایفش را به ستاد کل نیروهای مسلح بدهد.

**آقای سوادکوهی -** حالا این ایراد که رأی گرفته شد.

**آقای رهپیک -** همین الآن ستاد کل نیروهای مسلح حریم امنیتی خیلی از جاها را مشخص می‌کند.

**آقای علیزاده -** حضرات آقایان، چرا شما می‌گویید این موضوع خلاف قانون اساسی است؟ شورای عالی امنیت ملی به تناسب

۲. «یکی از اقسام مفهوم مخالف، «مفهوم حصر» بوده و به معنای دلالت التزامی جمله حصر بر نفی طبیعت حکم از غیر محصور است؛ برای مثال، در «جاء القوم الا زیداً» طبیعت حکم آمدن از زید نفی شده است.» دفتر تبلیغات اسلامی، فرهنگ‌نامه علوم قرآن، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ص ۴۵۴۶. قابل دسترسی در نشانی زیر: [yon.ir/5n4FP](http://yon.ir/5n4FP)

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲ شورای نگهبان: «۱- ذیل ماده (۲)، از این جهت که وظایف شورای عالی امنیت ملی را بر عهده ستاد کل نیروهای مسلح قرار داده است، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی شناخته شد.»

شما حق ندارید [در این حیطة دخالت کنید]. ستاد کل نیروهای مسلح، زیر نظر رهبری است. ستاد کل نیروهای مسلح زیر نظر رهبری است. اسم ستاد کل نیروهای مسلح هم شورا نیست، بلکه ستاد است؛ ولی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح از اعضای ثابت شورای عالی امنیت ملی است.

**آقای علیزاده** - خب باشد، شورای عالی امنیت ملی می‌تواند شعبه‌ی دیگری تشکیل بدهد و بگوید رئیس ستاد کل به آن شعبه برود.

**آقای مؤمن** - شورای عالی امنیت ملی ستاد کل را تشکیل می‌دهد؟

**آقای علیزاده** - نخیر.

**آقای هاشمی شاهرودی** - رهبری این ستاد را تشکیل می‌دهد.

**آقای علیزاده** - طبق اصل (۱۱۰) قانون اساسی، رهبری ستاد کل را تشکیل می‌دهد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ستاد کل، مهم‌تر از شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی است.

**آقای علیزاده** - خب باشد، اگر ستاد کل مهم‌تر هم باشد، این مسائل، وظیفه‌ی این ستاد نیست. وقتی چنین چیزی وظیفه‌ی این ستاد نیست، اگر وظیفه‌ی این ستاد ده برابر هم مهم‌تر باشد، فایده‌ای ندارد. ما که به مهم و غیر مهم بودن وظیفه‌ی این ستاد، کاری نداریم.

**آقای مؤمن** - یعنی شورای عالی امنیت ملی می‌تواند وظایفش را به دیگران هم ارجاع بدهد؟

**آقای مدرسی یزدی** - بله، چون عبارت این ماده، حصر ندارد و انجام این وظایف را در شورا حصر نکرده است.

**آقای علیزاده** - اگر این‌طور بود، این مصوبه جلوتر می‌آمد و می‌گفت هر کسی می‌تواند این وظایف را انجام دهد؛ دیگر لازم نبود که شورای عالی امنیت ملی را نام ببرد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این عبارت که مفهوم حصر ندارد.

**آقای علیزاده** - چرا؟

**آقای ابراهیمیان** - این یک قاعده‌ی کلی حقوقی است که نهادها و تأسیساتی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده‌اند، نمی‌توانند وظایفشان را به دیگران واگذار کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - اصل (۱۷۶)، حصر ندارد.

**آقای علیزاده** - طبق اصل (۱۱۰) قانون اساسی، رئیس ستاد مشترک را رهبر تعیین می‌کند، اما اینکه در این مورد، ستاد کل نیروهای مسلح بتواند شوراهای فرعی تشکیل بدهد، درست

وظایف خود شورای فرعی از قبیل این شوراها دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ما این همه مورد داریم که شورای عالی امنیت ملی، کارهایی را به سپاه ارجاع می‌دهد.

**آقای ابراهیمیان** - الآن خود ارتش و سپاه حریم تعیین می‌کنند و این موضوع را جزء وظایف شورای عالی امنیت ملی نمی‌دانند. این، یک امر اجرایی جزئی است.

**آقای علیزاده** - ما می‌گوییم خود شورای عالی امنیت ملی باید این تفویض اختیار را انجام بدهد؛ مجلس نمی‌تواند به شورای عالی امنیت ملی بگوید تعیین رده‌های حفاظتی و حریم امنیتی اماکن را به ستاد کل نیروهای مسلح بده.

**آقای مدرسی یزدی** - من به ایراد صدر ماده رأی ندادم، ولی خوب است ما به آن قسمت اصلی ماده یک ابهام بگیریم و به مجلس بگوییم که آیا واقعاً منظور شما این است که شورای عالی امنیت ملی به طور جزئی ولو با لحاظ جهت شرعی وارد این مسائل شود؟ اگر چنین است، پذیرش این موضوع، مشکل است.

**آقای علیزاده** - ما بگوییم منظور از صدر ماده (۲) تعیین سیاست‌هایی است که در اصل (۱۷۶) قانون اساسی آمده است یا موارد جزئی را هم شامل می‌شود؟ قبول دارید یک چنین ابهامی بگیریم؟

**آقای اسماعیلی** - ما معتقدیم اگر این ماده امور جزئی را هم شامل بشود اشکالی ندارد، ولی خودش [= خود تعیین سیاست رده‌های حفاظتی برای اماکن] مهم‌تر است.

**آقای شبزنده‌دار** - بله، خود این موضوع مهم‌تر است.

**آقای مدرسی یزدی** - خب آن‌وقت، شورای عالی امنیت ملی حتماً باید دخالت بکند؛ به قول ایشان [= آقای ابراهیمیان] خود سپاه و خود ارتش دیگر نمی‌توانند در این مسائل دخالت کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - خود شورای عالی امنیت ملی می‌تواند وظایفش را به ارگان دیگری ارجاع بدهد. شورای عالی امنیت ملی خیلی از این موارد را به سپاه ارجاع داده است؛ ده‌ها مورد را به سپاه ارجاع داده است. شما دارید اشکالات ملأ لغتی به قانون می‌گیرید!

**آقای رهپیک** - همین الآن ستاد کل نیروهای مسلح دارد حریم تمام دستگاه‌های نظامی را تعیین می‌کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، همه چیز را معین می‌کند. تازه ستاد کل آمده است و به شورای عالی امنیت ملی گفته است تعیین این رده‌ها و حریم‌ها در حیطة اختیارات ما است و

نیست؛ چون تشکیل شورای فرعی از وظایف خود شورای عالی امنیت ملی است. این مطلب، غیر از آن چیزی است که در اصل (۱۱۰) قانون اساسی آمده است.

**آقای ابراهیمیان -** مثلاً آیا یک قانون می‌تواند وظیفه‌ی رسیدگی به شکایات علیه دولت را که [طبق اصل (۱۷۳) قانون اساسی] جزء وظایف دیوان عدالت اداری است به دادگاه‌های عمومی واگذار کند؟ روشن است که نمی‌تواند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** در اصل (۱۷۶) قانون اساسی آمده است که شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی تشکیل می‌دهد. در این عبارت، حصری وجود ندارد. این عبارت، اخباری است؛ یعنی شما می‌گویید شورای عالی امنیت ملی نمی‌تواند هیچ کدام از کارهایی را که به عهده‌ی اوست به ستاد کل ارجاع بدهد؟! از کجای این اصل، حصر فهمیده می‌شود؟!

**آقای علیزاده -** ما حصر می‌فهمیم.

**آقای رهپیک -** ستاد کل یک نامه‌ای به اینجا [= شورای نگهبان] نوشته و گفته است که کمیته‌ی دائمی پدافند ملی با تأیید مقام معظم رهبری در ستاد کل نیروهای مسلح تشکیل شده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، همین‌طور است. این بحث، دیگر تمام شد.

**آقای مدرسی یزدی -** آن مطلب، حرف دیگری است.

**آقای رهپیک -** این، پاسخ اشکال اول است که فرمودید؛ در آن کمیته، این وظایف دارد انجام می‌شود.

**آقای مدرسی یزدی -** بالاخره ما این مطلب را هم طرد نمی‌کنیم. این مطلب هم حرف خوبی است.

**آقای علیزاده -** ما در این مورد داریم می‌گوییم که مجلس نمی‌تواند برای شورای عالی امنیت ملی تعیین تکلیف کند.

**منشی جلسه -** «ماده ۳- کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند در هنگام احداث اماکن و تأسیسات مشمول این قانون، حریم حفاظتی لازم را در داخل اراضی طرح یا پیرامون آن پیش‌بینی نمایند. اجرای طرح‌های عمرانی نظیر شبکه‌های انتقال و توزیع آب، فاضلاب، برق، گاز، مخابرات و راه در اراضی واقع در حریم‌های حفاظتی و امنیتی، به شرطی مجاز است که به تشخیص شورای عالی امنیت ملی، ناقض امنیت این اماکن نباشد.»

**آقای ابراهیمیان -** یعنی دستگاه‌های اجرایی بدانند که دارند [در حریم اماکن امنیتی طرح اجرا می‌کنند].

**آقای یزدی -** این ماده، بحثی ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** نه، این ماده اشکال دارد.

**آقای سوادکوهی -** بله، اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** این ماده آمده است و همه‌ی جزئیات را به تشخیص شورای عالی امنیت ملی واگذار کرده است. این مسائل، واقعاً جزئی است.

**آقای مدرسی یزدی -** بله، موارد را خیلی جزئی بیان کرده است.

**آقای یزدی -** بله، ماده (۲) اشکال دارد، ولی این ماده (۳) اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده -** به نظر ما ماده (۳) هم اشکال دارد؛ چون این موارد به صورت خیلی جزئی بیان شده است. این موارد، آن چیزی نیست که در اصل (۱۷۶) قانون اساسی برای شورای عالی امنیت ملی آمده است. این اصل این مسائل را نمی‌گوید.

**آقای یزدی -** ماده (۳) می‌گوید تشخیص حریم به عهده‌ی خود شورای عالی امنیت ملی است.

**آقای علیزاده -** ماده (۳) می‌گوید تشخیص هر مورد از این امور، به عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی، است.

**آقای مدرسی یزدی -** این ماده، کلمه‌ی «کلیه» ندارد.

**آقای علیزاده -** تشخیص رعایت حریم کلیه‌ی طرح‌های عمرانی دستگاه‌های اجرایی با شورای عالی امنیت ملی است یا فقط تشخیص موارد امنیتی با این شورا است؟ تشخیص اینکه این طرح‌ها در حریم حفاظتی اماکن و تأسیسات امنیتی هست یا نیست با خود شورا است؟ این ماده، اشکال دارد.

**آقای سوادکوهی -** بله، درست است؛ تشخیص اینکه این طرح‌های عمرانی در حریم حفاظتی هست یا نیست، اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** این عبارت، مربوط به کلیه‌ی دستگاه‌ها نیست، بلکه این دارد می‌گوید شورای عالی امنیت ملی باید مورد به مورد نظر بدهد؛ مثلاً اگر می‌خواهند برای خانه‌ی من برق بکشند یا تلفن بکشند، باید شورای عالی امنیت ملی نظر بدهد که آیا این تأسیسات در حریم امنیتی هست یا نیست؟

**آقای اسماعیلی -** نه، این ماده این را نمی‌گوید. این ماده نمی‌گوید که شورای عالی امنیت ملی مورد به مورد درباره‌ی همه‌ی مسائل، مثل تلفنی که می‌خواهند برای خانه‌ی شما بکشند، نظر بدهد، بلکه می‌گوید اگر شورای عالی امنیت ملی درباره‌ی یک موردی گفت که آن مورد مغایر با مسائل امنیتی است، دستگاه‌های اجرایی باید آن مسائل را مراعات بکنند؛ یعنی مغایر بودن به تشخیص شورای عالی امنیت ملی است.

اگر شورای عالی امنیت ملی گفت خانه‌ی مسکونی مشرف بر

**آقای اسماعیلی -** یعنی الان شورای عالی امنیت ملی می‌آید تصمیم می‌گیرد و مثلاً می‌گوید روزنامه‌ها ننویسید که سیمان کم است. یعنی این شورا در این حد هم دخالت می‌کند. این جزء وظایف این شورا است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای علیزاده -** نه، من به حکم این ماده دقت کردم؛ این ماده می‌خواهد این را بگوید که شورای عالی امنیت ملی وقتی آمد و حریمی تعیین کرد، بعد از آن اگر یک دستگاهی بخواهد داخل این حریم، طرح‌های عمرانی اجرا کند، اصل بر این است که مجاز نیستند این کار را انجام بدهند، مگر در جایی که شورای عالی امنیت ملی تشخیص بدهد که از جهت امنیتی اشکالی ندارد. این ماده این را می‌خواهد بگوید.

**آقای اسماعیلی -** این ماده، درست بر عکس این مطلب را دارد می‌گوید.

**آقای سوادکوهی -** نه.

**آقای اسماعیلی -** این ماده می‌گوید همه‌ی دستگاه‌ها این قانون را رعایت کنند، مگر اینکه اجرای طرح عمرانی به تشخیص شورای عالی امنیت ملی ناقض امنیت این اماکن باشد.

**آقای ره‌پیک -** درست است؛ این توری اشکال رفع می‌شود.

**آقای علیزاده -** مثلاً در حریم مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان نمی‌توان هر کاری را انجام داد؛ چون این اماکن، امنیتی است. وقتی دستگاهی می‌گوید ضرورت دارد که طرحی از این مکان بگذرد، اگر شورای عالی امنیت ملی با در نظر گرفتن این موارد بگوید مانعی ندارد، اجرای آن طرح مانعی ندارد.

**آقای ره‌پیک -** بله، اگر دستگاهی بخواهد در کنار این اماکن، طرح عمرانی اجرا کند، باید مجوز بگیرد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این ماده نگفته است طرح‌های عمرانی داخل حریم اجرا شود. گفته است این حریم‌ها داخل اراضی طرح دیده شود.

**آقای اسماعیلی -** نه، این ماده درست است. همین مطلب، درست است.

**آقای ره‌پیک -** ماده (۳) گفته است طرح‌های عمرانی واقع در حریم‌های حفاظتی و امنیتی این شرط را دارد. این مطلب، اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده -** بله، گفته است اجرای طرح‌های عمرانی واقع در حریم‌های حفاظتی و امنیتی این شرط را دارد. این ماده، این مطلب را می‌خواهد بگوید. این اشکالی ندارد. این ماده

ساختمان فلان مسئول ساخته نشود، همه باید این مسئله را رعایت کنند، نه اینکه هر کسی می‌خواهد خانه بسازد، اول برود و از شورای عالی امنیت ملی استعلام کند.

**آقای ابراهیمیان -** این ماده می‌گوید اگر از قبل، حریمی تعریف شد و یک دستگاهی خواست طرحی را در آنجا اجرا کند، مثلاً برق بکشد، باید اطمینان حاصل بکند که این تأسیسات ناقض امنیت نیست؛ یعنی حتماً باید برود و مراجعه کند و مجوز بگیرد. عبارت این جوری است؛ ملاحظه بفرمایید.

**آقای اسماعیلی -** نه، من متن این ماده را می‌خوانم؛ می‌گوید: «ماده ۳- کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند در هنگام احداث اماکن و تأسیسات مشمول این قانون، حریم حفاظتی لازم را داخل اراضی طرح یا پیرامون آن پیش‌بینی نمایند...»؛ یعنی دستگاه‌های اجرایی موظفند حریم حفاظتی را پیش‌بینی نمایند.

**آقای علیزاده -** ادامه‌اش را بخوانید. تا این قسمت، نگفته است که تشخیص آن مسائل به عهده‌ی چه کسی باشد.

**آقای اسماعیلی -** «... اجرای طرح‌های عمرانی نظیر شبکه‌های انتقال و توزیع آب، فاضلاب، برق، گاز، مخابرات و راه در اراضی واقع در حریم‌های حفاظتی و امنیتی، به شرطی مجاز است که به تشخیص شورای عالی امنیت ملی، ناقض امنیت این اماکن نباشد.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** این اجازه را از شورای عالی امنیت ملی نمی‌گیرند، بلکه این اجازه را از آن دستگاه‌های مسئول می‌گیرند. این دستگاه‌ها از یک جهت به دستگاه‌های اجرایی مجری طرح می‌گویند [که این مکان برای اجرای طرح‌های عمرانی مناسب است یا نه].

**آقای مدرس‌ی یزدی -** شاید منظور این ماده، این مطلب باشد، ولی واقعاً تشخیص موارد، مربوط به موارد جزئی است. این ماده، اشتباه است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه.

**آقای اسماعیلی -** منظور، همین است و اتفاقاً همین مطلب، درست است.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** مجلس کلمه‌ی «تشخیص» را حذف کند و بگوید که طرح‌های عمرانی، نباید ناقض معیارها، سیاست‌ها یا دستورات شورای عالی امنیت ملی باشد.

**آقای اسماعیلی -** اصلاً بیشتر مسائل امنیت ملی، مسائل جزئی است. **آقای هاشمی شاهرودی -** مسائل امنیتی، کلی و جزئی اش یکی است.

اشخاص یک قانونی دارد که به آن عمل می‌کنند، ولی می‌توانند به غیر از آن روش، از روش‌های دیگری هم استفاده کنند؛ مثلاً می‌توانند حقوق عمومی را هم از بین ببرند.

**آقای علیزاده -** حالا معلوم نیست که اصلاً تحدید در بر داشته باشد.

**آقای رهپیک -** اشکال این ماده چیست؟ اشکال این ماده این است که معلوم نیست این روش‌های غیر از تحدید حقوق مالکانه چیست، و اینکه به آیین‌نامه واگذار شده است [هم اشکال دارد].

**آقای مدرسی یزدی -** ماده (۵) گفته است که دستگاه‌های اجرایی حسب موازین قانونی در این خصوص اقدام کنند.

**آقای رهپیک -** ولی در ادامه می‌گوید «بر طبق آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون» اقدام نمایند.

**آقای سوادکوهی -** تصویب این آیین‌نامه با چه کسی است؟

**آقای رهپیک -** ماده (۵) گفته است اقدام دستگاه اجرایی حسب آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون باشد. این بدین معنی است که وقتی می‌خواهید برای اشخاص محدودیت ایجاد کنید، منتها نه به روش تحدید حقوق مالکانه، بلکه با یک روش‌های دیگر، [این اقدام را بر حسب آیین‌نامه‌ی اجرایی انجام دهید]! خوب این مطلب، اشکال دارد؛ چون ایجاد محدودیت باید با قانون باشد.

**آقای مدرسی یزدی -** مثلاً نمی‌توانیم یک جایی را که عمومی است، محدودش کنیم.

**آقای ابراهیمیان -** مثلاً رفت و آمد را محدود کنیم.

**آقای علیزاده -** اولاً اینکه حقوق افراد را محدود نکنیم، یعنی چه؟ تحدید حقوق مالکانه چیست؟ باید به مقررات مربوط به آن یک اشارای بکنند. الآن ممکن است که دستگاه‌های اجرایی واقعاً برای مردم محدودیت ایجاد کنند.

**آقای مدرسی یزدی -** فرض بکنید می‌خواهند خیابانی را که آقای رئیس جمهور از آن می‌آید از لحاظ امنیتی ببندند. در این فرض، جلوی حقوق مالکانه‌ی اشخاص را نمی‌گیرند، ولی حقوق عمومی را محدود می‌کنند.

**آقای علیزاده -** نه.

**آقای رهپیک -** بله، حتی محدودیت تردد مردم هم باید به موجب قانون باشد، نه به موجب آیین‌نامه.

**آقای مدرسی یزدی -** خوب این ماده هم دارد می‌گوید این محدودیت‌ها طبق قانون و آیین‌نامه است. اول گفته است طبق

می‌خواهد بگوید اگر می‌خواهیم این طرح را از داخل حریم حفاظتی و امنیتی بگذرانیم، [باید از شورای عالی امنیت ملی مجوز بگیریم]؛ یعنی اصل بر این است که نمی‌توان این کار را انجام داد، مگر اینکه شورای عالی امنیت ملی اجازه بدهد.

**آقای رهپیک -** اگر کسی به اصل آن [= تعیین رده‌های حفاظتی از سوی شورای عالی امنیت ملی] ایراد وارد بکند، به این ماده هم ایراد می‌گیرد؛ اما اگر به اصل آن ایراد نگرفتید، این ماده هم ایرادی ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خیلی خوب، پس اشکالتان را پس گرفتید. منشی جلسه - (ماده ۴- در مواردی که ایجاد حریم امنیتی مصوب، مستلزم ساخت و ساز و یا اعمال برخی محدودیت‌ها در استفاده از زمین و تراکم‌های ساختمانی باشد، موضوع برای اصلاح و تطبیق ضوابط و اعمال آن حسب مورد به مرجع ذی‌ربط قانونی ارجاع می‌شود.

ماده ۵- دستگاه‌های اجرایی می‌توانند پس از تعیین و تصویب حریم، برای برقراری امنیت با توجه به وضعیت املاک مجاور، به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص، حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اجرایی این قانون، اقدام نمایند.

تبصره- اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی، ناقض امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده نباشد با رعایت الزامات آیین‌نامه اجرایی این قانون بلامانع است.»

**آقای علیزاده -** ماده (۵) را یک بار دیگر بخوانید. «ماده ۵- دستگاه‌های اجرایی می‌توانند پس از تعیین و تصویب حریم، برای برقراری امنیت با توجه به وضعیت املاک مجاور، به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص، حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اجرایی این قانون، اقدام نمایند.»

**آقای رهپیک -** خوب این ماده یک اشکالاتی دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، این ماده گفته است دستگاه‌های اجرایی می‌توانند هم بر اساس آن روش [= روش تحدید حقوق مالکانه‌ی اشخاص] انجام بدهند یا می‌توانند روش‌های دیگر را به کار ببرند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** یعنی مثلاً آن ملک را از مالک آن بخرند.

**آقای ابراهیمیان -** دستگاه اجرایی می‌تواند در غیر از حریم، تحدید حقوق مالکانه بکند؟ یعنی مثلاً بگوید یک طبقه نسا یا چند طبقه بساز؟

**آقای مدرسی یزدی -** نه، روش تحدید حقوق مالکانه‌ی



**آقای هاشمی شاهرودی -** ماده (۵) نگفته است که حقوق افراد حفظ شود، بلکه گفته است حقوق افراد تحدید شود. ماده (۵) گفته است که دستگاه‌های اجرایی می‌توانند حقوق افراد را محدود کنند.

**آقای علیزاده -** بله، صحبت از تحدید حقوق افراد است.

**آقای یزدی -** اینکه این ماده می‌گوید حقوق افراد محدود است، یعنی مالکیت اشخاص محدود است.

**آقای سلیمی -** به این ماده ابهام بگیرد؛ معلوم نیست که این ماده چه می‌گوید.

**آقای رهپیک -** این ماده، هم ابهام دارد و هم اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** حالا الآن ابهام این ماده را بگوئیم. حضرت آیت‌الله یزدی، همان‌طور که حضرت آیت‌الله شاهرودی فرمودند، اگر ماده می‌گفت برقراری امنیت دستگاه‌های اجرایی با حفظ حقوق مالکانه‌ی اشخاص باشد، درست بود. اگر می‌گفت برقراری امنیت با حفظ حقوق مالکیت، عبارت درست بود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، ولی این ماده نگفته است که حقوق افراد حفظ شود.

**آقای رهپیک -** بله، اصلاً معلوم نیست چطور می‌شود.

**آقای علیزاده -** این ماده می‌گوید برقراری امنیت حسب موازین قانونی باشد. ما نسبت به این مطلب حرفی نداریم، اما ما نسبت به آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون اشکال داریم.

**آقای مدرسی یزدی -** منظور، آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون است که آن را در آینده می‌نویسند.

**آقای رهپیک -** خب، اگر منظور این باشد هم اشکال باقی است؛ چون آیین‌نامه‌ی اجرایی هم در حدود همین قانون باید باشد.

**آقای علیزاده -** در این ماده اجازه‌ی محدود کردن حقوق افراد را [بر حسب موازین قانون] به دستگاه‌های اجرایی داده است. یعنی آیین‌نامه‌ی اجرایی هم اجازه‌ی محدود کردن را داده است.

**آقای رهپیک -** نه، این ماده گفته است که در حدود روش‌هایی که قانوناً در این مصوبه بیان شده است، به آیین‌نامه‌ی اجرایی عمل کنید، اما غیر از این روش‌ها، روش‌های دیگری هم وجود دارد که آن روش‌ها در آیین‌نامه تعیین می‌شود.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، شما این ماده را اشتباه معنا می‌کنید. این ماده می‌گوید دستگاه‌های اجرایی به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه‌ی اشخاص، حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اقدام نمایند.

**آقای رهپیک -** خیلی خب، «آیین‌نامه» را هم در این ماده ذکر

موازین قانونی و بعد گفته است طبق آیین‌نامه.

**آقای علیزاده -** اول ماده (۵) گفته است ایجاد محدودیت‌های امنیتی، به روش تحدید حقوق مالکانه ممکن است، اما این موضوع را به هیچ قانونی متکی نکرده است؛ لذا این قسمت هم اشکال دارد.

**آقای رهپیک -** مقصود از این موضوع، همین محدودیت‌هایی است که در این مصوبه گفته است.

**آقای علیزاده -** نگفته است.

**آقای رهپیک -** چرا؛ الآن در همین مصوبه، حقوق افراد را تحدید کرده است.

**آقای علیزاده -** نه دو تا مطلب در اینجا هست. اولین مطلب این است که اینکه در این ماده گفته است «دستگاه‌های اجرایی ... به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اجرایی این قانون، اقدام نمایند»، خب معلوم نیست «روش تحدید حقوق مالکانه» چیست؟ در این ماده، این موضوع را روشن نکرده است.

**آقای مدرسی یزدی -** [روش تحدید حقوق مالکانه] باید قانون داشته باشد.

**آقای علیزاده -** خب قانونی ندارد.

**آقای مدرسی یزدی -** ما باید با این قانون کار داشته باشیم. در اینجا گفته است تحدید حقوق افراد یا غیر آن، طبق قانون یا آیین‌نامه‌ی این قانون است.

**آقای سلیمی -** این ماده می‌گوید این کار طبق قانون انجام می‌شود؛ یعنی هر کجا که قانون اجازه داد، می‌توانید طبق آیین‌نامه‌ی این قانون حقوق اشخاص را تحدید کنید.

**آقای علیزاده -** آیین‌نامه‌ای که این ماده می‌گوید هم چیز معلومی نیست.

**آقای یزدی -** این ماده اصلاً نمی‌خواهد بگوید حقوق افراد به روش دیگر تحدید گردد، بلکه می‌گوید برای برقراری امنیت غیر از اینکه باید حقوق و حدود مالکیت افراد حفظ بشود، [روش‌های دیگری هم موجود است]. یعنی در اینجا این موضوع که برقراری امنیت نباید به مالکیت اشخاص خدشه وارد کند، مفروغ‌عنه است. یعنی مفروغ‌عنه است که [در برقراری امنیت دستگاه‌های اجرایی] حقوق مالکانه‌ی اشخاص حفظ بشود. معنای این عبارت، این‌طوری است.

**آقای علیزاده -** این ماده، حقوق افراد را محدود می‌کند.

**آقای رهپیک -** بله، تحدید می‌کند.

می‌دهد؟ نه، نمی‌دهد. یعنی می‌گویید این ماده دارد می‌گوید در آیین‌نامه یک محدودیت‌هایی اضافه بر قانون می‌توانند بنویسند؟

**آقای رهپیک -** این ماده دارد می‌گوید دستگاه‌های اجرایی در خصوص سایر روش‌ها، به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه، بر اساس آیین‌نامه عمل کنند. این موضوع، قانون می‌خواهد، نه آیین‌نامه.

**آقای علیزاده -** بله، این ماده از این جهت هم ابهام دارد؛ چون اگر این آیین‌نامه‌ای که در این ماده آمده است هم بخواهد مواد تضییق‌کننده داشته باشد، [قطعاً ایراد دارد].

**آقای مدرسی یزدی -** نه، این ماده می‌گوید این اقدامات بر اساس آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون است. در این ماده، مخصوصاً قید «اجرایی» را گذاشته‌اند.

**آقای رهپیک -** ولی تحدید مالکیت و حقوق باید با قانون بشود. **آقای سلیمی -** نوشتن آیین‌نامه‌ی قانون که اجباری نیست.

**آقای یزدی -** برای برقراری امنیت در این حدود، غیر از اینکه باید حدود مالکیت اشخاص محفوظ بماند، [روش‌های دیگری هم موجود است].

**آقای هاشمی شاهرودی -** محدودیت را از کجا می‌آورید؟

**آقای علیزاده -** این روش‌ها، به چه چیزی محدود است؟

**آقای رهپیک -** این ماده می‌گوید ما برای برقراری امنیت یک کارهای کردیم که مالکیت اشخاص را محدود نمودیم.

**آقای یزدی -** وقتی حریم معلوم شد، برای تأمین امنیت آن، غیر از تحدید حقوق مالکیت اشخاص، روش‌های دیگری هم وجود دارد.

**آقای رهپیک -** یعنی دستگاه‌های اجرایی می‌توانند برای برقراری امنیت یک کارهای دیگری هم بکنند.

**آقای علیزاده -** اگر آن آیین‌نامه‌ی اجرایی در چارچوب قانون نوشته شود، درست است، ولی حالا این ماده آمده است و تعیین محدودیت‌ها را به آیین‌نامه واگذار کرده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** محدودیت که برای این آیین‌نامه نیست؛ تحدید، برای حقوق مالکانه‌ی افراد است.

**آقای مؤمن -** [محدودیت‌هایی که به این آیین‌نامه واگذار شده است]، اضافه بر آن محدودیت‌ها [= محدودیت‌های ناظر بر روش تحدید حقوق مالکانه‌ی اشخاص] است.

**آقای مدرسی یزدی -** تحدید به اینجا [= آیین‌نامه] مربوط نمی‌شود.

کرده است؛ ذکر «آیین‌نامه» اشکال دارد؛ چون قانون باید حدود محدودیت حقوق افراد را تعیین کند، نه آیین‌نامه.

**آقای علیزاده -** این ماده مبهم است. شما این ابهام را قبول دارید؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای علیزاده -** حضراتی که می‌گویند تحدید حدود در این ماده ابهام دارد، بفرمایند.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، این ماده از این جهت ابهامی ندارد.

**آقای رهپیک -** در قانون، ضابطه‌ی تحدید حدود می‌آید که بعداً باید برای این ضوابط آیین‌نامه بنویسند. اما ماده (۵) می‌گوید که برقراری امنیت به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه‌ی اشخاص بر اساس موازین قانونی و آیین‌نامه‌ی این قانون باشد.

**آقای علیزاده -** به ابهام این ماده که رأی می‌دهید؟

**آقای ابراهیمیان -** بله، مجلس باید مشخص کند که این روش‌ها چه مواردی هستند.

**آقای علیزاده -** آقایانی که به این ابهام رأی می‌دهند، بفرمایند.

**آقای رهپیک -** ابهام که دارد. علاوه بر آن، روش‌های دیگر محدود کردن حقوق مالکانه هم باید با قانون تعیین شود، نه با آیین‌نامه.

**آقای علیزاده -** ابهام این ماده رأی آورد.

**آقای مدرسی یزدی -** شما در ایراداتان بگویید که این ماده ابهام دارد و مشخص نیست که به چه کسی بر می‌گردد.

**آقای علیزاده -** نه، ما باید بگوییم ضوابط آیین‌نامه‌ی اجرایی را هم قانون باید تعیین کند.

**آقای مدرسی یزدی -** خب این مطلب که معلوم است؛ این ماده هم دارد می‌گوید آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این ماده گفته است که بر اساس آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون اقدام شود؛ یعنی ضابطه‌اش در این قانون هست.

**آقای رهپیک -** نه، در این مصوبه روش‌های دیگر را که ذکر نکرده است. آیین‌نامه‌ی اجرایی برای چه کاری است؟

**آقای مدرسی یزدی -** برای این قانونی است که خود مجلس تصویب کرده است.

**آقای رهپیک -** می‌دانم؛ آیین‌نامه‌ی اجرایی برای چه کاری است؟ برای اقدام برای تحدید حقوق مالکانه است؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** یعنی شما می‌گویید که این ماده دارد اختیار سایر روش‌های تحدید حقوق افراد را به آیین‌نامه

**آقای علیزاده** - «ماده ۵- دستگاه‌های اجرایی می‌توانند پس از تعیین و تصویب حریم، برای برقراری امنیت با توجه به وضعیت املاک مجاور، به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص، حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اجرایی این قانون، اقدام نمایند.»

**آقای سلیمی** - «تحدید» یعنی چه؟

**آقای علیزاده** - یعنی محدود کردن.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این «محدود کردن» که مبهم است.

**آقای مؤمن** - محدود کردن، مبهم است.

**آقای علیزاده** - اگر ویرگول را نمی‌گذاشت، می‌گفتیم خب منظور این ماده، یک نوع تصویب مقررات است. اما حالا که ویرگول گذاشته است، یعنی سه راه برای این کار پیش‌بینی کرده است: یکی تحدید حقوق افراد، یکی با توجه به موازین قانونی، یکی هم اینکه آیین‌نامه بگوید چه کار کنند.

**آقای مدرس‌یزدی** - منظور این ماده از آیین‌نامه، آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون است.

**آقای ره‌پیک** - بله، منظور این ماده، آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون است، ولی در مورد روش‌های دیگر چیزی نگفته است.

**آقای علیزاده** - اسم این را آیین‌نامه‌ی اجرایی گذاشته‌اند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این می‌شود «ما فی بطن الشاعر»!

**آقای مدرس‌یزدی** - حالا ابهامی که می‌توانید به این ماده بگیرید این است که به مجلس بگویید که مقصودتان از این موازین قانونی چیست؟

**آقای علیزاده** - ما در ایرادمان به مجلس باید بگوییم که آیا شما در آیین‌نامه می‌خواهید به غیر از آن ضوابطی که در قانون آمده است، محدودیت‌ها را تعیین بکنید یا نه؟

**آقای مدرس‌یزدی** - نه، البته که این ماده این مطلب را نمی‌خواهد بگوید. آیین‌نامه، مربوط به بیان شیوه‌های اجرایی است، [ولی تعیین ضوابط در حد تقنین است].

**آقای علیزاده** - چرا! این ماده همین مطلب را دارد می‌گوید.

**آقای ره‌پیک** - این ماده می‌گوید تعیین حریم امنیتی، یک سری روش‌های تحدید حقوق مالکانه دارد که آن به کنار، ولی امنیت را به طُرُق دیگر حسب موازین قانونی و آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون تأمین کنند. حالا آن روش‌های دیگر تأمین امنیت کدام

است؟ آیا می‌شود آن روش‌ها را با آیین‌نامه درست کرد؟  
**آقای مدرس‌یزدی** - این ماده، سه شرط را ذکر کرده است: تحدید حقوق مالکانه، موازین قانونی، آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون.

**آقای ره‌پیک** - خب این ماده، می‌گوید به روش‌های دیگر امنیت تأمین بشود؛ می‌گوید امنیت حریم را به دو روش برقرار کردیم: یکی از طریق تحدید حقوق مالکانه و دوم از طریق موازین قانونی و آیین‌نامه.

**آقای سلیمی** - این یعنی چه؟

**آقای ره‌پیک** - یعنی ما برای برقراری امنیت حریم می‌گوییم [با آیین‌نامه هم می‌شود عمل کرد].

**آقای هاشمی شاهرودی** - یعنی شخص اصلاً نمی‌تواند مالک بشود. البته، ما به این ماده ابهام گرفتیم.

**آقای ره‌پیک** - نه، مثلاً [دستگاه اجرایی بر اساس آیین‌نامه] به مالک می‌گوید ملک را سه طبقه نساز، یک طبقه بساز.

**آقای مؤمن** - خیلی خب، معنای این ماده، محدود کردن اشخاص نیست. شما می‌گویید نمی‌دانیم معنای این ماده چیست. ایشان [= آقای ره‌پیک] می‌گوید معین کردن آن محدودیت‌ها حق قانون است. این ماده هم، دالّ بر [تعیین این محدودیت‌ها توسط] قانون است.

**آقای ره‌پیک** - ایراد من، این مسئله نیست. من می‌گویم که این ماده، برای برقراری امنیت، دو روش را ذکر کرده است. این ماده می‌گوید به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه، روش‌های دیگری هم برای برقراری امنیت وجود دارد که این روش‌های دیگر بر حسب موازین قانونی و آیین‌نامه‌ی اجرایی مشخص می‌شود.

**آقای مؤمن** - پس این روش‌ها، به آن تعیین محدودیت [از سوی قانون] اضافه می‌شود.

**آقای علیزاده** - چه موارد دیگری برای برقراری امنیت هست؟

**آقای مدرس‌یزدی** - گفته است حسب آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون.

**آقای مؤمن** - آیین‌نامه‌ی اجرایی می‌تواند این محدودیت‌ها را تصویب کند؟

**آقای ره‌پیک** - اصلاً در قانون، روش‌های دیگر بیان نشده است که آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون معنا پیدا کند.

**آقای مؤمن** - آیین‌نامه‌ی اجرایی می‌تواند این موارد را تصویب کند؟

۱ «المعنی ما فی بطن الشاعر»، عبارتی مصطلح است که آن را در مورد سخنی گویند که مبهم یا بدون معنی باشد. لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل عبارت «المعنی فی بطن الشاعر».

آیین‌نامه بنویسند خوب بود، ولی این ماده می‌گوید تعیین محدودیت‌ها حسب موازین و آیین‌نامه‌ی اجرایی باشد.

**آقای مدرسی یزدی -** منظورش، آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون است.

**آقای رهپیک -** باشد.

**آقای ابراهیمیان -** اگر یک آیین‌نامه‌ی اجرایی تصویب بشود که حقوق مالکانه‌ی خصوصی اشخاص را تحدید نکند، مثلاً بگویند شما شب‌ها حق عبور و مرور از این محدوده را ندارید، [درست نیست]. یک احتمال دیگری هم وجود دارد و آن اینکه که ما قوانین دیگری داشته باشیم که مثلاً به پلیس اجازه می‌دهد رفت و آمدها را کنترل و محدود بکند. خوب در این صورت، ما آنجا موازین قانونی‌ای داریم که شورای نگهبان هم قبلاً آن را تأیید کرده است. ولی عموم اختیارات وضع مقررات در آیین‌نامه برای کنترل حریم امنیتی، ممکن است متضمن تحدید برخی از حقوق باشد، مثل محدود کردن حق رفت و آمد که ممکن است منشأ قانونی نداشته باشد.

**آقای مؤمن -** اگر این‌طور باشد، نمی‌توانند [تعیین این محدودیت‌ها را به آیین‌نامه واگذار کنند].

**آقای ابراهیمیان -** خوب همین؛ ما هم می‌گوییم نمی‌توان این ماده را این‌گونه نوشت.

**آقای علیزاده -** عبارت این ماده، مبهم است.

**آقای مؤمن -** این ماده مبهم است. این، همان اشکال اول شما است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ما باید اشکال اولمان را توسعه بدهیم.

**آقای علیزاده -** ما می‌گوییم این قسمت از ماده (۵) مبهم است و معلوم نیست آیا خود آیین‌نامه هم می‌تواند محدودیت ایجاد کند یا نه. می‌نویسیم با توجه به نحوه بیان ماده، معنای این عبارت را روشن کنید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** عبارت این ماده، مبهم است.

**آقای علیزاده -** بله، مبهم است. آقایانی که می‌فرمایند این عبارت مبهم است، رأی بدهند.

**آقای شب‌زنده‌دار -** عیبی ندارد؛ ما هم به این ابهام رأی می‌دهیم.

**آقای رهپیک -** رأی آورد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** الآن دو تا ابهام شد.

**آقای علیزاده -** پس می‌گوییم «آیا آیین‌نامه هم محدودیتی برای اشخاص ایجاد می‌کند؟ این عبارت مشخص نیست و ابهام

**آقای علیزاده -** این ماده باید بگوید برقراری امنیت بر حسب موازین قانونی است و بعد از آن بگوید که آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون هم نوشته بشود.

**آقای رهپیک -** بله، این ماده باید بگوید حسب موازین قانونی.

**آقای مؤمن -** تعیین این محدودیت‌ها، کار آیین‌نامه‌ی اجرایی نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** یعنی الآن طبق این ماده، اختیار قانون‌گذاری در ضمن آیین‌نامه داده شده است.

**آقای مؤمن -** نه.

**آقای رهپیک -** بله.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این ماده، می‌خواهد همه‌ی اختیار را به آیین‌نامه‌ی اجرایی بدهد.

**آقای رهپیک -** اینها می‌خواهند همه‌ی محدودیت‌های قانونی را در آیین‌نامه‌ی اجرایی بیاورند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اصلاً معنای حقوق مالکانه همین است که مالک هر کاری می‌تواند بکند.

**آقای رهپیک -** بله، طبق قانون اساسی مالکیت هر کسی آزاد است؛ حقوقش آزاد است، مگر اینکه به موجب قانون محدودیتی برای او ایجاد بشود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** به هر حال، تعیین این محدودیت‌ها، فقط با قانون امکان‌پذیر است. اینکه این ستاد، محدودیتی تشخیص بدهد و مثلاً به مالک بگوید دیگر حق نداری که در این حریم بنایی را بسازی، درست نیست.

**آقای رهپیک -** ما به تعیین محدودیت‌ها توسط آیین‌نامه اشکال داریم. اشکال ما به آیین‌نامه است. ما می‌گوییم با آیین‌نامه نمی‌شود محدودیت قانونی ایجاد کرد.

**آقای مؤمن -** اگر منظور، آیین‌نامه‌ی اجرایی باشد، این محدودیت است.

**آقای ابراهیمیان -** الآن بحث مربوط به تحدید حقوق مالکانه‌ی اشخاص است. ما تحدید حقوق مالکانه و مخصوصاً سلب مالکیت را بدون اینکه جبران بشود نمی‌پذیریم.

**آقای علیزاده -** ما به این ماده ابهام گرفتیم.

**آقای مدرسی یزدی -** خوب آن [شخصی که مالکیتش به واسطه‌ی آیین‌نامه‌ی اجرایی محدود شده است] به دیوان عدالت اداری شکایت می‌کند.

**آقای رهپیک -** اگر این ماده می‌گفت تعیین محدودیت‌ها حسب موازین قانونی باشد و بعد بروند برای آن محدودیت‌ها

**آقای مؤمن -** یعنی در آیین نامه شرط اضافه‌ای بگذارند؟  
**آقای رهپیک -** در اینجا که شرطی نگذاشته‌اند. در این تبصره که برای اسکان و اشتغال شرطی نگذاشته‌اند. می‌خواهند برای اشتغال و اسکان در آیین نامه شرط بگذارند. معنای این تبصره چیست؟ معنایش این است که در آیین نامه حدود حق اسکان و اشتغال افراد را تعیین کنند، در حالی که این موضوع نیاز به قانون دارد.

**آقای مؤمن -** منظور، آیین نامه است یا آیین نامه‌ی اجرایی است؟  
**آقای علیزاده -** منظور، آیین نامه‌ی اجرایی است. این تبصره گفته است که آیین نامه‌ی اجرایی، این الزامات را تعیین کند. تعیین الزامات توسط آیین نامه، مدّ نظر این تبصره است.  
**آقای رهپیک -** قانون این آیین نامه کجاست؟ این آیین نامه، قانون ندارد. برای تعیین این الزامات، قانونی وضع نشده است.  
**آقای مؤمن -** این تبصره گفته است طبق آیین نامه‌ی اجرایی، هر چه می‌خواهید انجام دهید. اگر در قانون الزاماتی وجود نداشته باشد، هیچ الزامی از قانون استفاده نمی‌شود. در نتیجه، آن آیین نامه، آیین نامه‌ی اجرایی نیست.

**آقای سلیمی -** این تبصره می‌گوید اسکان افراد با رعایت الزامات آیین نامه بلا مانع است. شما آن طرف منفی قضیه را گرفته‌اید.  
**آقای علیزاده -** می‌دانم؛ ما قبول داریم. اما این تبصره دارد الزام می‌آورد. بر همین اساس، فردا می‌توانند به شخص بگویند هر روز دو بار دست زن و بچه‌ها را بگیر و به اینجا بیاور تا من آنها را ببینم! خوب ممکن است در این آیین نامه یک الزامات این طوری برای مردم ایجاد کنند. یا ممکن است مثلاً در آیین نامه بگویند مأموران ما می‌توانند هر وقت خواستند بیایند و داخل خانه‌ها را ببینند.

**آقای رهپیک -** درست است؛ این حکم، مفهوم دارد. وقتی که می‌خواهید چنین حکمی را بیان کنید، باید آن طرفش را هم در نظر بگیرید.

**آقای مؤمن -** منظور از آیین نامه‌ی اجرایی، همین است.  
**آقای مدرس‌ی یزدی -** یعنی می‌فرمایید در اینجا می‌خواهند الزامات آیین نامه، مضاف بر قانون باشد.  
**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای علیزاده -** بله، چون گفته است باید الزاماتی که در آیین نامه می‌آید، رعایت شود.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** پس این دیگر اسمش آیین نامه نیست، بلکه قانون است.

دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.<sup>۱</sup>  
**آقای هاشمی شاهرودی -** تبصره‌ی ماده (۵) را بخوانید.  
**آقای علیزاده -** «تبصره - اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی، ناقض امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده نباشد با رعایت الزامات آیین نامه اجرایی این قانون بلامانع است.»  
**آقای رهپیک -** در این تبصره هم دوباره آیین نامه را آورده است.  
**آقای سلیمی -** نه، گفته است اسکان و اشتغال این اشخاص با رعایت الزامات آیین نامه بلامانع است.  
**آقای رهپیک -** خوب این یعنی چه؟ این الزامات، به قانون نیاز دارد، نه آیین نامه.

**آقای علیزاده -** بله، الزامات را قانون باید معین کند، اما این تبصره، تعیین الزامات را به آیین نامه داده است.  
**آقای مؤمن -** منظور، آیین نامه‌ی اجرایی است.  
**آقای مدرس‌ی یزدی -** آیین نامه که خلاف قانون نیست.  
**آقای رهپیک -** اصلش باید در قانون بیاید.  
**آقای هاشمی شاهرودی -** این آیین نامه نمی‌خواهد حقوق افراد را تحدید بکند.  
**آقای سلیمی -** این تبصره، بر خلاف ماده (۵) است.

**آقای مؤمن -** چرا؟  
**آقای سلیمی -** چون در ماده (۵) با «آیین نامه‌ی اجرایی» می‌خواستند تحدید حقوق ایجاد کنند، اما این آیین نامه می‌خواهد اجازه دهد که افراد غیر ایرانی هم در محدوده‌ی حریم، اسکان پیدا کنند.

**آقای مؤمن -** چرا؟ این آیین نامه، آیین نامه‌ی اجرایی است.  
**آقای علیزاده -** این تبصره گفته است اسکان و اشتغال افراد با رعایت الزاماتی است که در آیین نامه آمده است؛ یعنی دارد تعیین الزامات را به آیین نامه می‌دهد.

**آقای مؤمن -** فرض این است که این آیین نامه، آیین نامه‌ی اجرایی است.

**آقای رهپیک -** معنای این تبصره این است که در آیین نامه می‌خواهند یک شرایطی برای اسکان و اشتغال افراد در محدوده‌ی حریم امنیتی بگذارند.

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ شورای نگهبان: «۲- در ماده (۵)، عبارت «به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص» واجد ابهام است؛ مضافاً به اینکه در این ماده مشخص نیست که آیا منظور این است که با آیین نامه اجرایی محدودیت‌هایی برای اشخاص ایجاد گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. ...»

**آقای مؤمن -** آیین‌نامه، اطلاق دارد. منظور از آیین‌نامه در اینجا، آیین‌نامه‌ی اجرایی است.

**آقای علیزاده -** بله خب، اشکال همین است. اینها اسمش را آیین‌نامه گذاشته‌اند، [در حالی که تعیین الزامات در حد قانون است]. ما تا به حال به چندین مصوبه‌ی مجلس چنین ایرادی گرفته‌ایم و گفته‌ایم که شما اسم این مقررات را «دستورالعمل» گذاشته‌اید، اما در واقع، این در حد «آیین‌نامه» است.<sup>۱</sup>

**آقای هاشمی شاهرودی -** این تبصره گفته است که بر طبق الزامات آیین‌نامه، اشتغال و اسکان افراد را منع کنید.

**آقای رهپیک -** شما باید در ایراداتان بگویید شأن تعیین این الزامات، قانون‌گذاری است، نه آیین‌نامه.

**آقای علیزاده -** این تبصره می‌خواهد از الزامات قانونی فرار بکند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** در حقیقت، معنای این تبصره، همین است. معنای این تبصره این است که در جایی که اسکان و اشتغال افراد، مخالف با مسائل امنیتی نباشد، باز هم باید الزامات آیین‌نامه رعایت شود. این قید دومی، خلاف است؛ چون این تبصره با قید رعایت الزامات آیین‌نامه، فرض کرده

۱. شورای نگهبان تا کنون در موارد متعدد، تصویب مقررات یا وضع ضوابط در قالب «دستورالعمل» را مغایر اصل (۶۰) یا (۸۵) قانون اساسی دانسته است. به عنوان نمونه، در بند (۲۷) نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۷۳۳ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۲۷- در این قانون در موارد متعدد از جمله در ماده (۹۷)، اجرای مواد را بر اساس دستورالعمل قرارداد، که نیازمند به تعیین ضوابط توسط مجلس شورای اسلامی و یا تصویب آیین‌نامه اجرایی توسط وزیر یا هیئت وزیران است؛ فلذا لازم است نسبت به اصلاح آنها اقدام، و آلاً مغایر اصول (۸۵) و (۶۰) قانون اساسی است.» متن ماده (۹۷) لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، بدین شرح بود: «ماده ۹۷-

الف- به منظور ارتقاء مشارکت بنگاه‌ها و افزایش سهم تشکل‌ها، شبکه‌ها، خوشه‌ها، اتحادیه شرکت‌ها (کنسرسیوم‌ها)، شرکت‌های مدیریت صادرات و شرکت‌های بزرگ صادراتی و دارای تنوع محصول، دولت مجاز است کمک‌ها، تسهیلات، مشوق‌ها و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم خود در حوزه صادرات غیرنفتی را از طریق این تشکل‌ها و بر اساس دستورالعملی که ظرف شش ماه توسط وزارت بازرگانی تهیه و پس از تأیید معاونت ابلاغ خواهد شد، اعطاء نماید. ...» برای آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد دوم (اصول ۵۶ تا ۷۵ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، ذیل اصل شصتم، صص ۲۱۷-۳۲۲.

است که اسکان و اشتغال افراد، خلاف مسائل امنیتی است.  
**آقای علیزاده -** معلوم نیست که این الزامات علاوه بر الزامات قانونی است یا نه.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای مؤمن -** خیلی خب.

**آقای علیزاده -** پس این تبصره ابهام دارد؛ باید معلوم کنند که این الزامات چیست؟

**آقای رهپیک -** این ابهام هم رأی آورد.

**آقای ابراهیمیان -** اگر رأی آورد که هیچ؛ ولی خواستم عرض بکنم که طبع این مصوبه، خیلی موردی است.

**آقای رهپیک -** اگر اجازه بدهید که خود آیین‌نامه این الزامات را تعیین بکند و قانونی وجود نداشته باشد که ضابطه‌ی این الزامات را معین کند، [می‌توانند هر کاری که بخواهند انجام دهند].

**آقای علیزاده -** ابهام تبصره، به این صورت شد که معلوم نیست آیا منظور از الزامات، غیر از الزامات قانونی است؟ اگر منظور، الزامات قانونی است، قانون آن را معلوم بکنید و اگر منظور، غیر آن است، این تبصره ابهام دارد.<sup>۲</sup>

**منشی جلسه -** «ماده ۶- شهرداری‌ها و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط موظفند در صورت مراجعه مالکان املاک (عرصه و اعیانی) واقع در حریم امنیتی اماکن و تأسیسات موضوع این قانون برای اخذ پروانه، آنان را با ذکر حقوق متعلقه بر اساس تراکم پایه شهر یا وفق طرح‌های شهرسازی مصوب، به دستگاه‌های اجرایی معرفی نمایند. دستگاه‌های اجرایی مربوط مکلفند حقوق متعلقه اعلامی را با رعایت لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی به قیمت روز حداکثر ظرف هجده ماه پرداخت نمایند.»

**آقای مدرسی یزدی -** مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب قطعی است؟

**آقای علیزاده -** یکی دو ماده از این مصوبه اشکال داشت که شما به آن ایراد شرعی گرفتید و از نظر شرعی نسخ شد.<sup>۳</sup>

۲. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ شورای نگهبان: «۲- ... به علاوه، در تبصره این ماده نیز منظور از عبارت «با رعایت الزامات» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر می‌گردد.

۳. شورای نگهبان در ضمن بررسی طرح اصلاح ماده (۱۱۰) قانون شهرداری مصوب ۱۳۸۸/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی و نیز لایحه برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی، و همچنین طرح حمایت از

**آقای ره‌پیک** - البته خود مجلس یک تغییراتی در آن [= لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب] داده است.<sup>۱</sup>

**آقای مدرسی یزدی** - به هر حال، این نکته تذکر داده شود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بگوئید مجلس به این لایحه قانونی و اصلاحیه‌های آن ارجاع بدهد.

**آقای علیزاده** - این ایراد را یادداشت کنید. ظاهراً ایراد آن مصوبه، همان اشکال ماده (۴) است.

**آقای مدرسی یزدی** - خود مجلس اصلاحیه را در همین جا بنویسد. این اصلاحیه، حتماً باید در این مصوبه باشد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - تذکر بدهید که اصلاحیه‌ی مصوبه‌ی شورای انقلاب در این ماده ذکر شود.<sup>۲</sup>

**منشی جلسه** - «تبصره ۱- تملک و تصرف املاک مذکور پس از پرداخت نقدی حقوق مالکانه به قیمت روز امکان‌پذیر است.»

**آقای علیزاده** - معنای این تبصره آن است که دستگاه‌های اجرایی اول در ملک مالک تصرف نکنند، بعد بگویند که بعداً قیمت ملک را می‌پردازیم، [بلکه اول باید قیمت ملک را پرداخت کنند و بعد در آن تصرف کنند].

**آقای سلیمی** - ذیل ماده (۶) گفته است قیمت حقوق متعلقه اعلامی را هجده ماه بعد بپردازند.

**آقای علیزاده** - گفته است ظرف هجده ماه بعد از تملک، آن ملک را بخرند.

**آقای مدرسی یزدی** - خب الان این ماده دارد آن قانون را زنده می‌کند.

**آقای علیزاده** - نه، زنده نمی‌کند؛ فقط مواردی که به آنها ایراد گرفتید، خلاف شرع بود.

**آقای مدرسی یزدی** - حالا باز هم در اینجا این نکته را تذکر بدهید؛ چون ظاهراً این ماده دارد به آن مصوبه ارجاع می‌دهد. بنویسید با توجه به اینکه قسمتی از آن مصوبه نسخ شده است، [ماده (۶) واجد اشکال شرعی است].

**آقای هاشمی شاهرودی** - [ارجاع این ماده به آن مصوبه، باید] به جز موادی باشد که به آن اشکال گرفته شده و نسخ گردیده است.

**آقای علیزاده** - یعنی می‌فرمایید آن مصوبه را بیاوریم و بگوئیم این ماده بر اساس آن مصوبه‌ای که قبلاً توسط شورای نگهبان به آن اشکال گرفته شده است، ایراد دارد؛ یعنی مثل تبصره (۴) است که قبلاً به آن ایراد گرفتیم.



احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۳ مجلس شورای اسلامی، با عبارتی مشابه، ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب را مغایر با موازین شرع و اصل (۱۵۹) قانون اساسی اعلام کرده است. به عنوان مثال، شورای نگهبان در بند (۱۰) نظر شماره ۸۹/۳۰/۲۱/۴۱۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹ خود در خصوص لایحه برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۹/۱۷ اظهار داشت: «۱۰- نظر به اینکه تبصره بند (الف) ماده (۱۵۴)، «لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب» را ملاک عمل قرارداده است، عبارت «قطعی و لازم‌الاجراء است» در ماده (۴) لایحه قانونی مذکور، خلاف موازین شرع و اصل (۱۵۹) قانون اساسی شناخته شد.»

ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب مقرر می‌کرد: «ماده ۴- هرگاه نسبت به تعیین بهای عادلانه اراضی و ابنیه و تأسیسات و حقوق و خسارات وارده بین دستگاه اجرایی و مالک توافق حاصل نشود، بهای عادلانه توسط هیئتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌گردد. کارشناسان یک نفر از طرف دستگاه اجرایی، یک نفر از طرف مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین و در صورت عدم توافق یا استنکاف به معرفی دادگاه صالحه محل وقوع ملک انتخاب می‌شوند. رأی اکثریت هیئت مزبور، قطعی و لازم‌الاجراء است.» برای آگاهی کامل از محتوا و سیر مراحل مصوبات فوق، بنگرید به: فتوحی، محمد، کوهی اصفهانی، کاظم و صالحی، محمد، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد چهارم (اصول ۱۱۳ تا ۱۷۷ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶، ذیل اصل یکصد و پنجاه و نهم، صص ۶۵۸-۶۶۰.

۱. مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲، لایحه الحاق یک تبصره به ماده (۱) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجراء طرح‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ را به تصویب رساند که این مصوبه، در جلسه ۱۳۸۸/۲/۲۳ شورای نگهبان بررسی شد و مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد. نظر شورای نگهبان در این خصوص، طی نامه‌ی شماره ۸۸/۳۰/۳۲۵۲۰ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام شده است. برای آگاهی کامل از محتوا و سیر مراحل این مصوبه، بنگرید به پرونده‌ی این مصوبه در سامانه‌ی جامع نظرات شورای نگهبان، قابل دسترسی در نشانی زیر: [yon.ir/LTcR5](http://yon.ir/LTcR5)

۲. بند (۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ شورای نگهبان: «۳- همان‌طور که قبلاً طی نظریه‌های متعدد از جمله به موجب نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۴۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۹ اعلام شده است، ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی، خلاف شرع می‌باشد؛ لذا ماده (۶) واجد اشکال شرعی است. ...»

**آقای ره‌پیک -** این تبصره یک ابهامی دارد؛ گفته است پس از پرداخت نقدی قیمت ملک به قیمت روز، تملک امکان‌پذیر است. ظاهر این است که [این تبصره، حکم ذیل این ماده را] درست کرده است. البته این تبصره یک ابهام کوچکی دارد؛ چون حکمش را چندان صریح نگفته است.

**آقای یزدی -** یعنی دستگاه اجرایی باید پول ملک را به مالک بدهد، بعد آن را تملک کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** تبصره (۱) دارد می‌گوید تملک پس از پرداخت نقدی به قیمت روز امکان‌پذیر است.

**آقای مدرسی یزدی -** خب پس [حکم تبصره (۱) با حکم ذیل ماده] توافق دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، توافق ندارد.

**آقای مدرسی یزدی -** ذیل ماده (۶) می‌گوید در ظرف هجده ماه، قیمت ملک را پرداخت نمایند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** منظور از آن ذیل ماده (۶)، اداء قیمت ملک [ظرف مدت هجده ماه] است.

**آقای مدرسی یزدی -** خیلی خب، من هم همین را می‌گویم؛ منظور، پرداخت قیمت به نرخ روز اداء است. خب چرا باید پرداخت به نرخ روز اداء باشد؟! آن بنده‌ی خدا هجده ماه قبل ملکش را فروخته است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ملک را نسبه می‌خرند. این، مثل نسبه است. دستگاه اجرایی ملک را از مالک نسبه می‌خرد، ولی روزی که مالک می‌خواهد سند مالکیت را به نام دستگاه اجرایی بزند، قیمت روز پرداخت ملاک محاسبه‌ی قیمت قرار می‌گیرد. به قیمت روز پرداخت کردن، با نسبه بودن تملک منافاتی ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** البته منظور در اینجا، این نیست.

**آقای ره‌پیک -** نه، تملک همان موقع صورت می‌گیرد.

**آقای علیزاده -** معنای اینکه گفته‌اند قیمت روز، ظرف هجده ماه پرداخت می‌شود معلوم نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** آیا معنایش این است که دستگاه اجرایی می‌تواند ظرف هجده ماه در پرداخت تأخیر بکند؟

**آقای علیزاده -** بله.

**آقای ابراهیمیان -** بله، می‌تواند.

**آقای مدرسی یزدی -** آخر یعنی چه؟

**آقای علیزاده -** ما باید به مجلس بگوییم منظور از هجده ماه در ذیل ماده (۶)، چیست. ما می‌گوییم در این ماده، منظور از

**آقای مدرسی یزدی -** بله، درست است؛ من هم همین را فهمیده بودم.

**آقای علیزاده -** این مهلت هجده ماه، معنایش این است که اگر در این مدت آن ملک را نگرفتند، آن طرح باطل می‌شود.

**آقای مدرسی یزدی -** بله.

**آقای ره‌پیک -** بله.

**آقای علیزاده -** این نوع دوم تصرف منوط به این است که پول آن ملک را پرداخت کنند.

**آقای مدرسی یزدی -** یعنی دستگاه اجرایی تا پول ملک را ندهد، نمی‌تواند در آن تصرف بکند؛ مثل خیلی جاها نباشد که دستگاه‌ها یک ملکی را تصرف می‌کنند و بیست سال بعد از آن، همان قیمت بیست سال قبل را به مالک می‌دهند.

**آقای علیزاده -** بله، اول دستگاه اجرایی باید پول ملک را به مالک بدهد، بعد آن را تملک کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این مطلب، مشخص است.

**آقای سلیمی -** قیمت روز پرداخت، یعنی آن روزی که دستگاه اجرایی پول ملک را به مالک می‌دهد، قیمت همان روز را باید بدهد. از طرف دیگر، دستگاه اجرایی برای پرداخت پول ملک هم تا هجده ماه وقت دارد.

**آقای یزدی -** اگر می‌خواهند ملک فردی را تملک کنند، باید قیمت روز ملک را به مالک بدهند؛ به قیمت همان موقعی که می‌خواهند با مالک قرارداد ببندند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، ذیل ماده (۶) نوشته است که حقوق متعلقه اعلامی به قیمت روز، حداکثر ظرف هجده ماه به مالک پرداخت شود.

**آقای سلیمی -** خب در طول هجده ماه، قیمت‌ها خیلی تغییر می‌کند.

**آقای علیزاده -** نه، این ماده که نمی‌خواهد بگوید دستگاه‌های اجرایی بعد از هجده ماه پول ملک را به مالک بدهند. ما یک قانونی داریم که این ماده می‌خواهد به آن قانون اشاره کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** تصرف دستگاه اجرایی در ملک مالک، پس از پرداخت قیمت آن امکان‌پذیر است.

**آقای شب‌زنده‌دار -** ما تملک پس از پرداخت داریم؟

**آقای مدرسی یزدی -** بله.

**آقای یزدی -** تملک و تصرف املاک پس از پرداخت قیمت آن، یعنی اول باید پول ملک را به قیمت روز به مالک بدهند تا بتوانند در آن ملک تصرف بکنند.



**آقای علیزاده -** این تبصره، به قانون فعلی کاری ندارد. این ماده باید بگوید اگر ارزش آن ملک در این مدت تغییر کند، [چه باید بکنند]. این قیمت، واقعاً اشکال دارد.

**آقای ابراهیمیان -** وقتی می‌گوید شما یک سال و نیم وقت دارید قیمت روز را بدهید، ظهورش در این است که یک ابتدایی داریم که این ابتدا، همان تاریخ قیمت‌گذاری است. بعد از هجده ماه، شما باید همان قیمت را بپردازید. **آقای رهپیک -** نه.

**آقای ابراهیمیان -** ظاهر این ماده همین است. به حکم ذیل این ماده ابهام نگیرید، ولی اگر از نظر شرعی به این حکم اشکال دارید بفرمایید.

**آقای مدرسی یزدی -** حالا آمدیم و یک سازمانی به مالک پول نداد و پول را تا آخر هجده ماه نگه داشت [در آن صورت، تکلیف این فروشنده چه می‌شود].

**آقای علیزاده -** خود شما دیده‌اید؛ ممکن است یک مرتبه قیمت ملک، ثلث می‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این تبصره (۱) با ذیل ماده تفاوت دارد.

**آقای علیزاده -** الان ما به مجلس بگوییم که منظور از اینکه دستگاه اجرایی باید قیمت ملک را به قیمت روز اصلی، ظرف هجده ماه به مالک پرداخت کند، روشن نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** تملک ملک، بعد از پرداخت قیمت آن است و دستگاه اجرایی، هجده ماه فرصت دارد که قیمت ملک را پرداخت کند.

**آقای ابراهیمیان -** ما حقوق مالکانه را خیلی محدود می‌کنیم و برای آن عوض هم نمی‌گذاریم؛ مثلاً به مالک می‌گوییم با اینکه در شمال زمین داری، نباید در فلان ارتفاع خانه بسازی. حالا آیا اگر دولت به کسی بدهکار باشد، می‌توانیم به مالک بگوییم وضع عمومی بودجه اقتضا می‌کند که بدهی شما یک سال بعد پرداخت شود؟ آیا این با شرع مغایر است؟ آیا درست است که به خاطر رعایت حقوق عمومی، به دستگاه‌های اجرایی بگوییم شما مال یک فرد را که باید به او رد کنی، یک سال وقت داری که پرداخت کنی؟

**آقای علیزاده -** دستگاه اجرایی دارد مال مردم را می‌گیرد [و می‌خواهد بعد از هجده ماه، پول آن را پرداخت کند]!

**آقای ابراهیمیان -** تبصره (۱) این موضوع را حل کرده است؛ به دستگاه‌های اجرایی گفته است تا زمانی که شما پول ملک را

هجده ماه چیست. آقایانی که می‌فرمایند ذیل این ماده ابهام دارد، بفرمایند.

**آقای مدرسی یزدی -** ممکن است بعضی وقت‌ها قیمت این ملک، در طول این مدت، ثلث شود.

**آقای رهپیک -** تبصره یک چیزی را درست کرده است، ولی ابهام دارد. می‌شود به این تبصره ابهام گرفت.

**آقای ابراهیمیان -** تبصره، ابهامی ندارد. **آقای هاشمی شاهرودی -** این تبصره می‌گوید قیمت روز ملک،

با حفظ قیمت تأخیر در اداء باشد.

**آقای رهپیک -** نه، باید ملاک، قیمت روز تأدیه باشد.

**آقای ابراهیمیان -** نه.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بعضی وقت‌ها کسی یک چیزی را نسیه می‌خرد و بعداً قیمت آن چیز بالا می‌رود.

**آقای مدرسی یزدی -** نباید نسیه بدهد.

**آقای یزدی -** اگر دستگاه اجرایی می‌خواهد در این ملک تصرف کند و آن را تملک کند، باید پول آن را به مالک بدهد تا بتواند آن را تملک و تصرف کند.

**آقای علیزاده -** [طبق حکم ذیل این ماده، مهلت پرداخت حقوق متعلقه اعلامی،] حداکثر (۱۸) ماه است.

**آقای رهپیک -** حکم این تبصره، اگر شفاف شود، خوب است.

**آقای علیزاده -** این عبارت بالا ابهام دارد؟

**آقای ابراهیمیان -** طبق قوانین فعلی هم حکم مسئله همین‌طور است که اگر چیزی کارشناسی و ارزیابی شد، وقتی می‌گویند دولت یا شهرداری‌ها مهلت دارند قیمت آن را پرداخت کنند، یعنی مهلت دارند ظرف یک سال یا یک سال و نیم قیمتی را که یک سال پیش ارزیابی شده است پرداخت کنند، نه قیمت یوم‌الاداء؛ مثلاً من یک سال پیش، خانه‌ای را ارزیابی کردم که قیمتش سیصد میلیون (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان ارزیابی شد. حالا من یک سال دیگر مهلت پرداخت این قیمت را دارم. من موقع پرداخت، می‌توانم سیصد میلیون (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان به مالک بدهم و خانه را از مالک بگیرم. اگر قیمت خانه در آن زمان چهارصد و پنجاه میلیون (۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰) تومان شده باشد، آن وقت ادارات دولتی طبق قوانین فعلی صد و پنجاه میلیون (۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰) بدهکار نمی‌شوند. این تبصره هم همین را دارد می‌گوید؛ یعنی از ظاهر ماده (۶)، این‌طور برمی‌آید.

**آقای مدرسی یزدی -** آن وقت این بندهی خدا [= مالک] در این مدت کجا برود؟

نیستند؛<sup>۱</sup> چون اصلاً دفتر اسناد در اداره‌ی ثبت نیست!

**آقای هاشمی شاهرودی** - تذکر این موضوع، اشکالی ندارد.<sup>۲</sup>  
**منشی جلسه** - «ماده ۷- هرگونه تغییر کاربری مصوب در مورد اماکن واقع در محدوده حریم امنیتی منوط به استعلام و کسب مجوز از دستگاه‌های صاحب حریم مربوطه موضوع مواد (۱) و (۲) این قانون است.

تبصره- دستگاه‌های اجرایی صاحب حریم موظفند ظرف مدت دو ماه در خصوص استعلام شهرداری‌ها و یا مراکزی که طبق قانون موظف به صدور مجوز ساخت یا تغییر کاربری می‌باشند، اعلام نظر نمایند.»

**آقای مؤمن** - اگر دستگاه اجرایی اعلام نظر نکرد چه می‌شود؟

**آقای ره‌پیک** - هیچ کس هم این موضوع را رعایت نمی‌کند.

**آقای مؤمن** - اگر دستگاه اجرایی اعلام نظر نکند، چه می‌شود؟ ضمانت اجرای این تبصره، احتیاج به بخشنامه دارد؟  
**آقای یزدی** - اشکال این ماده چیست؟ این ماده دارد می‌گوید نمی‌توانند بدون اجازه، در مورد این اماکن تغییر کاربری بدهند. این، حرف درستی است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - در این قسمت، بحثی نیست.

**آقای ره‌پیک** - بحث در مورد تبصره‌ی این ماده است. بحث این است که اگر دستگاه اجرایی ظرف دو ماه اعلام نظر نکرد، چه می‌شود؟

**آقای مؤمن** - آمدیم و دستگاه‌های اجرایی اظهار نظر نکردند؛ آنوقت احتیاج دارد به اینکه یک بخشنامه [در این خصوص صادر کنند].

**آقای هاشمی شاهرودی** - اگر دستگاهی اظهار نظر نکرد، یعنی موافق تغییر کاربری است.

**آقای ره‌پیک** - نه، این تبصره این مطلب را نگفته است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - معنای اظهار نظر نکردن این می‌شود.

**آقای ره‌پیک** - نه ضمانت اجرای این تبصره معلوم است و نه نتیجه‌ی عملی اظهار نظر نکردن معلوم است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - وقت اظهار نظر به اندازه‌ی دو ماه است؛ بیشتر از این نیست.

**آقای ره‌پیک** - نه، این تبصره هم ابهام دارد؛ چون معلوم نیست که [نتیجه‌ی عدم اظهار نظر دستگاه اجرایی در ظرف این مهلت] چه می‌شود.

پرداخت نکنی، تملک و تصرف در ملک مردم ممنوع است.  
**آقای علیزاده** - «تبصره (۱) ذیل ماده (۶) مبهم است. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» اگر این عبارت را قبول دارید رأی بگیریم.

**آقای شب‌زنده‌دار** - ما قبول داریم.

**آقای ره‌پیک** - حالا این ابهام را هم بگویید که دوباره این مصوبه برنگردد؛ بگویید قیمت باید قیمت روز تأدیه باشد.<sup>۱</sup>

**آقای علیزاده** - «تبصره ۲- ادارات ثبت اسناد و املاک کشور موظف به ثبت حقوق دستگاه‌های اجرایی در دفاتر اسناد و املاک مربوطه می‌باشند.»

**آقای هاشمی شاهرودی** - این تبصره، اشکال ادبی دارد.

**آقای علیزاده** - دفتر اسناد که در اداره‌ی ثبت نیست.

**آقای یزدی** - اشکال چیست؟ بگذارید مواد بعدی را بخوانند.

**آقای علیزاده** - الان مجلس قانون نوشته است. حالا اگر ما درباره‌ی این قانون هیچ چیزی نگوییم و در این خصوص، حتی یک تذکر هم به مجلس ندهیم، درست نیست. آخر دفتر اسناد که در اداره‌ی ثبت نیست!

**آقای ابراهیمیان** - دفتر املاک درست است.

**آقای علیزاده** - بله، دفتر املاک درست است، اما دفاتر اسناد و املاک صحیح نیست. باید به مجلس بگوییم که این تبصره، اشکال عبارتی دارد. بعد من که به مجلس رفتم، این را درست می‌کنم.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این تبصره، اشکال عبارتی دارد.

**آقای مدرسی یزدی** - ما نفهمیدیم اشکال عبارتی‌اش چیست؟

**آقای علیزاده** - اسناد را دفاتر اسناد ثبت می‌کنند، اما دفتر ثبت املاک، مربوط به اداره‌ی ثبت است.

**آقای جنتی** - الان این تبصره، اشکال شرعی دارد؟

**آقای علیزاده** - نه، اشکال عبارتی دارد که باید آن را تذکر بدهیم.

**آقای مدرسی یزدی** - این تبصره می‌گوید ممکن است بعضی وقت‌ها ثبت حقوق دستگاه‌های اجرایی در مرحله‌ی بعد به اداره‌ی ثبت هم برود. اول این حقوق را در دفتر اسناد می‌نویسند، بعد به اداره‌ی ثبت می‌رود. یعنی این تبصره می‌گوید هم اداره‌ی ثبت و هم دفتر اسناد دوتایی باید این حقوق را ثبت کنند. این تبصره، عیبی ندارد.

**آقای علیزاده** - ادارات ثبت که موظف به ثبت در دفتر [اسناد

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ شورای نگهبان: «۳-

۲. تذکر مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ شورای نگهبان: «تبصره (۲) ماده (۶)، دارای اشکال عبارتی است.»

دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

**منشی جلسه - «ماده ۸- دستگاه‌های اجرایی موظفند اعتبارات مورد نیاز جهت ایفای تعهدات ناشی از اجرای این قانون را در بودجه سالانه خود پیش بینی نمایند.**

تبصره- دولت موظف است در اجرای این قانون، بودجه لازم را ذیل اعتبارات دستگاه تأمین کند.

**ماده ۹- حریم‌های فنی مربوط به تأسیسات دستگاه‌های اجرایی و یا طرح‌های عمرانی کشور از قبیل حریم راه‌ها، دکل‌های برق فشار قوی و رودخانه‌ها تابع قوانین مربوطه خود است.**

**ماده ۱۰- آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، اطلاعات، نفت، نیرو، راه و شهرسازی و جهاد کشاورزی و ستاد کل نیروهای مسلح و سازمان انرژی اتمی ایران تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»**

**آقای رهپیک -** یک تذکری هم [از سوی مجمع مشورتی حقوقی] داده شده است مبنی بر اینکه این بحث حریم در مورد موقوفات چه وضعیتی پیدا می‌کند؟<sup>۱</sup> چون ممکن است این حریم‌ها فقط در مجاورت املاک شخصی مردم نباشد.

**آقای جنتی -** فرقی نمی‌کند، موقوفات هم به همین نحو است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** همان بحث تحدید مالکیت‌ها در موقوفات هم مطرح می‌شود.

**آقای رهپیک -** به طُرُق دیگر امنیت را برقرار می‌کنند. یک سؤال؛ الآن به این مسئله رسیدگی شد یا آن بحثی که من عرض کردم تا پیگیری شود؟ سازمان پدافند غیرعامل که در رابطه با این موضوع آیین‌نامه دارند؛ مقام معظم رهبری هم دستور داده‌اند که وظایف تعیین حریم امنیتی بر عهده‌ی این سازمان باشد و این کار الآن دارد توسط این سازمان انجام می‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** سازمان پدافند غیرعامل، این را باید به مجلس بگویند. چرا می‌آیند به ما می‌گویند؟! اگر دستور صریح از رهبری دارند به مجلس ارائه بدهند و به آقای

→

اعلام نظر ننمایند، تعیین تکلیف نشده است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

۲. «علاوه بر نکات و مسائل فوق، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه احکام مقرر در این قانون شامل موقوفات نیز می‌باشد، واجد ایراد است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۱۰۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶، ص ۲۴، قابل دسترسی در نشانی زیر:

yon.ir/i9mhl

**آقای علیزاده -** این تبصره از این جهت ابهام دارد که اگر دستگاه اجرایی ظرف دو ماه جواب ندهد، معلوم نیست چه می‌شود.

**آقای ابراهیمیان -** در این صورت، تغییر کاربری بلا مانع تلقی می‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، تغییر کاربری بلا مانع تلقی می‌شود. در قانون، برای منع تغییر کاربری، همین مطلب هست.

**آقای رهپیک -** خب مجلس بنویسد که در صورت عدم اعلام نظر، تغییر کاربری مجاز است.

**آقای سلیمی -** این موضوع را قانون باید مشخص کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این نکته را هم تذکر بدهید. این تبصره نگفته است که حقوق مردم ضایع بشود؛ از این جهت، ساکت است. [نتیجه‌اش باید این باشد که در این صورت]، تغییر کاربری بلا مانع است

**آقای مدرسی یزدی -** به این تبصره هم ابهام بگیرد.

**آقای رهپیک -** اشکال این تبصره، بیشتر از صرف تذکر دادن است. باید تکلیف املاک معلوم شود.

**آقای علیزاده -** ما عین همین مسئله را در مورد شهرداری‌ها داشتیم. شهرداری‌ها نه تنها ظرف دو ماه جواب نمی‌دادند، بلکه اصلاً جواب نمی‌دادند. می‌گفتند ما با وزارت مسکن یا جای دیگر دعوا داریم و اینها پول ما را نمی‌دهند. در مورد ملک مردم جواب نمی‌دادند. آن موقع، آیت‌الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه بودند. من به ایشان عرض کردم که می‌خواهم یک نامه به آقای وزیر کشور بنویسم که اگر شهرداری‌ها ظرف دو ماه جواب ندادند، من به دفاتر اسناد می‌گویم که املاک را منتقل بکنند. اینها [= شهرداری‌ها] دست پاچه شدند و نهایتاً ما این کار را کردیم. اما مردم نمی‌توانند فردا این کار را بکنند؛ چون این مسئله، موضوع امنیتی است. واقعاً با این وضع، حق مردم ضایع می‌شود. حداقل این تبصره باید بگوید در صورت عدم اعلام نظر، دستگاه‌های اجرایی یکی دو ماه دیگر مهلت اعلام نظر دارند، پس از آن اگر دستگاه اجرایی باز هم اعلام نظر نکرد، این عدم اعلام نظر، به معنای موافقت با تغییر کاربری است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، بگویند در این صورت، تغییر کاربری بلا مانع است.

**آقای سلیمی -** بگویند که اگر دستگاه اجرایی جواب نداد، چه می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. بند (۴) نظر شماره ۱۳۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ شورای نگهبان: «۴- در تبصره ماده (۷)، نسبت به موردی که دستگاه‌های اجرایی ظرف دو ماه

لاریجانی [رئیس مجلس شورای اسلامی] بگویند تا این قانون تصویب نشود. اینها همه‌ی کارها را روی دوش شورای نگهبان می‌اندازند.<sup>۱</sup>

۱. نظر شماره ۱۳۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۶۰/۱۸۲۹ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۳، لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب جلسه مورخ هفدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد نود سه مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- ذیل ماده (۲)، از این جهت که وظایف شورای عالی امنیت ملی را بر عهده ستاد کل نیروهای مسلح قرار داده است، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی شناخته شد.

۲- در ماده (۵)، عبارت «به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص» واجد ابهام است؛ مضافاً به اینکه در این ماده مشخص نیست که آیا منظور این است که با آیین‌نامه اجرایی محدودیت‌هایی برای اشخاص ایجاد گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. به علاوه در تبصره این ماده نیز منظور از عبارت «با رعایت الزامات» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر می‌گردد.

۳- همان‌طور که قبلاً طی نظریه‌های متعدد از جمله به موجب نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۴۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۹ اعلام شده است، ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی خلاف شرع می‌باشد؛ لذا ماده (۶) واجد اشکال شرعی است. همچنین با توجه به تبصره یک این ماده، قسمت اخیر ماده (۶) ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۴- در تبصره ماده (۷)، نسبت به موردی که دستگاه‌های اجرایی ظرف دو ماه اعلام نظر نمایند، تعیین تکلیف نشده است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ضمناً تصویر نامه شماره ۱۱۵/۳۱۵/۷۰۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ رئیس محترم سازمان پدافند غیر عامل کشور به همراه ضوابط به پیوست جهت امعان نظر ایفاد می‌گردد.

تذکر:

- تبصره (۲) ماده (۶) دارای اشکال عبارتی است.